



اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت
درباره رد قطعنامه شورای امنیت
سازمان ملل متحد
و هرگونه میانجیگری صلح و اعلام
ادامه جنگ از جانب رژیم خمینی

• گزارشی از اعتصاب
در کارخانجات "ایران سایا" (رنو)
• زندگی نامه های مجاهدین شهید
محمد و رقیه مصباح و عباس عطاپور
• مصدق، پیر بزرگ احمد آباد (شعر)

پنجشنبه ۱۲ اسفندماه ۱۳۶۱ - تک شماره ۱۰۰ ریال (خارج از کشور معادل دو دلار)

در صفحه ۵

سرمقاله

کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی رژیم خمینی

اکنون بحران اقتصادی رژیم خمینی همراه با پایین آمدن قیمت نفت، شدت و حدت جدیدی یافته است. بحرانی که - با توجه به مقاومت انقلابی مسلحانه - سرنویست سازی که در میهن جاری شده دارد و با توجه به جنگ خاندان سوزی که با سرنویست رژیم، گره خورده است - چون از منظر و عنصر اصلی اقتصاد تک پایه ای خمینی (یعنی نفت) برمی خیزد، لاجرم تأثیرات اجتناب ناپذیری بر سایر ارکان حکومت خمینی خواهد داشت و هم اکنون بحران آن در رابطه با تضادهای درونی هیئت حاکمه، سیاست های اقتصادی و اجتماعی و همچنین سیاست خارجی رژیم بحتم می خورد. مقدمتاً یادآوری می نمایم که در تاریخ معاصر ایران، بویژه در رابطه با موقعیت جغرافیایی و استراتژیک کشورمان، نفت همواره چه در رابطه با سیاست های خارجی رژیم های حاکم، نقش ویژه ای بعهده داشته است تا جائی که حتی در مقاطعی (نظیر دوران ملی شدن صنعت نفت) از یک طرف محور اصلی نظام استعمارگران و از طرف دیگر محور اصلی مبارزات استقلال طلبانه مردم ایران متوجه آن بوده است. گوناگون بودن اوضاع و احوال گسستی جهان بعلل گوناگون، بویژه کشف و استخراج منابع جدید نفت و یا استفاده از روش های نوین در بهره گیری از نفت و نیز سابق رادربازارهای جهانی، در طول تاریخ، همواره یکی از عوامل تکثیر پایه ای ایران برمی گردد. در دوره های پیشین، کسب و کار خود را حفظ کرده، بلکه چه در زمان شاه و چه در رژیم خمینی، روز بروز سهم بیشتری از درآمد بودجه ای مملکت را بوسیله نفت کسب می نمودند. در این مقاله برای تشریح بحران اقتصادی رژیم خمینی، بحران اقتصادی زمستان گذشته رژیم خمینی را، به عنوان نقطه آغاز از آن مرور می کنیم. اواخر پاییز و زمستان گذشته بحران اقتصادی رژیم خمینی را فرا گرفته بود. گزارشات واصله از کشورهای مختلف مرکزی حکایت از آن داشت که ذخیره ارزی کشور حدود ۶ میلیون دلار تقلیل یافته بود. دولت هیچگونه تساری خمینی برای کالاهای اساسی، مربوط به ارزاق عمومی نمی گوید و به همین خاطر بقیه در صفحه ۲

پیام مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت شانزدهمین سالگرد فقدان رهبر فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق

بنام خدا
بنام ایران و بنام آزادی
شرف و آزاده ای ایران!
شورای ملی مقاومت، در
شانزدهمین سالگرد درگذشت دکتر
محمد مصدق، پیشوای فقید
نهضت ملی ایران به روان پرفروش
او درود می فرستد و نقش تاریخی

او در راهگشایی و رهبری مبارزات
ضد استعماری ملت ایران را
گرامی می دارد. نقش بزرگ و
راهبرانه ای که سرعت فراتر از
مرزهای کشور، الهام بخش
مبارزات ضد استعماری ملل تحت
سلطه گردید. چنانکه بحق
می توان و باید از "دکتر مصدق"
بعنوان راهگشای مبارزات رهائی-
بخش و ضد استعماری ملل تحت

سلطه ای جهان سوم، تحلیل کرد.
از سوی دیگر، سازش ناپذیری
و استقامت و فداکاری مصدق
فقید، در راه استقلال و آزادی
ایران، برای همیشه بر تارک
مبارزات رهائی بخش ملت ما
خواهد درخشید و منبع الهام و
آموزش برای نسل ها و مبارزات
پس از مصدق بوده و خواهد بود.
بقیه در صفحه ۳

جنگ، بودجه و تورم

رژیم خمینی، برای تامین هزینه های گوناگون جنگ می در پی بودجه های هنگفتی در هیئت دولت بتصویب می رساند. منجمه چند روز پس از تهاجم اخیرین به عراق، متناوباً ارقامی نظیر ۵۰ میلیون، صد میلیون و حتی ۵ میلیارد ریال و... در این زمینه بتصویب رساند. البته تخصیص مکرر چنین مبالغ کلانی جدای از بودجه های چندصد میلیارد ریالی است که در لوابیح مربوط به بودجه برای هزینه های مختلف مربوط به جنگ هر ساله بقیه در صفحه ۶

ارتباطات

پس از درج سلسله مقالات نظامی "از سری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق بیاوزیم" در نشریه ای مجاهد، سؤالات زیادی در رابطه با مسائل نظامی در این نشریه گشوده شد. بخش اعظم هسته های مقاومت در این نشریه داشته ایم. این سؤالات از جانب نیروهائی است که پس از تشکیل هسته های مقاومت مسلح، در مسیر انجام دادن نظامی گام بقیه در صفحه ۱

خانواده خمینی مجاهدین در نبردی قهرمانانه بر علیه خمینی ضد بشر

تهاجم مسلحانه به یک نفر بر حامل یاسین در اصفهان

در این تهاجم هر مانده حداقل مزدور خمینی
بهلاکت رسیده و ۱۲ مردود دیگر زخمی میشوند
در صفحه ۳

در حده سال ۱۳۶۱
موجودیت مجاهدین انقلابی
دشمنی توانای بنیانگذاران
کثیر شمارهی مجاهدین خلق
ایران (محمد مصدق - سید
مختن - علی اصغر بدیع زاده)
برافراشته شد و از آن زمان تاکنون
مبارزه بی پایان مجاهدین دو
مسیر، برپایه و خم و خونین و
دشوار ادامه دارد و بی تردید این
مبارزات و خانقانیها تا پیروزی
بقیه در صفحه ۱

کاهش بهای نفت و تشدید بحران اقتصادی رژیم خمینی

بقیه از صفحه اول

اتکاء نفت تخفیف داده، این کمبود درآمد (در حالی که بهیچوجه هزینه‌های رژیم بخصوص تا زمانی که جنگ ادامه داشته باشد کاهش نخواهد یافت) با آسانی از منابع دیگر قابل تأمین نیست. لذا به تنها منبعی که برای جبران کاهش درآمد خود سراغ دارد یعنی غارت و چپاول بیشتر مردم روی می‌آورد. بهمین خاطر است که هر روز بر فشار مالیات‌های مستقیم و غیر مستقیم و همچنین افزایش سرسام‌آور انواع و اقسام عوارض می‌افزاید و همه‌ی اینها سوای آن غارتگری‌هاییست که بزور سرنیزه تحت عنوان کمک به جبهه‌های جنگ و یا حیل و فریب‌های باصطلاح شرعی صورت می‌گیرد. در همین رابطه است که می‌بینیم خمینی حتی صحبت از گرفتن "کلاه" مردم می‌کند و خامنه‌ای از وجود "نقدینگی" زیاد در دست مردم می‌نالند! و رفسنجانی یکبار پسرانداز مردم را محاسبه کرده و کیسه گشاد خود را برای سی میلیارد تومان خمس آن می‌گشاید و یکبار دهان برای بلعیدن صدوپنجاه میلیارد تومان وجوه شرعی! باز می‌کند که بایستی برای حل مسائل اقتصادی رژیم از مردم دریافت شود.

خلاصه کنیم: رژیم خمینی بحران شدید اقتصادی خود را در سال گذشته با تکیه بر حراج خیانت‌بار نفت، تخفیف داد و اکنون درحالی که هزینه‌های سرسام‌آور جنگ همچنان ادامه دارد و در حالی که رژیم دیگر قادر به تأمین درآمد خود از طریق صدور نفت نیست بناچار به غارت و چپاول مستقیم مردم روی آورده است. روشی که مسلماً قادر به حل قاطع بحران اقتصادی رژیم نخواهد بود. بلکه به هر میزان که بتواند به این طریق از مشکلات اقتصادی خود بکاهد، بطور مضاعف بر نارضایتی‌های اجتماعی و همچنین بر تضادهای درونی خود خواهد افزود. بحران‌های فزاینده و دورتسلسل تبدیل مشکلات سیاسی و مسائل اقتصادی و اجتماعی رژیم خمینی به یکدیگر بچنان نقطه‌ای رسیده است که برای مقابله با آن نیز، (تا آنجا که بتواند) بر افزایش اختناق و سرکوب عمومی خواهد افزود. البته بدیهی است که چون تیزی شمشیر اختناق و سرکوب، در مصاف با مقاومت گسترده و سراسری ۱/۵ سال گذشته کند گردیده است، رژیم خمینی هرگز از قدرت و توانائی مکفی برای رودرروئی با بحران‌های فزاینده‌ی اقتصادی - اجتماعی و گریز از سقوط محتوم رژیمش برخوردار نخواهد بود.

* * *

خاتمه دادن به رابطه باجماعت

شاهی و بختیار و اویسی و...
محافل نزدیک به مسعود رجوی تاکید نمودند که این دیدار خواست رسمی عراق بوده و صدور بیانیه‌ی مشترک شرط برگزاری آن بوده است. همین منابع اظهار نمودند که این دیدار ۵ ساعت بطول انجامید و طرفین به تبادل نظر پرداختند. دوطرف منطق جنگ را رد کرده و خواستار پایان دادن فوری به آن شدند. طرف ایرانی از وضعیت اسرای جنگی ایران توضیح خواست و نیز اعتراض خود را نسبت به بمباران مناطق شهری ابراز نمود. این محافل دعوت عراق از نماینده‌ی شورای ملی مقاومت جهت بازدید از وضعیت اسرای ایرانی را یک قدم مهم و آغاز سرنوشتی رژیم خمینی، که نمی‌تواند رجوی و مجاهدین خلق را به دسیسه‌چینی با دشمن عراقی متهم کند، به حساب آوردند.

روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی:

از صفحه آخر

روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی:

عکاظ - آقای مسعود رجوی رهبر سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران در مصاحبه‌ای با یک روزنامه هندی تاکید نموده که سرنوشتی رژیم خمینی امری حتمی است رجوی در صحبت‌هایش با روزنامه مزبور در پاریس بیان نمود که ارتش ایران تاکنون در چندین پادگان بر علیه رژیم خمینی سرکشی نموده است. وی گفت که مقامات تهران قصد خاتمه جنگ با عراق را ندارند. رژیم از این وحشت دارد که ارتش ایران قیام کرده و رژیم دیکتاتوری‌اش را سرنگون سازد رجوی از کشورهای صلح - دوست خواسته است که کلیه کمک‌ها را به رژیم خمینی قطع کنند. زیرا این کمک‌ها در کشتار و شکنجه‌ی فرزندان خلق مسلمان ایران بکار می‌روند. در کوبت روزنامه‌ی کوبیتی

"القبس" در رابطه با حملات مقامات تهران و رد پیشنهادات مسالمت‌آمیز عراق برای راه‌حلهای دیپلماتیک، هشدار داد. در ابوظبی روزنامه‌ی "الاتحاد" موج اعدام‌ها توسط رژیم ایران را ذکر کرده و گفت که رژیم ایران دست به اعدام‌ها و دستگیری‌های زیادی بر علیه اتحادیه‌های کارگری و گروههای سیاسی مخالف در تمام کشور زده است. همچنین دستگیری‌هایی در واحدهای ارتش و شهربانی و پاسداران صورت گرفته و تا حالا حدوداً بیش از صد افسر دستگیر شده‌اند. از طرف دیگر مجله‌ی کوبیتی "الرساله" تاکید نموده که هموطنان عرب برای پی‌بردن روابط رژیم ایران با صهیونیستها هیچ احتیاجی به مدارک منعکس شده در هفته‌ی گذشته ندارند.

عوام‌فریبانه‌ی خود چنین وانمود می‌کرد که نفت خود را از طریق پایاپای به کشورهای کوچک می‌فروشد ولی صرفنظر از آنکه همین فروشهای پایاپای نیز در مواردی حتی تا بشکله‌ای دوازده دلار نیز حراج شده بود، نفت ایران بطور مستقیم و غیر مستقیم با همان قیمت حراج شده‌ی فوق‌الذکر به انحصارات بزرگ نفتی و حتی اسرائیل سرازیر گردید.

استمرار حراج خیانت‌بار نفت ایران توسط خمینی بتدریج زمینه را برای تنزل قیمت رسمی نفت در بازارهای جهانی آماده ساخت و بالاخره تلاش‌های رژیم خمینی در جهت دوبرابر کردن سهمیه‌ی صدور نفت خود (که مایه‌زای آن می‌بایست از سهمیه‌ی صدور سایر کشورهای گسرمی‌گردید) آخرین نشست کشورهای صادرکننده‌ی نفت (اوپک) را در وین که برای تثبیت قیمت نفت در همان بشکله‌ی ۳۴ دلار قبلی در وین تشکیل شده بود، دچار شکست کرد.

پس از شکست گردهمایی اوپک در وین، بتدریج تعدادی از کشورهای عضو اوپک برای جلوگیری از افت صدور نفت خود به ناچار قیمت نفت خود را بطور رسمی تنزل دادند و باین ترتیب آثار خیانت ناشی از سیاست حراج نفت توسط رژیم خمینی در داخل مرزهای ایران محدود نموده و دامن سایر کشورهای عضو اوپک را نیز گرفت. به این ترتیب اساساً این سیاست خیانت‌بار خمینی در رابطه با نفت سالیان تقریباً یک صد میلیارد دلار از کیسه‌ی کشورهای صادرکننده‌ی نفت به جیب انحصارات نفتی سرازیر نموده است و بدیهی است که کاهش عظیم درآمد نفت برای کشورهای عضو اوپک زمینه را برای تحمیل‌های جدید سیاسی به کشورهای فوق‌الذکر هموارتر خواهد ساخت. بهر حال بحران اقتصادی رژیم خمینی که موقتاً آن را با افزایش صدور نفت از طریق حراج آن تخفیف داده بود، اکنون مجدداً و در ابعاد وسیعتر، تشدید گردیده است. چرا که رژیم خمینی پس از کاهش بهای نفت در بازار جهانی بایستی برای حفظ میزان صدور نفت خود باز هم از قیمت آن بکاهد و این در شرایطی است که از امکانات لازم برای افزایش تولید و صدور نفت به منظور جبران کاهش درآمد خود نیز برخوردار نیست. لذا مطمئناً درآمد حاصل از فروش نفت توسط رژیم خمینی هم‌اکنون کاهش یافته و در آینده باز هم بیشتر کاهش خواهد یافت. با توجه به اینکه رژیم خمینی طی یک دوره‌ی یکساله بحران شدید اقتصادی خود را اساساً به

از صفحه آخر

توضیح: الحوادث چاپ لبنان تفسیری پیرامون ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با نایب نخست وزیر عراق منتشر ساخته است. کوتاه شده‌ی این تفسیر به شرح زیر می‌باشد:

دیدار ناگهانی طارق عزیز و مسعود رجوی در "اورسور-اواز" در نزدیکی پاریس توجه محافل

منظور این مجله نامه‌ای بود که وزارت خارجه‌ی ایران برای برقراری روابط با عناصر صهیونیستی به سفارتش در آنکارا داده بود.

این مجله اظهار داشت که روابط با دشمن اسرائیلی منطقی است و هیچ تعجبی ندارد و رژیم ایران نمی‌تواند از رژیم صهیونیستی دور شود.

دیپلماتیک در پایتخت فرانسه را جلب نموده و آنان در این مورد نظرهایی ارائه داده‌اند...

الحوادث اطلاع یافته است که حدود یکماه برای این دیدار زمینه‌سازی شده و پس از بحث و تلاشهای زیادی برگزار گردید. اگر تلاشهای شمر بخش شخصی ابوعمار،... نبود، چنین دیداری برگزار نمی‌شد. این تلاشها و بحثها با حل مشکلات و توافق بر روی مسائل اساسی زیرین صورت گرفت:

- برسمیت شناختن پیمان الجزایر ۱۹۷۵
- عقب‌نشینی نظامی از تمامی اراضی ایران
- عدم دخالت در امور داخلی دو کشور
- برسمیت شناختن حاکمیت مردم دو کشور (این بطور غیرمستقیم نفی مفهوم ولایت فقیه است)

بقیه از
صفحه اول

پیام مسئول شورای ملی مقاومت بمناسبت شانزدهمین سالگرد فقدان رهبر فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق

بخط "سیلی خوردن" مصدق از امپریالیستها، "شکر" گذاری نمود!

بنابراین، نجات انقلاب ایران و کسب آزادی و استقلال ملی و حاکمیت مردمی، دقیقا ملازم با نجات ارزشها، فرهنگ و هویت اصیل و ترقیخواهانهی ملی و میهنی است.

این ضرورت، آموزش و ترویج گستردهی مفاهیم ارزش-های اصیل ملی و ایرانی و تشریح تفاوت آنها با ملی‌گرایی ارتجاعی و شوونیستی را ایجاب میکند.

علیهذا در سالگرد درگذشت رهبر فقید نهضت ملی ایران، بجاست که از همه شیفتگان و علاقمندان مصدق بخواهمیم، که با پشتیبانی و حمایت هرچه فعالیت از نیروهای مقاومت و شورای ملی مقاومت در داخل و خارج کشور، ایمان و وفاداری خود به مصدق و آرمان او را، عملا به اثبات و تحقق برسانند.

بدیهی است که این اولین و بزرگترین وظیفه‌ی ما در بزرگداشت و گرامیداشت یاد و راه مصدق محسوب می‌گردد.

ملت شریف ایران!

مقاومت و مبارزه‌ی ما در مسیر استقلال و آزادی، که از سمبل‌هایی همچون مصدق الهام گرفته و از پشتوانه‌های غنی و گرانقدر تاریخی همچون مبارزات او برخوردار است، در پرتو همه‌ی خونها و فداکاریهای عظیمی که امروز نثار آن می‌گردد، بی‌تردید به پیروزی بزرگ خود دست خواهد یافت. آنگاه نسل سرافراز مقاومت همه‌ی مورث ارجمند تاریخی خود را بیشتر باز خواهد شناخت و برای بنای ایرانی دمکراتیک و آزاد و مستقل، با فرهنگی پربار و سرشار بکار خواهد پرداخت.

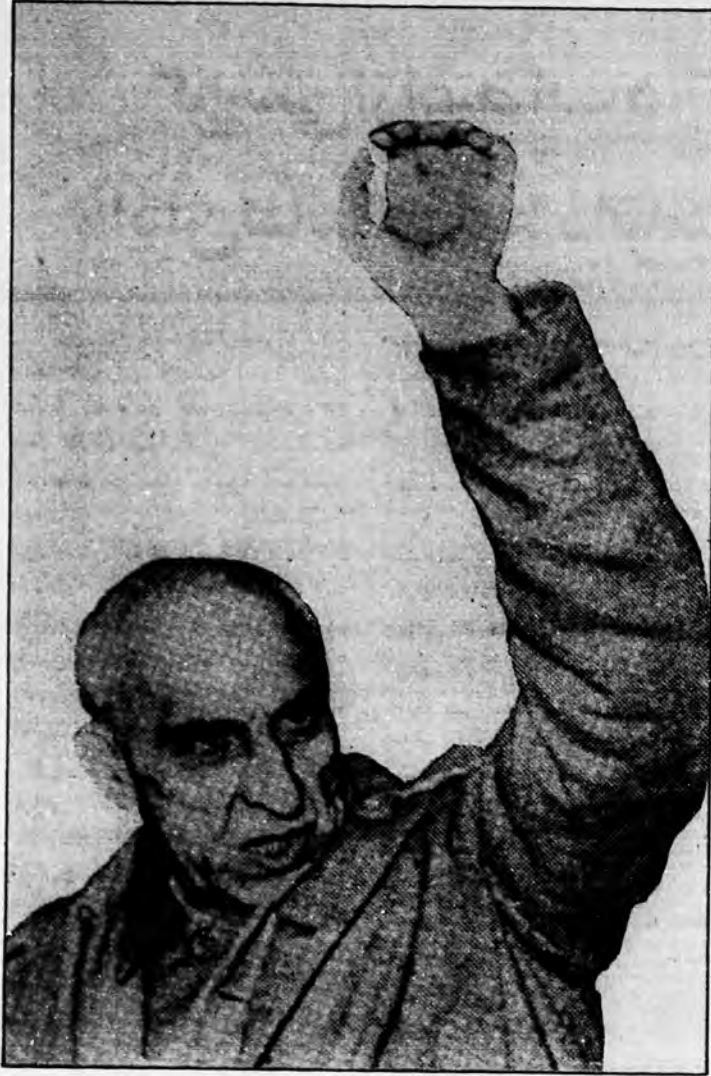
مرگ برخمینی - سلام بر مصدق
سلام بر آزادی
مسئول شورای ملی مقاومت
مسعود رجوی

می‌شود؛ اکنون مهمترین و اولی‌ترین وظیفه‌ی ما در حق سمبل و رهبری همچون مصدق کبیر همانا مبارزه و مقاومت در برابر دیکتاتوری ضد ملی خمینی بمنظور کسب آزادی و استقلال ملی است. وظیفه‌ای که رشیدترین فرزندان ملت ایران با دلاوری و فداکاری تمام بدان قیام کرده و هم‌اکنون پرچم عزت و شرف میهن را به نشانه‌ی عزم پایدار و جاودانه‌ی ملت ایران برای حراست از آزادی و استقلال ملی، در هر گوی و برزن و در تمامی سنگرهای مقاومت انقلابی مسلحانه بر دوش‌های خونین خویش حمل می‌کنند. از سوی دیگر همچنانکه در برنامه‌ی شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران آمده است: "در همینجا بسیار ضروری است که به انهدام و سرکوب ارتجاعی همه‌ی ارزش‌های اصیل و ترقی‌خواهانه‌ی ملی از جانب خمینی اشاره کنیم. چنانکه در عمل به ثبوت رسید ارتجاع حاکم بر غم‌بخوردهای ریاکارانه‌ی پیشین، هرگونه ملی‌گرایی و میهن‌پرستی را اساسا مردود شمرد و سرکوب نمود. این نحوه‌ی برخورد، اگرچه به یکنوع جهان‌وطنی و نفی مرزها و حدود سرمایه‌داری تظاهر نموده، و حسب‌المعمول فرصت-طلبان دست‌راستی را به طمع می‌انداخت، اما در حقیقت آرزوهای برباد رفته‌ی قرون وسطائی را نمایندگی میکرد که متاسفانه تحت لوای اسلام عرضه می‌شود. پس هدف در یک کلام این بود که همه‌ی موانع ترقی-خواهانه‌ی ملی و میهنی بر سر راه دیکتاتوری ارتجاعی منگوب شود. بارزترین نمود این حقیقت را می‌توان در تخفیف و توهین به پیشوای فقید نهضت ملی ایران دکتر محمد مصدق، والگوسازی مرتجعین قهاری چون شیخ فضل‌الله و گاشانی، که بگرات از جانب خمینی تکرار شده، باز یافت. در این مسیر خمینی تا آنجا پیش رفت که آشکارا

کما اینکه هم‌اکنون نیز، شورای ملی مقاومت، که درگیرودار گسترده‌ترین و عظیم‌ترین مقاومت متحد تاریخ کشور، برای کسب آزادی و استقلال ملی است، خود را، تداوم و ارتقاء تاریخی راه مصدق می‌شناسد و مدیون درس‌آموزی، از مکتب سازش-ناپذیری و استقامت و فداکاری رهبر فقید ملت ایران می‌باشد. همچنین شورای ملی مقاومت مفتخر است که با آموزش از همه‌ی تجارب تلخ و شیرین مبارزات "مصدق‌کبیر"، در این برهه‌ی حساس تاریخی به یکی از آرزوهای او (که البته آرزوی تاریخی ملت و همه‌ی نیروهای ملی ایران بوده است) جامه‌ی عمل پوشانده و به مثابه‌ی محور تشکل و جبهه‌ی متحد نیروهای ملی و استقلال طلب و آزادی‌خواه ایران، یکی از کمبودهای بزرگی را که مصدق فقید نیز در دوران مبارزات خود، از فقدان آن بسی رنج می‌برد، مرتفع ساخته است. امری که مضافا بر زمینه‌ها و شرایط اساسا متفاوت و تغییرات تکاملی مبارزات امروز با دوران مصدق فقید، طیف دشمنان رنگارنگ استقلال و آزادی ایران از خمینی‌گرایان گرفته تا بقایای شاه و حزب توده را که همچون دوران مصدق، اینبار نیز در برابر ما صف‌آرایی نموده‌اند، بکلی مایوس نموده و کمترین مجالی برای سودجویی فرصت-طلبانه تحت نام مصدق باقی نگذاشته است. بویژه که اکنون ما با زهم با الهام از آخرین رهنمودهای پیشوای فقید، بر مبارزه‌ی انقلابی مسلحانه در مسیر آزادی و استقلال پایدار میهنمان تاکید نموده و در مصوبات خود آن را حائز نقش محوری شناخته‌ایم.

هموطنان عزیز!

از آنجا که وفاداری به هر آرمان و سمبل والای ملی یا عقیدتی، تنها با عیار تداوم راه و فداکاری و جانفشانی و مبارزه در راه آن، محک زده



تهاجم مسلحانه به یک نفر بر حامل پاسداران اختناق در اصفهان

در این تهاجم قهرمانانه حداقل

۲ مزدور خمینی به لاکت رسیده

و ۱۲ مزدور دیگر زخمی میشوند

مقارن ساعت ۷/۳۰ دقیقه بامداد روز ۴ اسفند یکی از واحدهای مقاومت سجاهد خلق با یک تهاجم برق‌آسا و دلاورانه یکی از نفربرهای حامل پاسداران اختناق در اصفهان را با پرتاب بمب درهم کوبیده و آنرا منهدم کردند.

این عملیات در حالی صورت گرفت که یکی از رزمندگان مجاهد با رسیدن خودروی حامل پاسداران خمینی به فلکه احمدآباد، آن را متوقف کرده و بمب نیرومندی را بدرون آن پرتاب کرد.

در این تهاجم قهرمانانه، حداقل ۲ تن از اعضاء سرکوبگر سپاه ضد خلقی اصفهان به لاکت رسیده و ۱۲ مزدور دیگر بشدت زخمی شدند. یکی از عوامل موثر سپاه پاسداران این شهر بنام حسن حسینی که مستقیما مسئولیت دهها مورد دستگیری شکنجه و اعدام را در این شهر بعهده داشت از جمله‌ی کشته-شدگان است.

واحد عملیاتی پس از انجام موفقیت‌آمیز عملیات، صحنه‌ی عملیات را ترک‌گفته و سالم به پایگاه خویش بازگشت

مرگ برخمینی، شعار محوری مرحله کنونی
مبارزه انقلابی مسلحانه، تاکتیک محوری مرحله کنونی

گزارشی از اعتصاب در کارخانجات "ایران سایا" (سازنده اتومبیل های رنو)

روز پنجشنبه ۲۱/بهمن ماه ۶۱ کلیه کارگران کارخانجات "ایران سایا"، واقع در کیلومتر ۱۳ جاده قدیم کرج، دست به اعتصاب زدند. آنها خواستار تعطیلی روزهای پنجشنبه، پرداخت اضافه دستمزد و حق - سهم سالیانه اتومبیل به کارگران بودند. کارگران، هم - چنین به عدم لیاقت و بی تجربگی مدیریت کارخانه نیز اعتراض داشتند. زیرا مدیر کارخانجات "ایران سایا" فردی است فرس فروش بنام "آل احمد" که از بازاریان وابسته به رژیم می باشد. او قبلا در جلفا کار می کرده و در آنجا نیز در اثر بی لیاقتی و ایجاد تضییقات فراوان برای کارگران، توسط آنها تنبیه می شود. بنحویکه رژیم مجبور می گردد او را از جلفا بیرون آورده و بر سر مدیریت کارخانجات "ایران سایا" بگمارد.

این عامل سرسپرده رژیم در طول مدت مدیریتش در کارخانجات "سایا"، بدلیل بی لیاقتی و بی تجربگی اش در کار، جایجائی ها و نقل و انتقالات خودسرانه و بی حساب و کتابی، در سطوح کارگران بخشهای مختلف کارخانه انجام داده که منجر به حوادث و ضایعاتی برای کارگران زحمتکش شده است. منجمله در اثر انتقال خود بخودی تعدادی از کارگران قسمت "نقاشی" کارخانه به قسمت "پرس" - که مستلزم گذراندن دوره تخصصی است - تاکنون دست تعدادی از این کارگران در هنگام کار با دستگاه "پرس" قطع شده است. تنها جواب مدیر سرسپرده رژیم در پاسخ به اعتراضات کارگران نسبت به اینگونه جایجائی های ابلهانه، این است که: شما برای ما کار می کنید، پس هر کاری که ما به شما گفتیم بایستی انجام دهید!

همچنین رژیم در طول این مدت سعی کرده به شیوه جدید خود، با فرستادن تعدادی از جاسوسانش (تحت عنوان کارگر) به این کارخانه، اختناق بیشتری را در محیط کارخانه حاکم کند. از جمله تعدادی از این جاسوسان از سوی باصطلاح بنیاد شهید، به کارخانجات "ایران سایا" فرستاده شده اند که به کنترل و جاسوسی علیه کارگران مشغولند. لازم به توضیح است که این

مزدوران در کارخانجات حرفه ای بوده و برای سرکوب اعتصابات و اعتراضات کارگران به سایر کارخانجات نیز فرستاده می - شوند! از جمله در سال گذشته این مزدوران بکمک پاسداران ضدخلفی در سرکوب اعتصاب کارخانجات "ایران سایا" نقش فعالی داشتند. لازم به یاد - آوری است که در سال گذشته کارگران قهرمان این کارخانه، دست به اعتصاب و اعتراضات مشابهی در جهت احقاق حقوق خود زدند، اما توکلی خائن وزیر ضدکارگری رژیم، مستقیما به مقابله با اعتراضات و خواستهای مشروع کارگران برخاست و منجمله سهمیه سالیانه کارگران را لغو نمود (این سهمیه عبارت بود از فروش یک اتومبیل در سال به کارگران با قیمت تمام شده و نه قیمت رسمی)

بهرحال علیرغم شدت یافتن اقدامات ضدکارگری رژیم خمینی اعتراضات کارگران کارخانجات "ایران سایا" متناوبا بصورت های مختلف ادامه یافته و تاکنون به چندین درگیری نیز منجر شده و یکی از مدیران این کارخانه بنام "کانوزیان" نیز توسط کارگران اخراج شده است.

در جریان اعتصاب ۲۱ بهمن امسال، بجزایادی جاسوس رژیم - که تماما در انجمن ضداسلامی کارخانه جمع شده اند - کلیه کارگران کارخانه، فعالانه شرکت داشتند. (تعداد کل کارگران کارخانجات "ایران سایا" در حدود ۳۰۰۰ نفر می باشد). اعضای انجمن ضداسلامی تنها توانستند از تعطیل شدن دفاتر کارخانه واقع در خیابان زنجان و آبدلی جلوگیری نمایند. اما تلاش های ضدانقلابی شان در محیط کارخانه های اصلی بجائی نرسید. مزدوران سرسپرده خمینی ابتدا سعی کردند با بخش اعلامیه های متعدد و استناد به سخنان امام جنایتکارشان، کارگران اعتصابی را برسرکار بازگردانند. اما کارگران قهرمان که دیگر عوامفریبی های خمینی خائن برایشان کهنه شده، آنها را به تمسخر گرفتند و برخواستهای مشروع خویش پافشاری نمودند. کارگران همچنین به غارتگریهای باندهای وابسته به رژیم نیز معترض بوده و برعلیه آن افشاکاری می کردند. از جمله

مصاحبه مطبوعاتی استاد جلال گنجهای

استاد جلال گنجهای که چند ماه قبل متن اعلام حمایت و پیوستگی ایشان به شورای ملی مقاومت در نشریه اتحادیهی انجمن های دانشجویان خارج از کشور به چاپ رسیده بود هفتهی گذشته در مقر جمعیت حقوق بشر در پاریس، در یک مصاحبهی مطبوعاتی شرکت نمود.

ذیلا گزارش مصاحبهی ایشان را به نقل از روزنامهی لوموند مورخ ۲۳ فوریه ۸۳ (۱۴/سفند/۶۱) ملاحظه می کنید:

آیه اللهی که در تبعید در پاریس بسر می برد به مجاهدین خلق پیوست

"تا چند هفته پیش قبل از پناهنده شدن، بدلیل سرکوب و تروری که ملاحظا بر ایران حاکم ساخته اند بمدت چند ماه بطور مخفی زندگی می کردم. کسی که این اظهارات را در روز دوشنبه ۲۱ فوریه در مقر جمعیت حقوق بشر در پاریس بیان داشت نه یک مخالف غیر مذهبی است و نه یک چریک بلکه یک آیت الله می باشد. وی که عمامه ای سفید بسر دارد و همچون اکثر مذهبیین ایرانی دارای عینک پرسی می باشد و دارای ریش خرمائی است، می گوید ۴۰ ساله و اهل رشت واقع در شمال کشور بوده و نامش جلال گنجهای است.

وی توضیح داد که از سال ۱۹۶۰ علیه "دیکتاتوری شاه" مبارزه می کرده است و از بهار ۱۹۷۲ تا بهار ۱۹۷۷ در زندان بسر می برده است و از تابستان ۱۹۸۰ بخاطر فعالیتش علیه ارتجاع و دیکتاتوری مجددا تحت تعقیب قرار گرفت ولی این بار از جانب رژیم اسلامی. وی اضافه کرد که جنبش مذهبی دارای یک جریان "سنتگرا و محافظه کار" که تجسم آن در هیئت خمینی است و یک جریان که وی بدان وابسته است یعنی جریان دمکراتیک که قبلا در زمان حیاتشان توسط آیت - الله طالقانی و متفکر علی شریعتی نمایندگی می شد و امروز توسط مجاهدین خلق برهبری آقای مسعود رجوی که در فرانسه در تبعید می باشد.

طبق گفتهی آیت الله گنجهای خمینی بارها به "دورویی" متوسل گردیده است. (خمینی) که به وجود این دو جریان آگاهی داشت از آیت الله طالقانی تقدیر کرد اما قدرت را بدست "جریان سنتگرا" سپرد. وی اضافه کرد که همچنین (خمینی) از عرفات استقبال کرد و به سازمان آزادیبخش فلسطین قول حمایت داد اما در لحظه حساس اعلام داشت که

راه قدس از کربلا (شهر مقدس شیعیان در عراق) می گذرد و از هرگونه کمک به فلسطینیها دریغ کرد و از اسرائیل اسلحه خرید. حتی سلاحهایی را که از سازمان آزادیبخش فلسطین در لبنان صادره شده بود - و به آن نفت فروخت. پس از یادآوری این مطلب که "قتل بجرم داشتن عقیده"، مخالف سنت محمد پیامبر که با حسن تفاهم با یهودیان برخورد می کرد و مخالف سنت علی است" که شیعیان خود را تابع وی می دانند، آیت الله گنجهای اظهار داشت که فرزندان بسیاری از مقامات مذهبی بخاطر مخالفتشان با رژیم و یا عضویت در مجاهدین "یا اعدام شده اند و یا در درگیری بقتل رسیده اند". از جمله فرزندان آیت الله غفوری لاهوتی، قاضی، جنتی و همچنین فرزندان کیلانی حاکم شرع نام برد. وی توضیح داد که آیت الله عالمی نمایندهی "امام خمینی" در غرب ایران و همچنین عدم ای دیگر به خارج از کشور پناهنده شده اند ولی بدلیل امنیتی از افشای نام دیگران پرهیز کرد.

وی به مورد حجه الاسلام مالک الرقابی که در زندان اوین تحت شکنجه قرار گرفت و هم - چنین به حجه الاسلام احمد محدث، یوسف بهرامی، مرتضی احمدی، و حسن باوری که در زمان شاه زندانی بوده اند و (اکنون) تحت تعقیب قرار گرفته اند و دستگیر شده یا تحت نظارت می باشند. برای نتیجه گیری، آیت الله گنجهای با مقداری اغراق گفت: ۹۰ درصد از ۳۰۰ هزار مذهبی که روحانیت ایرانی را تشکیل می دهند مخالف خمینی می باشند - در پاسخ به این سوال که پس چگونه ثبات رژیم را توضیح می دهد وی گفت حکومت دارای امکانات سرکوب است و از آنجا که روحانیت دارای هیچگونه تشکل منظم نیست بطور پراکنده از خود عکس العمل نشان می دهد. پل بالتا

اطلاعیه مسئول شورای ملی مقاومت

درباره رد قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد

و هرگونه میانجیگری صلح و اعلام ادامه جنگ از جانب رژیم خمینی

روز گذشته، رژیم خمینی یکبار دیگر قطعنامه‌ی شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد ضرورت پایان جنگ و استقرار صلح بین ایران و عراق را رد کرد و با تکذیب سخنان وزیر امور خارجه الجزایر درباره صرف نظر کردن رژیم خمینی از شرط اصلی و قصد دائمی اش مبنی بر صدور انقلاب و تحمیل یک رژیم تحت رهبری خمینی به مردم عراق و امکان موفقیت تلاش‌های میانجیگرانه‌ی صلح، اعلام کرد که جنگ را همچنان ادامه خواهد داد.

در این رابطه شورای ملی مقاومت ایران توجه تمامی ملل و دول و نیروهای صلح دوست و دمکراتیک جهان را به سیاست جنگ افروزانه‌ی خمینی در حساس‌ترین منطقه‌ی جهان جلب نموده و همانگونه که در بیانیه مشترک اینجانب و نایب نخست وزیر عراق درباره‌ی ضرورت پایان دادن به جنگ و استقرار صلح عادلانه آمده است باردیگر یادآوری می‌کند که "خمینی ذاتا عامل آناشری، جنگ و بحران در منطقه است و از آنجا که جز زبان قدرت زبانی نمی‌شناسد ایده‌ی صلح با خمینی - جز در شرایط ضعف و درماندگی مطلق او- واقع بینانه نیست" بنابراین در شرایطی که خمینی با رد قطعنامه‌های ملل متحد و عقیم گذاشتن همه‌ی

تلاش‌های میانجیگرانه‌ی صلح بازهم بر ادامه‌ی جنگ اصرار می‌ورزد؛ شورای ملی مقاومت ایران از همه ملل و دول صلح دوست جهان، قطع هرگونه همکاری و حمایت در همه‌ی زمینه‌ها و بویژه قطع هرگونه کمک و معامله تسلیحاتی با این رژیم و خرید نفت از او، درخواست می‌نماید.

شورای ملی مقاومت همچنین باستناد همان بیانیه‌ی مشترک بار دیگر تاکید می‌کند که حل و فصل صلح آمیز جنگ ایران و عراق، از طریق مذاکرات مستقیم بین طرفین و در چهارچوب حق حاکمیت و تمامیت ارضی هر دو کشور، با مراعات متقابل سیاست عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر و روابط حسن همجواری، کاملا قابل حصول است. اما استقرار صلح و آزادی در ایران تنها در عهده‌ی آلترناتیو دمکراتیک شورای ملی مقاومت و دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران می‌باشد. زیرا جنگ طلبی خمینی از ذات بحران زای رژیم او می‌جوئد و مضافا بر سرکوب و خفقان داخلی، از ارکان دائمی موجودیت این رژیم است و تنها با سرنگونی آن پایان می‌پذیرد. هموطنان عزیز!

پرسنل میهن پرست ارتش ایران! رژیم خمینی در آخرین ماجراجویی جنگی خود که شما

بخوبی شاهد ابعاد فجیع آن بودید، با بر جای گذاشتن بیش از ۱۵ هزار کشته و مجروح و خسارات بسیار سنگین مالی و تجهیزات، ضایعات و لطامات جبران ناپذیر دیگری بر ملت ایران تحمیل نمود و اکنون بازهم بر ادامه‌ی سیاست خیانت بار و ضد میهنی خود اصرار می‌ورزد و بر اساس اطلاعات رسیده حملات جدیدی را در همان جبهه تدارک می‌بیند.

بنابراین برای ممانعت از گشتار بیدریغ جوانان و نوجوانان کشور که سرمایه‌های انسانی ایران فردا را تشکیل می‌دهند و برای جلوگیری از تبا شدن منابع و ثروت‌های مالی و اقتصادی کشور و از دست رفتن غیرقابل جبران پرسنل آزموده و میهن پرست ارتش ایران و برای خاتمه دادن به مصیبت‌ها و عزاداری اغلب خانواده‌های ایرانی؛ از هر طریق ممکن و با استفاده از همه‌ی توانائی خود سیاست جنگ طلبانه‌ی خمینی را افشاء و درهم شکسته و با شعار "صلح و آزادی" همه‌ی سلاح‌ها و نیروها را در جهت سرنگونی دیکتاتوری ارتجاعی و استقرار دمکراسی در میهن اسیرمان بکار گیرید.

مسعود رجوی
مسئول شورای ملی مقاومت ایران
۱۳۶۱/۱۲/۵

بقیه از صفحه ۲۰

فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید محمد مصباح

یکی از مهمترین مهره‌های مزدور خمینی جلاد- صدوقی معدوم- و اعوان و انصارش، قراردادش و به همین جهت افشای چهره‌ی کثیف ارتجاع و پاره کردن پرده‌های ضخیم عوام فریبی و ریاء کاری در آنجا، صبر و تحمل و نیز پشتکار و خلاقیت زیادی طلب می‌کرد. مجاهد شهید محمد مصباح و دیگر همزمانش در آن شهر، بار این مسئولیت سنگین را بخوبی بدوش کشیدند و از جمله در دوران انتخابات مجلس شورا، برادر مجاهد محمد مصباح که کاندیدای سازمان در آن شهر بود توانست در پرتو موضعگیری‌های انقلابی و هوشیارانه‌ی سازمان و با کار و فعالیت شبانه روزی، چهره‌ی ارتجاع را هرچه بیشتر افشاء نموده و در کنار آن اقتدار وسیع مردم را با اهداف و

آرمانهای انقلابی و توحیدی فرزندان مجاهدشان آشنا سازد، تا جائیکه علیرغم تقلبات وسیع و گسترده‌ی مرتجعین، توانست تعداد زیادی از آرا را بخود اختصاص دهد. پس از پایان انتخابات مجلس، مجاهد شهید محمد مصباح به تهران آمد و در بخش اصناف و بازار سازمان به فعالیت‌های خود ادامه داد. در اینجا نیز او دائما در معرض فشارها و تهدیدات کمیته ضد خلقی خمینی در بازار تهران قرار داشت، بطوریکه از فروردین ۶۰ به زندگی مخفی روی آورد. پس از ۳۰ خرداد و با آغاز نبرد انقلابی مسلحانه‌ی مجاهدین بر علیه رژیم ضد بشری خمینی، مجاهد شهید محمد مصباح دوشادوش فرزندان و برادران مجاهدش در پایگاههای مقاومت انقلابی

مسئولیت‌هایش را عهده دار گردید. سرانجام روز ۱۳ اسفند ماه ۶۰، پایگاهی که او و همزمانش در آن مستقر بودند، مورد یورش مزدوران مسلح خمینی قرار گرفت و مجاهد شهید محمد مصباح همراه با همسر مجاهد شرقیه مسیح (مصباح) و تنی چند از همزمانان بفرماندهی مجاهد شهید عباس عطا پور پس از نبردی قهرمانانه با پاسداران خمینی، بشهادت رسیدند. به این ترتیب با به خاک افتادن این ۲ مجاهد قهرمان، خانواده‌ی کبیر مصباح مشعلی فروزان فرا راه انقلاب و تاریخ ایران برافروخت و نام خود را بر تارک افتخارات تمامی خانواده‌های قهرمان مجاهد خلق ثبت نمود. یاد مجاهد شهید محمد مصباح گرامی باد.

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان

درباره

تهاجم سنگین پیشمرگه‌های مجاهد خلق به یکی از مهمترین پایگاههای منطقه سردشت (حمران) و بهلاکت رسانیدن بیش از ۵۰ تن از پاسداران و مزدوران بسیج ضد خلقی مستقر در این پایگاه

آر. پی. جی، تیربار و رگبار بی‌امان مسلسل‌های خویش آن را در هم می‌کوبند. پایگاه حمران یکی از مهمترین مراکز تجمع پاسداران جنایتکار و مزدوران بسیج ضد خلقی در این منطقه است که به انواع سلاحهای سنگین نیز مجهز بوده است.

پیشمرگه‌های قهرمان پس از به محاصره در آوردن این پایگاه و استقرار در نقاط از پیش تعیین شده در ساعت ۲۲ بمداد بطور همزمان از همه سو با آتش سنگین این مرکز سرکوب ضد خلقی را در هم کوبیده و بخش عمده‌ی پایگاه را با خمپاره، موشکهای آر. پی. جی تیربار و در پناه رگبار بی‌امان مسلسل‌های خویش منهدم و نابود می‌سازند. در این تهاجم انقلابی و متهورانه و با آتش سنگین رزمندگان مجاهد که بمدت ۱۵ دقیقه دردل برف و گولاک شدید بی‌وقفه ادامه داشت، مرکز اصلی تجمع مزدوران، ۲ سنگر بزرگ اجتماعی، یک سنگر حفاظت همراه با تیربار سنگین مستقر در آن بکلی نابود گردید و حداقل ۵۰ تن از پاسداران و بسیجی‌های جنایتکار بهلاکت رسیده و تعداد زیادی از مزدوران نیز در جریان این عملیات مجروح می‌شوند. دشمن زبون تنها پس از گذشت بیش از ۱۵ دقیقه از خاتمه‌ی عملیات و خروج پیشمرگان از منطقه‌ی درگیری، اقدام به شلیک بیهدف با انواع سلاحهای سنگین می‌کند که خود نشاندهنده‌ی اوج سراسیمگی و وحشت از نیروی لایزال خلق و فرزندان مجاهد و مبارزش می‌باشد لیکن علیرغم آتش سنگین دشمن کلیه‌ی تیم‌های رزمنده‌ی مجاهد با آرایش و نظم کامل و انقلابی خویش منطقه‌ی آتش را ترک گفته، سالم به پایگاههای خویش مراجعت می‌کنند.

مرگ بر خمینی خون آشام نابود باد پاسداران ظلمت و تباهی سلام بر خلق - سلام بر آزادی پیش بسوی استقرار دولت موقت جمهوری دمکراتیک اسلامی ایران مجاهدین خلق ایران مرکز کردستان ۶۱/۱۲/۸

بنام خدا
و
بنام خلق قهرمان ایران
مردم آگاه و مبارز ایران!
مردم دلیر و مقاوم کردستان!

آتش مقدس و سرکش انقلاب در سراسر میهن خونبارمان ایران از دل جنگل‌های انبوه گیلان و مازندران تا کرانه‌های سوزان خلیج و از دشت‌های پهناور خراسان تا ستیغ گوه‌های سرکش کردستان در همه جا توفنده و بی‌امان شعله می‌گشود و بنیان شب‌ظلمانی ستم و اختناق خمینی ضد بشر را می‌سوزاند و نابود می‌کند. سلاح ستم سوز فرزندان مجاهد و مبارز خلق طلسم خفقان و اختناق شب - پرستان حاکم را درهم می‌شکند و خلق را یکپارچه و متحد به قیام برای زدودن آخرین بقایای این رژیم پلید ضد بشری از صفحه‌ی تاریخ و صحنه‌ی جامعه فرا می‌خواند.

مردم قهرمان ایران!
مردم مبارز کردستان!

فرزندان مجاهد شما، پیشمرگه‌های مجاهد خلق همدل و هم پیمان با تمامی خواهران و برادران رزمنده‌ی خویش در سراسر ایران و همگام با دیگر پیشمرگان دلاور گرد به نبرد مقدس و بی‌امان خویش علیه رژیم خون آشام خمینی و پاسداران و مزدوران جنایتکارش ادامه می‌دهند و در همه جا آتش کین و انتقام خلق را بر بیگر پلید این دشمنان خدا و خلق فرو می‌برند. رزمندگان مجاهد خلق - مستقر در منطقه‌ی ربط (سردشت) متشکل در چندین تیم از واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن محمد روحی و واحد پارتیزانی پیشمرگه‌ی مجاهد شهید حسن عزیز پور از گردان پیشمرگه‌ی مجاهد شهید محمد شیرنژاد (کاک محمود) در نیمه شب یکشنبه ۸ اسفند ماه با نفوذ به عمق منطقه‌ی دشمن پایگاه اصلی تجمع و فرماندهی مزدوران رژیم در روستای حمران را به محاصره‌ی خویش در آورده و با آتش خمپاره، موشکهای

جنگ، بودجه و تورم

در نظر گرفته می‌شود. بطور مثال هزینه‌های ناشی از جنگ در بودجه سال ۶۱ - تا پایان امسال - حدود ۵۴۵ میلیارد ریال پیش‌بینی شده است. (کیهان ۵/ بهمن ۶۱ - گزارش نخست - وزیر به مجلس درباره‌ی لایحه بودجه ۶۲). البته این ارقام بدون احتساب هزینه‌هایی است که تحت عنوان بازسازی مناطق جنگی و یا عناوین دیگری است که (صرفنظر از دزدی‌های مربوطه) بخش‌هایی از آنها نیز به مصرف جنگ می‌رسد و اگر این هزینه‌ها را نیز منظور کنیم، سهم واقعی هزینه‌های جنگ، "بودجه‌ی کل" بسیار بیشتر از ارقام رسمی ارائه شده می‌باشد.

اوائل بهمن ماه امسال نخست‌وزیر خائن رژیم طرح لایحه بودجه‌ی سال ۶۲ را که در هیئت دولت بتصویب رسیده بود، برای تصویب نهائی به مجلس فرستاد. در این لایحه، هرچند رژیم همچون گذشته از اعلام ارقام واقعی هزینه‌های مربوط به جنگ و سهم قابل توجه آن در بودجه‌ی کشور خودداری کرد، ولی در عین حال از بررسی همین لوایح و آمار و ارقام موجود در آن و همچنین از خلال اظهارات کارگزاران و سرمداران رژیم (بالاخص شخص خمینی)، می‌توان دریافت که چگونه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ - بالغ بر سه میلیارد ریال در روز - اقتصاد ایران را به ورشکستگی

بهمن‌ماه جاری که برای تامین هزینه‌های جنگی دست بسوی بازاربان دراز کرده است مشاهده نمود. خمینی دجال در قسمتی از صحبت‌هایش خطاب به بازاربان چنین می‌گوید: "شما شاید بعضی‌ها تون بدانند که جنگ در هر روز چقدر خرج داره چقدر مهمات می‌خواد، چقدر مخارج روزانه است برای جنگ. نقش جنگ امروز در هر روز بیشتر از چند صد میلیون خرج دارد... البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه‌ی امور، لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد. این مقدار از کمکی که کردند. دولت است که متکفل این امورهاست و مسئول این امور هست هر روز مواجه با مشکلات عظیم است... این بودجه‌هایی که ملاحظه می‌کنید، این‌ها نمی‌توانند کار دولت را درست کند این ملت است که باید درست کند... هر روز چند صد میلیون خرج جنگ داره... نفت بود که نفت را حالا نمی‌دارن ما استخراج کنیم زیاد... خوب مردم کمک کنند، خیرخواه‌ها کمک کنند، ما نصیحت می‌کنیم، استدعا می‌کنیم/ز شون که کمک کنید به این دولتی که مشغول گرفتاریش هست...". (تاکیدات از ماست) می‌بینیم که خمینی دجال چگونه از یکطرف به هزینه‌های چند صد میلیونی روزانه‌ی جنگ و از طرف دیگر به عدم کفاف

در بازار نفت - نه با افزایش مالیاتها (بدلیل تنفر عمومی و همگانی مردم ایران از جنگ و نیز بدلیل شدت و گسترش فقر عمومی ناشی از سیاست‌های ضد مردمی رژیم) و نه با توسل به هر شیوه‌ی ضد ملی و ضد میهنی دیگر قادر به مقابله با مشکلات عظیم اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ نخواهد بود.

هم بعد از تخلیه‌ی ایران از قوای عراقی و اعلام آمادگی این کشور برای برسمیت شناختن مرزهای بین المللی (آغاز می‌شود و چند بند اولیه‌ی آن نیز تاکید بر اجرای عملی همین شعار است، دیگر جایی برای اولویت سایر موارد باقی نمی‌ماند و مطرح کردن ۳۰ مورد اولویت در زمینه‌ی کالاهای تولیدی و عمرانی و... چیزی جز عوام‌فریبی نیست. چرا که با توجه به سیاست‌های جنگ‌طلبانه رژیم خمینی و دولت کارگزار او، اساسا امکان پرداختن و تخصیص بودجه‌های اساسی به سایر موارد

رژیم خمینی بهنگام ارائه‌ی لایحه بودجه‌ی سال ۶۱ به مجلس (۲) هدفها و سیاست‌های اساسی بودجه را چنین بیان می‌کند (اطلاعات ۶/ بهمن ۶۰): "با توجه به تنگنای موجود و اتخاذ سیاست ادامه‌ی جنگ تا پیروزی در میدان نبرد و خروج مهاجم" و از سوی دیگر تداوم بخشیدن به حرکتی که در جهت کاهش و قطع وابستگی آغاز گشته است و فعال نگاه داشتن ملت و دولت در جهت مقابله با اثرات ناشی از وابستگی اقتصادی بخشنامه‌ی بودجه سال (۱۳۶۱)، با اولویت‌ها

از خلال اظهارات کارگزاران و سرمداران رژیم (بالاخص شخص خمینی)، می‌توان دریافت که چگونه هزینه‌های سرسام‌آور جنگ - بالغ بر سه میلیارد ریال در روز - اقتصاد ایران را به ورشکستگی کشانده و رژیم را با مشکلات جدی روبرو کرده است. بطوری که علیرغم تاراج بی سابقه‌ی نفت کشور، افزایش بی رویه‌ی مالیات‌ها و غارت مستقیم مردم و... باز هم رژیم قادر نیست هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به جنگ را تامین نماید.

صرفنظر از سایر آثار مخرب و نابود کننده‌ی جنگ منجمله، از بین رفتن بخشی از سرمایه‌های انسانی مملکت، انهدام و از بین رفتن بخش اعظم تولید کشور، آواره شدن بیش از ۲ میلیون نفر از مردم ستمدیده‌ی میهنمان و... که هر کدام احتیاج به بحثی جداگانه و مبسوط دارد، در این مقاله به بررسی مختصر سهم قابل توجه هزینه‌های جنگ در بودجه‌ی کشور و سپس به آثار تورم‌زای این جنگ خانمان برانداز و سیاست‌های ضد خلقی رژیم در جهت غارت و چپاول روزافزون توده‌های زحمتکش میهنمان می‌پردازیم، تا ابعاد فاجعه‌آمیز

وجود ندارد. چنانکه در طول هر سال نیز هیئت دولت تصویب نامه‌هایی را می‌گذراند که براساس آنها میزانی از سهم برخی هزینه‌های دیگر در بودجه - مانند هزینه‌های استان‌ها و... را نیز به جنگ اختصاص می‌دهد. چنین سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی، و فرار گرفتن همدی امکانات و سرمایه‌های ملی

پاورقی: (۱): در این مقاله صرفا به آمار و ارقامی که خود رژیم تابحال اعلام کرده و یا مقامات رژیم در لابلای اظهارات و اعترافاتشان بیان کرده‌اند (با وجودی که بر همه روشن است که رژیم‌های ضد مردمی و بخصوص رژیم خمینی، هیچگاه آمار و ارقام واقعی را به مردم ارائه نمی‌دهد) استناد خواهیم نمود تا میزان افلاس و درماندگی خمینی و رژیمش را حتی بر اساس همان حداقل‌هایی که خود رژیم ارائه می‌دهد بصورت گویا نشان دهیم.

(۲): لازم به توضیح است که تقسیم‌بندی‌های گوناگون درآمدها و هزینه‌ها در بودجه واجد کمال اهمیت است، زیرا اولویت‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها را با یکدیگر و با گذشته ممکن ساخته و بدین وسیله سیاست‌های اقتصادی تنظیم کنندگان بودجه (دولت) و آثار و عوارض مختلف اجتماعی و سیاسی آن شناخته شده و قابل پیش‌بینی می‌گردد. البته می‌دانیم که سیاست‌های اقتصادی هر رژیم مستقیما از ماهیت طبقاتی او و اهداف کوتاه مدت و درازمدتی که دنبال می‌کند ناشی می‌شود.

و اهداف زیر تهیه و ابلاغ گردید:
۱- اولویت تامین نیازهای جبهه‌ها نسبت به سایر نیازها
۲- ضرورت تدارک کالاهای استراتژیک
۳- ...
۴- ...
۵- رعایت اهمیت و اولویت امر بازسازی مناطق جنگ‌زده...
۶ و ۷- ...
۸- پیش‌بینی ۵ میلیارد ریال برای اعتبار ذخیره جهت تامین اعتبارات لازم برای طرح‌های اشتغال‌زا و تولیدی و کشاورزی که در فاصله‌ی کوتاه به تولید می‌رسند. (در مورد بند اخیر بعدا توضیح خواهیم داد)
اولویت مصرف سرمایه‌های ملت توسط رژیم خمینی که موسوی خائن تحت عنوان "هدفها و سیاست‌های اساسی بودجه سال ۱۳۶۱" ارائه داده است، شامل ۳۰ بند می‌باشد که شرح کامل آن در اطلاعات سه‌شنبه ۶ بهمن آمده است.

البته همانطور که فوقا به برخی از محورهای اولویت‌های لایحه بودجه اشاره کردیم، در میان هدفها و سیاست‌های بودجه‌ی دولت موسوی خائن، اولویت نخست، تامین نیازهای جنگی است. دومین اولویت "ضرورت تدارک کالاهای استراتژیک" است که بنوعی به تامین نیازهای تسلیحاتی جنگ بازمی‌گردد و پنجمین اولویت نیز مربوط به هزینه‌هایی است که این جنگ خانمانسوز در مناطق جنگی ببار آورده است. بنابراین وقتی که سیاست‌ها و اولویت‌های بودجه‌ی کشور از ابتدا با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" (آن

وقتی که سیاست‌ها و اولویت‌های بودجه کشور از ابتدا با شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" (آنهم بعد از تخلیه‌ی ایران از قوای عراقی و اعلام آمادگی این کشور برای برسمیت شناختن مرزهای بین المللی) آغاز می‌شود و چند بند اولیه آن نیز تاکید بر اجرای عملی همین شعار است، دیگر جایی برای اولویت سایر موارد باقی نمی‌ماند و مطرح کردن ۳۰ مورد اولویت در زمینه کالاهای تولیدی و عمرانی و... چیزی جز عوام‌فریبی نیست. چرا که با توجه به سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌ی رژیم خمینی و دولت کارگزار او، اساسا امکان پرداختن و تخصیص بودجه‌های اساسی به سایر موارد وجود ندارد.

مشکلات اقتصادی و اجتماعی که خمینی و رژیم رو به سقوطش در اثر اصرار بر ادامه‌ی این جنگ ارتجاعی و ضد مردمی برای میهنمان فراهم کرده اند روشن شود (۱)

جنگ مقدم‌ترین برنامه و اولویت رژیم در بودجه

موسوی نخست‌وزیر خائن

بودجه‌های تصویب شده از طرف دولت اعتراف می‌کند. اما از آنجا که خمینی برای استمرار حکومت‌نگینش چاره‌ای جز ادامه جنگ ندارد، و سعی می‌کند هزینه‌های هنگفت جنگ را از طریق تاراج نفت، افزایش بی‌سابقه‌ی مالیات‌ها و... تامین نماید. ولی با اینهمه، خمینی نه با تاراج نفت - بدلیل خیانت او در شکستن قیمت‌ها تا نصف قیمت رسمی اوپک و ایجاد رکود

کشانده و رژیم را با مشکلات جدی روبرو کرده است. بطوری که علیرغم تاراج بی‌سابقه‌ی نفت کشور، افزایش بی‌رویه‌ی مالیات‌ها و غارت مستقیم مردم و... باز هم رژیم قادر نیست هزینه‌های سرسام‌آور مربوط به جنگ را تامین نماید. افلاس و درماندگی رژیم در رابطه با تامین هزینه‌های مربوط به جنگ را بخوبی می‌توان در سخنان خمینی دجال در تاریخ ۱۰

جنگ، بودجه و تورم

در خدمت گسترش آتش جنگ، باعث ایجاد عدم تعادل در تقسیم‌بندی‌های بودجه‌ی کشور و بوجود آمدن توقف و رکود در سایر بخش‌های تولیدی و خدماتی و... و نهایتاً بهم ریختگی ساختار اقتصادی کشور خواهد شد. دیلاً به برخی نمونه‌های بارز در این زمینه اشاره می‌کنیم.

وقتی جنگی با این ابعاد در جریان است، بالطبع برای حل نیازهای تدارکاتی و مصرفی و... آن نیز باید بهای سنگینی پرداخته شود. افراد و نیروهای انسانی‌ای را که رژیم به جبهه‌ها گسیل می‌کند، باید بلحاظ غذا و پوشاک تامین شوند. گرم کردن افراد و نیروها در جبهه‌ها، بحرکت درآوردن ماشین‌ها و تانکها، به پرواز درآوردن فانتوم‌ها و... به بنزین، نفت و سایر مواد سوختی نیازمند است. ساختن استحکامات و... به وسایل مکانیزه و ماشین آلات سنگین نیاز دارد. حال باید دید اینهمه (که تازه فقط بخشی از کل تدارکات مورد نیاز جبهه‌ها است) چگونه تامین می‌شود؟ مساله روشن است، همان کالاهای مورد نیاز جامعه که باید در اختیار مردم قرار گیرد، با در اولویت قرار داشتن جنگ خانمانسوز و خائنانه‌ی خمینی، به جبهه‌ها فرستاده می‌شود و از مردم دریغ می‌گردد.

نمی‌شود و در نتیجه بخشی از تولید کشور تعطیل می‌گردد. وقتی ماشین آلات سنگین از همه‌ی بخش‌های صنعتی، کشاورزی و راهسازی کشور جمع شده و به جبهه‌ها فرستاده می‌شود، بالطبع راهسازی و سایر بخش‌های مربوط به آن متوقف شده و بتعطیل کشانده می‌شود، وقتی قسمت اعظم امکانات دارو و درمان کشور برای مصارف جنگ تخصیص داده می‌شود و خلاصه وقتی باعتراف مقامات رژیم، از خمینی گرفته تا رئیس مجلس و رئیس جمهور و نخست‌وزیر و امام جمعه‌ها و استاندارها و... مساله‌ی جنگ اولویت درجه‌ی اول دارد و همه چیز - حتی جان انسانها - باید در خدمت جنگ باشد، روشن است که جنگ بخش عظیمی از امکانات مورد احتیاج جامعه و مردم را به کام خود می‌کشد و زحمتکشان میهنمان از نیازهای اولیه و روزمره زندگی نیز محروم می‌مانند.

اعترافات صریح خود مقامات رژیم در این باره قابل توجه است. موسوی نخست‌وزیر خائن خمینی طی گزارشی درباره‌ی اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور چنین اعتراف می‌کند (اطلاعات ۱۷/آبان/۶۱):

"... لذا امکانات دولت در اختیار جبهه‌هاست. من فقط یک اشاره‌ای به ماشین آلات سنگین در سطح کشور می‌کنم. در یکسال

مندانه ادامه دهیم، هر حرکتی که الان بکنیم، حرکتی کوتاه مدت خواهد بود. برای همین مساله‌ی جنگ برای ما اولویت دارد و..."

وی در همانجا در زمینه‌ی بکار گرفتن ارز ملک در خدمت جنگ و در نتیجه کمبود مواد اولیه و سایر کالاها چنین می‌گوید:

"... اینست که وقتی جنگ داریم، قسمتی از ارزی که در اختیار داریم را باید به مسائل

نقش دارد و دائم خبر می‌رسد که میزان ذخیره‌ی روغن نباتی دارد کمتر می‌شود."

همچنین توکلی خائن وزیر کار و امور اجتماعی که سابقاً سخنگوی دولت هم بود، طی مصاحبه‌ای در کیهان ۲۱ بهمن ۶۰ در باره‌ی کمبودهای ناشی از جنگ و قیحانه اظهار می‌دارد:

"... وقتی جنگ پیش می‌آید و همه فریاد می‌زنند جنگ‌جنگ تا پیروزی، دولت تمام امکانات خودش را صرف جنگ می‌نماید. وقتی که بودجه‌ی جنگ به میزان قابل توجهی افزایش می‌یابد اینها همه اثر در واردات و تولیدات می‌گذارد و در نتیجه کمبود پیش می‌آید و قیمت‌ها بالا می‌رود و کنترل

وقتی به اعتراف مقامات رژیم، از خمینی گرفته تا رئیس مجلس و رئیس جمهور و نخست‌وزیر و امام جمعه‌ها و استاندارها و... مساله‌ی جنگ اولویت درجه‌ی اول دارد و همه چیز - حتی جان انسانها - باید در خدمت جنگ باشد، روشن است که جنگ بخش عظیمی از امکانات مورد احتیاج جامعه و مردم را به کام خود می‌کشد و زحمتکشان میهنمان از نیازهای اولیه و روزمره زندگی نیز محروم می‌مانند.

جنگ اختصاص دهیم. با این ارز که می‌توان ماده‌ی اولیه و یا بعضی از کالاها را خرید، به مصرف مبارزه‌ی ما با رژیم صدام می‌رسد."

و سپس به ضربات وارده به بنادر کشور و مشکلات ورود کالاهای ضروری چنین اشاره می‌کند:

"... مساله‌ی بنادر باین صورت است که کلا در کشور مساله‌ی بنام نواحی ورودی

دولت مشکل‌تر می‌شود... گوشت قبلاً ۷۰۰ تن در سطح کشور تولید می‌شد و پس از جنگ به ۵۰۰ تن رساندیم، یعنی ۳۰۰ تن در تهران و ۲۰۰ تن در شهرستان‌ها توزیع می‌شود." بدین ترتیب ملاحظه می‌کنیم که چگونه سیاست‌های مالی و اقتصادی رژیم، امکانات و سرمایه‌های با ارزشی را که عمدتاً بایستی در خدمت رشد تولید و اقتصاد کشور بکار گرفته شوند بمصرف هزینه‌های سرسام‌آور یک جنگ ارتجاعی و ضد میهنی رسانده و نابود می‌کند.

از اینروست که تعادل بین تولید و مصرف، و هزینه و درآمد در بودجه بهم ریخته و حتی همان میزان ناچیزی هم که برای مصارف تولیدی و عمرانی و... در بودجه در نظر گرفته می‌شود دیگر جامعه، قادر به جذب کامل آن نیست. بعبارت دیگر رژیم - چه بلحاظ مدیریت و چه بلحاظ امکانات و... - امکان بمصرف رساندن اعتبارات و باجرا درآوردن طرح‌های تولیدی و عمرانی را، حتی در همان حدی که در بودجه در نظر گرفته شده ندارد (۳) چنانکه یکی از نمایندگان مجلس ضدخلفی خمینی (حسینی‌نیا) طی بحث‌های موافق و مخالف لایحه‌ی بودجه‌ی ۶۱ در مجلس به این مساله اعتراف کرده و اظهار می‌دارد که علیرغم اینکه بودجه‌ی عمرانی

۳۰ درصد بقیه‌ی بودجه است، ولی همین ۳۰ درصد هم جذب نشده و فقط ۱۵ درصد آن جذب می‌شود. (اطلاعات ۲۲/اسفند/۶۰)

هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و سهم آن در بودجه سال ۶۱ کشور

صرفنظر از اینکه هزینه‌های واقعی جنگ و سهم آن در بودجه کشور خیلی بیشتر از آن چیزی است که رژیم خمینی ادعا می‌کند، ولی با یک مقایسه‌ی ساده میان میزان اعتباراتی که در بودجه سال ۶۱ برای جنگ اختصاص یافته و بودجه‌هایی که برای سایر موارد (تولیدی، عمرانی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و...) در نظر گرفته شده، ابعاد فاجعه‌آمیز هزینه‌های مربوط به جنگ، بیشتر روشن می‌شود. بعنوان مثال: طبق بند ۸ هدف‌ها و سیاست‌های اساسی بودجه‌ی ۶۱ "پیش‌بینی ۵ میلیارد ریال اعتبار ذخیره جهت تامین اعتبارات اشتغال‌زا و تولیدی کشاورزی... و طبق بند ۱۰ همان سند " اختصاص ۶ میلیارد و پانصد میلیون ریال جهت احداث مدارس روستائی و... در نظر گرفته شده است. و یا در نمونه‌ی دیگر، طبق بودجه‌ی پیشنهادی سال ۶۲ از طرف دولت به مجلس، فقط ۱۲ تا ۱۸ میلیارد ریال بودجه برای ۲۲ استان کشور در اختیار استانداری‌ها قرار می‌گیرد (اطلاعات دوشنبه ۴ بهمن ۶۱ صفحه ۵).

حال با یک مقایسه‌ی ساده پاورقی:

(۳): من باب مثال فرض کنید رژیم درصد معینی از بودجه را برای امور عمرانی (مثلاً راهسازی) و یا امور تولیدی (مثلاً توسعه‌ی صنایع و کشاورزی) در نظر گرفته باشد، اما وقتی کلیدی امکانات راهسازی را به جبهه‌ها فرستاده بدلیل فقدان امکانات لازم در جامعه، قادر به توسعه‌ی راه‌ها نخواهد بود. و یا اگر بخواهد به گسترش صنایع و کارخانجات بپردازد و یا تولید کشاورزی را افزایش داده و رونق بدهد بدلیل فقدان مواد اولیه، سوخت و... که جنگ بگام خود کشیده، قادر به اینکار نخواهد بود و نهایتاً اینکه درصد قابل توجهی از اعتبارات در نظر گرفته شده، عملاً غیر قابل جذب خواهد شد.

صرفنظر از اینکه هزینه‌های واقعی جنگ و سهم آن در بودجه‌ی کشور خیلی بیشتر از آن چیزی است که رژیم خمینی ادعا می‌کند، ولی با یک مقایسه‌ی ساده میان میزان اعتباراتی که در بودجه سال ۶۱ برای جنگ اختصاص یافته و بودجه‌هایی که برای سایر موارد (تولیدی، عمرانی، آموزش و پرورش، بهداشت و درمانی و...) در نظر گرفته شده، ابعاد فاجعه‌آمیز هزینه‌های مربوط به جنگ، بیشتر روشن می‌شود.

مطرح است، یعنی از آن مجراهائی که ما کالا به کشور وارد می‌کنیم. طبیعتاً بنادر در این زمینه نقش بسیار بزرگی را دارند.

ما بندر خرمشهر را از دست داده‌ایم و از بندر امام بخوبی نمی‌توانیم استفاده کنیم... نزدیک حدود ۲ ماه پیش بود که خبر دادند روغن نباتی خام که برای ما می‌آید، بعلت بسته بودن بندر امام نمی‌توان بار آن گشتی‌ها را تخلیه کرد و مامخزن هم در بندر عباس نداریم و می‌دانیم که روغن نباتی هم در زندگی روزمره‌ی مردم ما چقدر

پیش جبهه‌ها هر وقت ماشین آلات سنگین خواستند، ما از همه جا جمع کردیم و به جبهه‌ها گسیل داشتیم. فرستادن این امکانات یک رکودی در کارها ایجاد می‌کند. طبیعی است برای راهسازی و آباد کردن یک منطقه‌ی محروم به همه‌ی این ماشین‌آلات نیاز داریم... اگر ما دهها لودر و بولدوزر داشتیم به آنها بیشتر رسیدگی می‌کردیم که آنجا زودتر رشد کند، اما می‌دانیم که اگر ما نتوانیم بر دشمن خود و بر رژیم آمریکائی صدام غلبه کنیم و در این جنگ پیروز شویم و این جنگ را پیروز-

فی‌المثل برای تامین نفت مورد نیاز جبهه‌ها، رژیم از سهمیه‌ی نفت شهرها و استان‌های کشور می‌کاهد، در نتیجه نفت به مردم نمی‌رسد و بهمین دلیل، مردم بایستی بدلیل کمبود سوخت، در سرما جان بدهند. (به گزارشی در زمینه‌ی کمبود نفت در شهرهای ارومیه، باختران (کرمانشاه) و همدان در دوشماره‌ی اخیر مجاهد مراجعه کنید). بهمین ترتیب برای تامین گازوئیل مورد نیاز جبهه‌ها، سوختی که منجمله بایستی به مصرف کشاورزی، مرغداری و... برسد تامین

جنگ، بودجه و تورم

بین ارقام نجومی ۴۰۰ میلیارد ریال (۴) و ۵۴۵ میلیارد (کیهان ۵ بهمن ۶۱) هزینه‌های مربوط به جنگ با ارقام ۵ میلیارد و ۶ میلیارد و ۱۲ تا ۱۸ میلیارد ریال، ابعاد سرسام‌آور

ریال را تقبل کردند. وقتی هزینه‌ی سه روز جنگ ۱۰ میلیارد ریال باشد هزینه‌ی یکسال یعنی ۳۶۵ روز جنگ میلی می‌شود. معادل ۱۲۵۰ میلیارد ریال خواهد شد. یعنی چیزی

۲ و ۳ پیوست اضافه و به دولت اجازه داده می‌شود قانون مزبور را با رعایت مفاد تبصره‌های اصلاحی و الحاقی ذیل به مورد اجرا بگذارد:

تبصره ۱
الف - به اعتبار ردیف ۵۰۳۰۴۱ (هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی) قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ یکصد و چهل و پنج میلیارد ریال اضافه می‌شود تا بر طبق مفاد تبصره (۸) قانون مزبور به مصرف برسد. همانطور که ملاحظه می‌کنید طبق این لایحه رقمی بیش از ۴۲ درصد متمم بودجه به جنگ اختصاص داده شده است.

بطور دائم با کسر بودجه‌های سالانه (بخصوص بعد از شروع جنگ) روبروست، هزینه‌هایی که می‌تواند در ادامه‌ی خودش اقتصاد درهم ریخته و بحرانی رژیم را با فلج و ورشکستگی کامل مواجه سازد.

کسر بودجه‌های سالیانه ناشی از جنگ و شیوه‌های ضد خلقی رژیم برای مقابله با آن

در این زمینه ابتدا باید به این نکته اشاره کنیم که رژیم‌های ضد خلقی بخصوص آنهایی که اقتصاد عقب‌مانده و وابسته دارند - هیچگاه آمار واقعی در زمینه‌های مختلف اقتصادی به مردم ارائه نمی‌دهند و تنها، در دفاتر و اسناد محرمانه آن‌ها می‌توان

چنین وانمود کند که گویا درآمدهای دولت را (که در حقیقت اموال به‌غارت رفته‌ی خلق هستند) بیشتر به مصرف رفاه مردم می‌رساند و از طرف دیگر هزینه‌های سرسام‌آور جنگ در بودجه و تأثیرات مخرب آن را ناچیز نشان دهد.

یکی از مواردی که چنین رژیم‌هایی سعی در مخفی نگاهداشتن آن دارند. مسئله‌ی کسری بودجه است. (قابل توجه است که در میان دولت‌هایی که بعد از سال ۱۳۲۰ تا به حال در ایران روی کار آمده‌اند، تنها بودجه دولت ملی دکتر محمد مصدق فقید کسری نداشته است.) در رابطه با کسری بودجه دولت، بایستی اشاره کنیم که دولت یکسری درآمدهایی دارد که اقلام عمده‌ی آن از طریق فروش نفت و اخذ مالیات و درصد بسیار کمی از آن هم از طریق صادرات و فروش سایر کالاهای تولیدی و ... حاصل می‌شود. این درآمدها در واقع از دسترنج مردم زحمتکش و سرمایه‌های طبیعی میهنمان بدست آمده و باید برای افزایش تولید در جهت حل مسائل و مشکلات و تامین نیازمندی‌های اساسی مردم و رفاه آنها مصرف گردد. از طرف دیگر دولت، هزینه‌هایی که شامل هزینه‌های تولیدی، عمرانی، آموزشی، بهداشتی، تسلیحاتی و نظامی و ... می‌باشد، دارد که از محل درآمد‌های فوق‌الذکر تامین می‌گردد. وقتی کشوری دچار عقب‌ماندگی و ورشکستگی اقتصادی است و درآمدها را بیشتر به مصارف غیرتولیدی - مثل مصارف تسلیحاتی و هزینه‌های مربوط به جنگ و از این قبیل - بقیه در صفحه ۲۱

شماره ۱۶۱۳۶ ششم بهمن ماه ۱۳۶۰ سه‌شنبه

از اعتبارات پیش‌بینی شده در بودجه:

- ۴۰۰ میلیارد ریال هزینه‌های ناشی از جنگ
- ۱۰ میلیارد ریال کمک به خانواده زندانیان
- ۱۰ میلیارد ریال حمایت از مخترعین

تیمان

صفحه ۱۰ مکرر
شنبه ۲۹ آبان ۱۳۶۱
شماره ۱۱۷۲۸

لایحه متمم قانون بودجه سال ۱۳۶۱ ماده واحده - به اعتبارات صوب قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ سیصد و سی و چهار میلیارد و سیصد و هفتاد و هشت میلیون و هشتاد و چهار هزار (۳۳۴۳۶۷۰۷۴۰۰۰) ریال شرح تبصره‌های زیر و جناب اول شماره ۳۰۲ پیوست اضافه و به دولت اجازه داده می‌شود قانون مزبور را با رعایت مفاد تبصره‌های اصلاحی و الحاقی ذیل به مورد اجراء بگذارد.

تبصره ۱ - الف - به اعتبار ردیف ۵۰۳۰۴۱ (هزینه‌های ناشی از جنگ تحمیلی) قانون بودجه سال ۱۳۶۱ مبلغ یکصد و چهل و پنج میلیارد ریال اضافه می‌شود تا بر طبق مفاد تبصره (۸) قانون مزبور به مصرف برسد.

ب - آن قسمت از اعتبار ردیف فوق‌الذکر که توسط هیات وزیران به بازسازی و نوسازی مناطق جنگی اختصاص یافته و یا خواهد یافت از اعتبارات جاری کسر و عیناً به اعتبارات طرح‌های عمرانی (سرمایه‌گذاری ثابت) همان ردیف اضافه خواهند شد.

با چنین اعتبارات هنگفتی که در بودجه به جنگ تخصیص داده می‌شود، طبیعی است که هم مردم زحمتکش میهنمان هر روز محروم‌تر شوند و هم شاهد بسته شدن انبوهی از قراردادهای مخفیانه و خائنه چند میلیاردی رژیم با اسرائیل و نیز دلالان بازار سیاه اسلحه و لوازم یدکی نظامی و ورود سیلی از اسلحه و مهمات نظامی به داخل کشور باشند (۵)

وقتی سهم قابل توجهی از بودجه‌ی یک کشور آنهم با اقتصادی که همی احتیاجاتش از خارج وارد می‌شود و وابسته به واردات کالاست - صرف هزینه‌های غیرتولیدی و تورم‌زا (بخصوص مواردی مانند جنگ) شود بطور اتودینامیک و خودجوش بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا و ضد تورم افت کرده و خلاصه تعادل کل بودجه را بر هم می‌زنند. به همین دلیل رژیم

بیش از سه برابر میزانی که رژیم در بودجه‌ی سالانه‌اش بعنوان هزینه‌های مربوط به جنگ (۴۰۰ میلیارد ریال) ارائه داده است. این خود نمونه‌ی گویایی است مبنی بر اینکه رژیم از ارائه‌ی ارقام واقعی بخصوص در مورد هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، که اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده، وحشت دارد و از نامین چنین هزینه‌هایی عاجز مانده است. چنانکه بودجه‌ی متمم سال ۶۱ و اظهارات و اعترافات برخی مقامات دیگر رژیم مبین همین ساله است.

بیش از سه برابر میزانی که رژیم در بودجه‌ی سالانه‌اش بعنوان هزینه‌های مربوط به جنگ (۴۰۰ میلیارد ریال) ارائه داده است. این خود نمونه‌ی گویایی است مبنی بر اینکه رژیم از ارائه‌ی ارقام واقعی بخصوص در مورد هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، که اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده، وحشت دارد و از نامین چنین هزینه‌هایی عاجز مانده است. چنانکه بودجه‌ی متمم سال ۶۱ و اظهارات و اعترافات برخی مقامات دیگر رژیم مبین همین ساله است.

بیش از سه برابر میزانی که رژیم در بودجه‌ی سالانه‌اش بعنوان هزینه‌های مربوط به جنگ (۴۰۰ میلیارد ریال) ارائه داده است. این خود نمونه‌ی گویایی است مبنی بر اینکه رژیم از ارائه‌ی ارقام واقعی بخصوص در مورد هزینه‌های سرسام‌آور جنگ، که اقتصاد کشور را به ورشکستگی کشانده، وحشت دارد و از نامین چنین هزینه‌هایی عاجز مانده است. چنانکه بودجه‌ی متمم سال ۶۱ و اظهارات و اعترافات برخی مقامات دیگر رژیم مبین همین ساله است.

مروری بر لایحه متمم قانون بودجه ۶۱

رژیم که نتوانسته بود هزینه‌های روزافزون جنگ را با بودجه‌ی سال ۶۱ تامین نماید و دچار کسری شدید بودجه شده بود، مجبور گردید که در آبان سال ۶۱، لایحه‌ی متمم قانون بودجه را نیز بتصویب مجلس ضد خلقی خمینی برساند. طبق این لایحه نزدیک به ۳۳۴ میلیارد ریال به اعتبارات بودجه‌ی سال ۶۱ افزوده شد که طبق بند الف تبصره‌ی ۱ آن مبلغ ۱۴۵ میلیارد ریال به هزینه‌های جنگ در سال ۶۱ افزوده گشت. ذیلاً قسمتی از متن لایحه‌ی متمم بودجه سال ۶۱ را که در صفحه‌ی ۱۰ مکرر روزنامه‌ی کیهان، مورخ ۲۹ آبان ۶۱ بچاپ رسیده عیناً نقل می‌کنیم:

"ماده واحده - به اعتبارات مصوب قانون بودجه‌ی سال ۱۳۶۱ مبلغ سیصد و سی و هفت و هشتاد و چهار هزار (۳۳۴۳۶۷۰۷۴/۰۰۰) ریال به شرح زیر و جداول شماره‌ی ۱ و

هزینه‌های جنگ در بودجه به نسبت سهم مصارف تولیدی، عمرانی و آموزشی و ... مشخص می‌شود.

مضافاً بر اینکه طبق بندهای ۱ و ۲ و ۵ لایحه‌ی بودجه سال ۶۱ هزینه‌های مربوط به جنگ خیلی بیشتر از ۴۰۰ میلیارد ریال خواهد بود که رژیم از اعلام علنی و صریح آن ابادارد. نکته قابل توجه دیگر اینکه ارقام فوق‌الذکر تنها بخشی از هزینه‌های جنگ - عمدتاً هزینه‌های تسلیحاتی - است که بصورت اعتبار در بودجه در نظر گرفته می‌شود. در حالی که جنگ، مصارف هنگفت دیگری - چه بصورت اعتبار و پول نقد و چه بصورت کالا و وسایل و ابزارآلات - در زمینه‌های مصرفی و خدماتی دارد که مستقیماً سرمایه‌ها و سهم مردم را بکام خود می‌کشد، که به بخشی از آن فوقاً اشاره شد.

بعبارت دیگر امکانات و سرمایه‌های فراوان دیگری - که ارزش آن چندان کمتر از میزان اعتبارات جنگ در بودجه نیست - بدون اینکه در بودجه‌ی کشور قید گردد از کیسه‌ی مردم زحمتکش میهنمان به‌غارت می‌رود و در خدمت مطامع جنگ‌افروزان‌ی خمینی قرار می‌گیرد. و بهمین جهت در یک بررسی واقعی و دقیق، بایستی جزو هزینه‌های جنگ محسوب گردد.

ماه گذشته نیز ارگان‌های رسمی رژیم (روزنامه‌های جمهوری و اطلاعات ۱۳/ بهمن/ ۶۱)، مطالب قابل توجهی درباره‌ی میزان هزینه‌های جنگ درج کردند: "... اصناف و مردم قم کلیه‌ی هزینه‌های سه‌روز جنگ تحمیلی به مبلغ ۱۰ میلیارد

حماسه‌های مجاهد خلق، لحظه‌های انقلاب

نبردی که تا سقوط دژخیم ادامه خواهد یافت

گزارشی از درگیری پایگاه اختیاریه

تاریخ وقوع: ۱۳ اسفندماه ۶۰
مکان - حوالی میدان اختیاریه
زمان - ۵ بعد از ظهر

در حالیکه سلاحش را در دست داشت، با نگرانی به بچه‌ها نگاه کرد و گفت: "پاسدارها" و خودش با شتاب برگشت... طرح خروج از پایگاه در موارد اضطراری از مدتها قبل، ریخته شده بود. فرمانده "عباس" (مجاهد شهید عباس عطاپور) اعلام آماده‌باش کرد و تمامی افراد متناسب با مسئولیت‌هایی که برایشان تعیین شده بود بکار مشغول شدند. "ظاهره" که مسئول برخورد با مراجعین بود، بطرف درب ورودی پایگاه

بود، پاسداران ظلمت و تباهی را هدف قرار می‌دادند. صدای رگبارها همراه با انفجار، اوج گرفت و مردم به خیابان ریختند... فرمانده عباس شب قبل گفته بود: "در هنگام محاصره و هجوم دشمن، زنده دستگیر نشدن خود یک پیروزی محسوب می‌شود..."

برادر "ج" پنجره را باز کرد و گفت: "عجله کنید!" و خودش پائین پرید. من به خواهر "الف" گفتم: "نوبت توست" و

متوجه من شد و سریعاً خودش را بزمین انداخت و دستهایش را روی سرش قرارداد. من که متوجه شدم سلاح عمل نمی‌کند بطرف "الف" و "ج" که دوباره به انتهای کوچه رفته بودند دویدم. در انتهای کوچه درب چوبی کوچکی وجود داشت که "ج" آنرا باز کرد و هر سه داخل خانه‌ای شدیم. در این موقع شلیک رگبار گلوله‌های پاسداران مزدور بطرف درب چوبی کوچک شروع شد. پس از گذشتن از دیوارهای خانه‌ی مزبور، وارد میدان اختیاریه شدیم. "ج" بما نگاه و اشاره‌ای کرد و بعد به سرعت بر اساس طرح قبلی، از ما دور شد و من و "الف" نیز در جهت مخالف او شروع به حرکت کردیم و پس از طی مسافت کوتاهی، جلوی ماشین بی‌زوی سفید رنگی را که در حال عبور بود گرفتیم و سوار آن شدیم. زن و مردی که داخل ماشین بودند ابتدا با دیدن نارنجک در دست من، هراسان و هیجان‌زده شدند ولی پس از توضیحات ما و اینکه مجاهدیم، سرعت ما را از منطقه‌ی درگیری دور کردند. به "الف" نگاه کردم کفش نداشت و لباسهایش هم خون -

شب هنگام رژیم خون آشام خمینی با نشان دادن پیکرهای بخون کشیده‌ی مجاهدین شهید محمد مصباح و فرمانده عباس عطاپور در تلویزیون به شادمانی نشست... ولی خروش بمب‌ها و مسلسل‌های مجاهدین در سراسر ایران ادامه یافت و چند ماه بعد اعدام صدوقی جنایتکار در یزد (شهرزادگاه خانواده‌ی مصباح) بوسیله‌ی واحد عملیاتی حاج محمد مصباح مردم ایران... را عمیقاً خوشحال نمود.

آلود بود چون هنگام پریدن از پنجره و عبور از دیوارها مجروح شده بود. نرسیده بدچارراه قنات به راننده گفتم: "همین جا نگه دارید" و سپس از زنی که همراه او بود خواستم کفشهایش را درآورد و به "الف" بدهد و او بلافاصله کفشهایش را درآورد و به "الف" داد. راننده نیز بداخل خیابانی که تابلوی ورود ممنوع داشت، وارد شد و توقف کرد و پس از حد-حافظی و پیاده شدن ما همانطوریکه به او گفته بودیم سرعت از آنجا دور شد.

حوالی چهارراه قنات درب خانه‌ای را زدیم ولی کسی در خانه نبود. برای ارزیابی وضعیت وارد یک مغازه کفش فروشی که در آنجا بود شدیم. لحظاتی بعد ب.ام.و. قهوه‌ای رنگ که در جلوی درب ورودی پایگاه آنرا دیده بودیم همراه ما - پاسدار که پیکر بی‌رمو ظاهره را با خود می‌برد از جلوی مغازه کفش فروشی گذشت و بعد از اینکه تا حدودی - گرفت، ما بعد بعضی سی

بعد پشت سرم را نگاه کردم و در حالیکه به پنجره نزدیک می‌شدم به طرف درب ورودی که پاسداران در آنجا بودند، آتش گشودم و بعد سریعاً خودم را به پای پنجره رسانده و پائین پریدم. "ج" و "الف" در پایین منتظر بودند. "ج" مسلسل را به من داد و بعد با عبور از دیوار خانه‌ی دیگری خود را به کوچه رساندیم. کوچه را که ادامه دادیم به نزدیک آپارتمان خودمان رسیدیم. یک کمیته‌چی مزدور، مسلح به یوزی در مقابل درب ورودی مجتمع آپارتمانی ما ایستاده بود و هراسان اطرافش را می-نگریست. من در پناه سکویی سنگر گرفتم و بطرف او نشانه رفتم و ماشه را فشردم ولی سلاح عمل نکرد. مجدداً گلنگدن زدم و ماشه را فشردم ولی مسلسل باز هم شلیک نکرد. احتمالاً در موقع پریدن از پنجره، اسلحه بزمین اصابت کرده و نقص پیدا کرده بود. ب فکر استفاده از نارنجک افتادم که یادم آمد باید آنرا برای خودم نگهدارم. در این موقع کمیته‌چی مزدور

رفت... ولی هنوز درب را بدرستی باز نکرده بود که پاسدارها هجوم آوردند. ظاهره تنها توانست فریادی بزند و بعد کپسول سیانورش را در دهان شکست و بلعید. فرمانده عباس از لای پرده‌ای که هال را به دو قسمت میکرد بیرون را نگاه کرد. دو پاسدار، ظاهره را کشان کشان با خود می‌بردند و تعدادی دیگر از پاسداران هم در حال هجوم به داخل پایگاه بودند، فرمانده عباس سلاحش را به سینه فشرد و آتش گشود. پاسدارها در حال عقب‌نشینی به آتش او جواب دادند و گلوله‌ای در سینه‌ی عباس نشست و او را بزمین انداخت. فرمانده عباس نگاهی به بچه‌ها که در حال خروج از پنجره بودند افکند و با سر به آنها اشاره کرد و با صدائی که به سختی از حنجره‌اش درمی‌آمد گفت: "زودتر" و بعد بابکار گرفتن آخرین بقایای انرژی‌هایش نارنجکش را از کمر کشید و ضامنش را در دست گرفت. حاجی و همسرش در حالیکه دختر کوچکشان هم در اتاق

"نشست" هنوز ادامه داشت. "حاجی" (مجاهد شهید محمد مصباح - که هم‌زمانش او را "حاجی" صدا می‌کردند) نگاهی به همسرش که بیرون را نگاه می‌کرد و بعد به دختر کوچکش که در گوشه‌ی اتاق با خود سرگرم بازی بود انداخت. تا آنروز تا از بچه‌هایش همراه با عروسش یا در درگیری‌های مختلف با مزدوران خمینی جلاد و یا در برابر جوخه‌های تیرباران او به شهادت رسیده بودند. بی‌اختیار فاطمه را در برابر جوخه تیرباران به یاد آورد. قطره اشکی در چشمش درخشید و زیر لب گفت: "بیچاره خمینی! به کجاها رسیدی؟! " و بعد به فکر فرو رفت: سالهای سال مبارزه و زندان و شکنجه و درگیری در زمان شاه... و حالا دوباره در زمان خمینی، لحظه به لحظه و با تمام هست و نیست درگیر مبارزه، مبارزه‌ای که تا سقوط خمینی ادامه خواهد داشت. هر چند که خمینی باز هم وحشیانه به کشتار و شکنجه ادامه دهد. "صدای باز شدن در اطاق، حاجی را بخود آورد. فرمانده عباس بود. او در حالیکه لبخند میزد گفت: "نشست تمام شد پیرمرد! کم کم باید بریم". حاجی خندید و به ساعتش نگاه کرد. ده دقیقه بیشتر به ساعت پنج نمانده بود.

چکلیست خروج از خانه پر شده بود و بچه‌ها آماده‌ی خارج شدن بودند که صدای زنگ در پایگاه بلند شد. هیچکس قرار نبود در آن ساعت به پایگاه مراجعه کند. حاجی سرعت وارد اتاق شد و در

بیرون آمدیم و به یکرمغازه‌ی دیگر رفتیم و پس از تهیه‌ی لباس مناسب برای "الف" به یک نفر از مشتریان مغازه گفتم: "ما مجاهد هستیم و احتیاج به کمک داریم اگر شما اتومبیل دارید... در این موقع یک نفر از کسانی که داخل مغازه بود حرفهای مرا شنید و گفت: "با من بیایید من شما را بهر جا که بخواهید می‌رسانم" و بعد سریعاً همراه ما از مغازه بیرون آمد. او در بین راه با اشتیاق از مقاومت و پایداری مجاهدین و نیز از جنایات خمینی که اینک برای همگان روشن شده بود می‌گفت و با لعنت و نفرین از خمینی یاد می‌کرد. مدت زمانی بعد با یاری بیدریغ این هموطن دلیر و از مسیری مناسب به حوالی... رسیدیم و پس از خداحافظی با او به سلامت به یکی دیگر از پایگاههای انقلاب رفتیم. "ج" هم توانسته بود پس از جداسدن از ما بکمر چند تن از هم‌میهنان مبارز و دلیرمان خود را از منطقه‌ی درگیری دور کند و خود را به سلامت به پایگاه برساند.

پس از شهادت فرمانده عباس و خروج موفقیت‌آمیز بچه‌ها از پایگاه حاجی و همسرش دو ساعت دیگر به نبرد قهرمانانه‌ی خود ادامه دادند و سرانجام پس از شلیک آخرین گلوله‌های خود به سوی دژخیمان خمینی جلاد، به شهادت رسیدند و صفحه‌ی درخشان دیگری به کارنامه‌ی پرافتخار مقاومت و نبرد خلق و پیشانان مجاهدش برعلیه دژخیم زمان خمینی جلاد افزودند. شب هنگام رژیم خون آشام خمینی با نشان دادن پیکرهای بخون کشیده‌ی حاجی و فرمانده عباس در تلویزیون به شادمانی نشست و باز هم احمقانه از نابودی مجاهدین سخن بزمیان آورد ولی خروش بمب‌ها و مسلسل‌های پیشانان مجاهد خلق همچنان در سراسر ایران ادامه یافت. چند ماه بعد هم صدوقی جنایتکار در یزد (شهر زادگاه خانواده‌ی مجاهد مصباح) که در اوج کینه‌ی ضد-انقلابی خود، شخصاً نیز در اعدام و کشتار خانواده‌ی مجاهد مصباح انگیزه داشت بوسیله‌ی واحد عملیاتی حاج محمد مصباح اعدام انقلابی گردید و مردم ایران و بویژه مردم ستمدیده‌ی استان یرد را که بخصوص پس از خلافت ارتجاعی خمینی، جان و مال و ناموسشان بازیچه‌ی هوسها و جنایات صدوقی خائن این پیره‌ی جنایتکار و سرسپرده‌ی خمینی بود، عمیقاً خوشحال نمود.

بقیه از صفحه اول

خلق و برافراشته شدن پرچم رهایی و آزادی خلق و محو همه ی قید و بندهای استبدادی و استعماری و استثمار و سر-انجام تحقق جامعه ی بی طبقه ی توحیدی ادامه خواهد یافت .

اگر در آن زمان که نهال این "شجره ی طیبه" در سرزمین پر بار و مجاهد پرور ایران کاشته می شد، کسی ابعاد نبردها و جانفشانی-های عنصر مجاهد خلق را (بدینگونه که در اوج خود امروز در میهن ما و با خمینی دجال و ضدبشر در جریان است) تصویر می کرد شاید خیالی و غیر واقعی بنظر می رسید. نبردی با تمامی هستی و خائنمان، نبردی که از پیران شصت هفتاد ساله تا کودکان چندساله ی مجاهد درگیر آند و داستان جانفشانیها و دلاوریهای خانواده های مجاهد خلق نیز (به معنای اخص خانواده) در درون خانواده ی بزرگ مجاهدین جای خاص خود را دارد و بررسی و ارزیابی جداگانه ی را طلب می کند زیرا در شرایط حاضر دفتر خونین مبارزات خلق قهرمان ایران و پیشاهنگان و پیشنازانش با نام و خاطرات امیدبخش، پرشور و حرکت آفرین دهها و صدها خانواده ی مجاهد خلق

زینت یافته است، خانواده های که گاه تماما (از مادر و پدر و دختر و پسر تا عروس و داماد سلاح بدست گرفته و با خشم و نفرتی عمیق و انقلابی با حاکمیت ضد بشری خمینی به مبارزه برخاستند و در مسیر این مبارزه ی تاریخی و سرنوشت ساز، بسا خانواده های که، هرکدام چندین شهید (۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و حتی ۸ شهید) به پیشگاه آزادی و انقلاب تقدیم کرده اند.

این نمونه ها و صدها نمونه ی دیگر بخوبی نشان می دهد که درخت تناور انقلاب ایران تا کجا ریشه در اعماق خلق دوانده است و همچنین روشن می کند که پیشناز مجاهد خلق نه در حرف و شعار، بلکه در عمل تا به کجا به عهدی که با خدا و خلق خویش بسته پای بند است و چگونه بی هراس از دژخیمان و مزدوران خمینی جلاد و در اوج افتخار و سربلندی و با اراده های پولادین و مستحکم درفش انقلاب را پیشاپیش مبارزات خلق در دستان پرتوان خود به اهتزاز درآورده است و صبح تابناک پیروزی را از دل ظلمت شبانگاهی دوران خمینی بهارمغان می آورد. حماسه های خانواده های مجاهد خلق در زمان سلف تاریخی خمینی دجال - شاه خائن- با خانواده ی رضائی های

خانواده های مجاهدین در نبردی قهرمانانه بر علیه خمینی ضدبشر

شهید شروع شد . ماجرای نبرد قهرمانانه و شهادتهای حماسی و افتخار آفرین فرزندان مجاهد این خانواده و شرح رنجها و فشارهایی که بر افراد باقیمانده ی آن وارد آمد، علیرغم تلاشهای مذبحخانه ی رژیم شاه پنهان نماند بطوریکه حتی در سیاهترین سالهای خفقان و دیکتاتوری، این کانون، نمودی از حرکت انقلابی و مردمی مجاهدین و مرکزی برای حرکت و جوشش بود. در شروع قیام خلق نیز شرح

تمامی افراد یک خانواده اعم از پدر و مادر، دختر و پسر و عروس و داماد بصورت حرفه ای و تمام وقت، در جهت تحقق اهداف انقلابی و توحیدی مجاهدین تلاش می کردند. و چه بسا که ارتجاع افسار گسیخته ی حاکم که با هر هجوم به مراکز علنی مجاهدین، انتظار خموشی ندای انقلاب و بیداری را داشت شگفت زده می شد چراکه مشاهده می کرد که تلاشها و فعالیتها باز هم ادامه دارد.

آن پیشنازان مجاهدش نیز می بایستی چشم انداز تازه ای را در مبارزه و جانفشانی بر علیه این دجال ضدبشر عرضه نمایند و تمامی مرزهای پاکبختگی انقلابی را درهم نوردند. و بدینگونه بود که مجاهدین با تمامی هستی و سازمان و وابستگانشان و منجمله خانواده های خود (بمعنای اخص خانواده) و پس از عبور از فراز و نشیبهای بسیار و آبدیده شدن در کوران پیچیده ترین مبارزات سیاسی، توانستند در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد و همزمان با شروع مبارزه انقلابی مسلحانه پای به میدان این نبرد تاریخی و سرنوشت ساز بگذارند. در پایگاههای انقلاب و تحت سخت ترین شرایط به نبرد خویش ادامه می دهند و در این راه تاکنون بسیاری از آنها یا در درون پایگاههای مقاومت یا به هنگام ماموریت های انقلابی و در میدان های نبرد یا در شکنجه گاهها و در برابر جوخه های تیرباران همراه با زن و فرزند

خانواده های که گاه تماما (از مادر و پدر و دختر و

پسر تا عروس و داماد سلاح بدست گرفته و با خشم و نفرتی عمیق و انقلابی با حاکمیت ضد بشری خمینی به مبارزه برخاستند و در مسیر این مبارزه ی تاریخی و سرنوشت ساز، بسا خانواده های که، هرکدام چندین شهید (۳، ۴، ۵، ۶، ۷ و حتی ۸ شهید) به پیشگاه آزادی و انقلاب تقدیم کرده اند .

همگی خوب بخاطر داریم که چگونه علیرغم تمامی فشارها و ضرب و شتم ها، این فعالیت های انقلابی و افشاگرانه در سراسر مرحله ی مبارزات سیاسی (تا قبل از ۳۰ خرداد ۶۰) ادامه داشت.

سرانجام ارتجاع قرون وسطائی خمینی، پیروسی ضد-خلقی شدن خود را به اتمام رساند و در سرفصل تاریخی ۳۰ خرداد ۶۰، با به رگبار بستن تظاهرات عظیم مجاهدین که در آن بیش از ۵۰۰ هزار نفر از مردم تهران شرکت داشتند، بخوبی نشان داد که از این پس نمی توان جز با زبان قهرانقلابی و جز با بمب و مسلسل و سلاح آتشین، سخن گفت. آنگاه با شروع شدن عصر بی سابقه ترین اعدام ها و شکنجه ها، و متقابلا با آغاز دوران مبارزه ی انقلابی مسلحانه ی سراسری، علی-

القاعده دیگر کسی چنین انتظاری نداشت که پدران و مادران سالخورده و ... در کنار فرزندان مجاهدشان و در صفوف مقدم مبارزه مسلحانه نیز شرکت کنند. اما صحنه ی نبرد تاریخ ساز با چنین آرایش یافت که از همان فردای ۳۰ خرداد که دجال زمان "کامی فراتر از شاه" برداشت و از آن پس نیز مرز تمامی جنایات را بسا فراتر از هر رژیم ضد خلقی دیگر درنوردید، لاجرم خلق و در صفوف مقدم

فداکاریها و جانبازیهای رضائیهای شهید مرزهای ایران را نیز در-نوردیده بود و از آن بمنابه یکی از سمبل های درخشان و انقلابی مبارزات خلق و فرزندان مجاهدش و همچنین بعنوان نمونه ای روشن از جنایات و سیاهکاریهای رژیم شاه خائن نام برده می شد.

اما در فردای پیروزی انقلاب خمینی و دارودسته ی مرتجع او، جنایات سلف خود یعنی شاه را در حق تمامی مردم ایران و بخصوص پیشنازان مجاهدش و همچنین خانواده های مجاهدین، در ابعادی غیر قابل قیاس با شاه تکرار کردند و تقریبا از همان روزهای نخستین پیروزی قیام خلق دیگر بار مجاهدین و خانواده هایشان و بویژه خانواده ی رضائی های شهید را مورد فشار و تهدید و آزار قرار دادند.

با گسترش روزافزون سازمان مجاهدین، خانواده های مجاهد خلق نیز ابعادی گسترده یافتند. در حقیقت می توان گفت که پس از پیروزی قیام و با توده های شدن نفوذ اجتماعی مجاهدین، دیگر سنادها و پایگاههای انقلاب به محض در یک نقطه یا چند نقطه از شهرها و روستاهای سراسر ایران برپا می شد، بلکه دیگر بسیاری از خانواده ها، محل زندگی و سکونتشان یک ستاد بود. ستادی که در آنجا

شهدای مجاهد خانواده کبیر مصباح

۱- مجاهد شهید محمد مصباح (پدر خانواده)

شهادت ۱۳ اسفند ۶۰ در درگیری در پایگاه

۲- مجاهد شهید رقیه مسیح (مصباح) مادر خانواده

شهادت ۱۳ اسفند ۶۰ در درگیری در پایگاه

۳- مجاهد شهید اکبر مصباح ۲۰ ساله

دستگیری پس از ۳۰ خرداد ۶۰ تیرباران

۴- مجاهد شهید اصغر مصباح ۱۷ ساله

شهادت مرداد ۶۰ در جریان درگیری در تهاجم انقلابی به کمیته ی ضد خلقی رژیم

۵- مجاهد شهید محمود مصباح ۱۶ ساله

شهادت تابستان ۶۰ تیرباران

۶- مجاهد شهید عزت مصباح ۱۵ ساله

دستگیری ۳۰ خرداد ۶۰ تیرباران

۷- مجاهد شهید فاطمه مصباح ۱۳ ساله

دستگیری ۲۵ شهریور ۶۰ تیرباران

★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده شفائی

۱- مجاهد شهید دکتر مرتضی شفائی (پدر)

مهر ۶۰ تیرباران

۲- مجاهد شهید عفت خلیفه سلطانی (مادر)

مهر ۶۰ تیرباران

۳- مجاهد شهید جواد شفائی ۲۶ ساله

دستگیری و شهادت در زیر شکنجه

۴- مجاهد شهید مجید شفائی ۱۸ ساله

مهر ۶۰ تیرباران

۵- مجاهد شهید زهرا شفائی ۱۸ ساله

۲۰ اردیبهشت ۶۱ شهادت در درگیری با مزدوران رژیم

۶- مجاهد شهید حسین جلیلی همسر زهرا ۲۸ ساله

۲۰ اردیبهشت ۶۱ شهادت در درگیری با مزدوران رژیم

★ ★ ★

آموزش‌های ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

بقیه از صفحه اول

برمی‌دارند، و در همین رابطه با مشکلات، سوالات و ابهاماتی روبرو شده‌اند که در نامه‌های خود به طرح آنها پرداخته‌اند:

از آنجا که نشریه‌ی مجاهد، همانگونه که در سرمقاله‌ی مجاهد شماره‌ی ۱۲۹ آمده است در شرایط فعلی، اساساً در خدمت رشد و ارتقاء مبارزه‌ی مسلحانه‌ی سراسری خلق می‌باشد بر آن شدیم که فشرده‌ای از سوالات را تحت عنوان "آموزش‌های ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلح" پاسخ دهیم. پاسخ‌هایی که بمثابة "رهنمودهایی برای عمل مسلحانه" می‌تواند بطور عام مورد استفاده‌ی تمامی رزمندگان و بطور خاص جوابگوی نیازهای هسته‌های مقاومت مسلح، واقع گردد.

آنچه که مضمون و محتوای ستون "آموزش‌های ویژه" را از سایر مقالات نظامی مندرج در نشریه متمایز می‌کند، اینست که مباحث جدید عمدتاً ناظر بر آموزش‌هایی است که از نیازهای "خاص" عملیات نظامی در "شرایط کنونی" نشأت می‌گیرد همان نیازهایی که محتوای عمومی سوالات مطرح شده در نامه‌ها را نیز تشکیل داده است. ماضن پاسخگویی به سوالات مزبور، تلاش خواهیم کرد که سوال و جوابها حتی‌المقدور به شکلی ساده بیان شود، تا در سطح گسترده‌تری مورد استفاده قرار بگیرد. پس از آنجا که این آموزش‌ها جنبه‌ی "خاص" دارد و ممکن است حتی هر قسمت از آنها مربوط به عده‌ای از عناصر هسته‌های مقاومت مسلح و در رابطه با مرحله‌ی معینی از شکل و فعالیت آنها باشد، بنابراین باید به محدود و مشروط بودن این آموزش‌ها دقیقاً توجه داشت. محدود به "افراد و عناصر هسته‌های مقاومت مسلح" و مشروط به "شرایط نظامی و پلیسی موجود".

بهر حال سلسله آموزش‌های نظامی که از این پس در قالب پرسش و پاسخ در "مجاهد" درج خواهد گردید، اساساً در جهت رشد و ارتقاء و گسترش هسته‌های مقاومت می‌باشد، که این آموزش‌ها طبعاً برای رزمندگان و هسته‌های نظامی مقاومت نقش راهگشا و راهنمای عمل را دارد و لذا باید مورد توجه آنان قرار گیرد.

بی‌تردید آموزش‌های لازم برای عمل نظامی شامل مباحث متعدد و گسترده‌ای می‌باشد. از اینرو ستون "آموزش‌های ویژه" را حتی‌المقدور بطور پی‌درپی دنبال خواهیم کرد و به ترتیب از نیازهای "ابتدائی ولی ضروری" برای یک هسته مقاومت مسلح که پس از شکل‌گیری درجهت انجام عمل نظامی گام برمی‌دارد شروع کرده و تا مباحث و آموزش‌های مربوط به اجرای عملیات نظامی - و البته متناسب با ضرورت‌های مرحله‌ی دوم استراتژی که ناظر بر عملیات ضد اختناق یعنی ضربه زدن بر بدنه‌ی نظامی رژیم خمینی ضعیف‌تر می‌باشد - پیش خواهیم رفت. در کنار آموزش‌های ویژه تا آنجا که مقدور باشد مقالات "سراسری تجربیات رزمندگان مجاهد خلق" را نیز ادامه خواهیم داد تا "دانش عمومی نظامی" نیز ارتقاء پیدا کند. ولی باز هم تکرار می‌کنیم با

توجه به اینکه هرکس در صفحه‌ی مختصات نبرد نقش ویژه‌ای دارد طبعاً آموزش‌های خاص خود را نیز طلب می‌کند. بعنوان مثال عضو یک تیم نظامی آموزش‌های معینی را می‌بیند و لی فرماندهی همان تیم، علاوه بر آنها، مباحث ویژه‌ی فرماندهی را نیز باید بیاموزد. بهمین جهت این آموزش‌ها که در رابطه با رزمندگان جنبه‌های نبرد انقلابی مسلحانه‌ی سراسری تنظیم شده است، چه بسا بتواند برای سایر افرادی که به فعالیت‌های "پشت‌جنبه‌ای" مشغول هستند، مفید واقع شود ولی ممکن است که برای آنها باندازه‌ی کافی باز نشده و شاید برخی مفاهیم و مضامین آن با پراتیک خاص عناصر پشت‌جنبه هماهنگی و انطباق کافی نداشته باشد.

در اینجا لازم است به نکته‌ی مهم دیگری اشاره کنیم و آن تفاوت آموزش‌های مکاتبه‌ای با آموزش‌هایی است که توسط فرماندهان و مسئولین بطور مستقیم و شفاهی مطرح می‌شود. در آموزش‌های شفاهی و مستقیم، می‌توان مباحث را با در نظر گرفتن شرایط ویژه‌ی شنونده تنظیم کرد و مثلاً بسته به اینکه او در چه قسمتی از بحث دارای ابهام و سوال است، بعضی جنبه‌ها را بیشتر تشریح و تاکید نمود، برخی مطالب را خیلی ریز و مبسوط طرح کرد و از برخی دیگر با اشاره‌ای گذشت و خلاصه محدود و ضرورت هر مطلب را متناسب با شنونده تعیین و سپس بیان نمود. اما آموزش‌های کتبی و نشریه‌ای و بخصوص آنچه که بعنوان آموزش‌های ویژه در نشریه منعکس خواهد شد، عملکرد ویژه‌ی خود را دارند. بایستی توجه داشت که این آموزش‌ها به شکل نوشته‌ی کامل در دست آموزش‌گیرنده‌ها باقی می‌ماند و می‌توان با مراجعات مکرر به نوشته و با بحث‌های جمعی پیرامون مطالب آن، درک خود را از مباحث و آموزش‌ها تعمیق کرد و گسترش داد.

همچنین لازم است، به این موضوع نیز اشاره کنیم که بدلیل گوناگون و منجمله جنگی که با دشمن داریم، نمی‌توان تمام مطالب مورد نیاز را در نشریه منعکس کرد. از اینرو لازمست که اولاً - رزمندگان هسته‌های مقاومت مسلح، متناسب با شرایط خاص خود و محیط پیرامونشان و با دقت و بحث جمعی مکفی به بهره‌گیری از مباحث آموزشی بپردازند. ثانیاً - در جهت دریافت آموزش‌هایی که نمی‌تواند در نشریه منعکس شود - از طرقی که می‌دانند - اقدامات لازم را بعمل آورند. در این رابطه توجه می‌دهیم که بخصوص از رادیو "صدای مجاهد" می‌توان استفاده‌های بسیار بیشتری کرد. در این شماره اولین قسمت از "آموزش‌های ویژه" پیرامون مسأله‌ی "ارتباطات" را آغاز می‌کنیم و امیدواریم که با پی‌گیری آن به بسیاری از نیازهای "آموزش عملیاتی" جهت هسته‌های مقاومت مسلح، پاسخ‌های لازم را بدهیم.

سوال اول: ارتباطات در سازماندهی، شکل و ارتقاء هسته‌های مقاومت مسلح، که برای عملیات نظامی آماده می‌شوند چه جایگاهی دارد؟
جواب: هر هسته‌ی مقاومت مسلح قبل از دست زدن به هرگونه عمل نظامی باید سه مرحله را طی کند. این مراحل عبارتند از: سازماندهی، برقراری ارتباطات جدید و دریافت آموزش‌های لازم نظامی - تشکیلاتی.

جوهر هر نوع سازماندهی "ارتباطات" می‌باشد. بدین معنی که اگر یک تیم و یا هسته‌ی مقاومت برای ورود به مرحله‌ی عملیات نظامی، ضروری است که سازماندهی خود را تغییر دهد یکی از جنبه‌های مهم آن، تغییر در روابط داخلی تیم و یا هسته و شکل ارتباطات بین افراد آن می‌باشد. به بیان دیگر موقعی که محتوای کار یک هسته تغییر می‌کند و از فعالیت‌های غیرنظامی به طرف فعالیت‌های نظامی گام برمی‌دارد، متناسب با تغییری که در محتوای کار آن هسته ایجاد شده است لازم است که در "شکل روابط" و "سازماندهی" خود نیز تغییراتی ایجاد کند. چرا که می‌دانیم هرگونه عدم تطابق بین شکل و محتوا، تأثیرات سوء خود را در عملکرد تیم یا هسته‌ی نظامی باقی خواهد گذاشت.

تغییر در ارتباطات که جنبه‌ای از تغییر در "شکل" می‌باشد بخش قابل ملاحظه‌ای از قوام و شکل‌گیری نظامی یک تیم را تشکیل می‌دهد. بدین مفهوم که اگر از ابتدای تجمع و شروع کار یک هسته تا مرحله‌ی انجام عملیات نظامی را به صد قدم تقسیم کنیم، هشتاد قدم مربوط به قبل از انجام عملیات نظامی است که ۶۰ قدم آن را مسئله‌ی ارتباطات تشکیل می‌دهد. از اینرو "ارتباطات" بیشترین قسمت از مسیری است که یک هسته‌ی نظامی در طول شکل‌گیری خود باید طی کند. به همین مقیاس لازم است که انرژی کافی اعم از فکری و عملی نیز به آن اختصاص داده شود.

در حالیکه اغلب افراد مبتدی، بیشترین مشکلات و پیچیدگی‌ها و تهدیدات را، در مسائل ویژه صحنه‌ی عملیات نظامی می‌بینند و طبعاً بیشترین قسمت از انرژی خود را در رابطه با آن مصرف می‌کنند. ولی تاکنون تجربه نشان داده است که اغلب ضرباتی که به تیم‌های نظامی وارد می‌شود، نه در صحنه‌ی عملیات و مثلاً

بخاطر کمبود و قدرت آتش و یا ضعف در تجربیات ویژه‌ی نظامی و دیگر اشکالات تکنیکی و تاکتیکی، بلکه قبل و یا بعد از عملیات و دقیقاً بخاطر اشکالات و ضعف‌های ارتباطی بوده است. سوال دوم: تغییر در ارتباطات یک هسته‌ی مقاومت در مرحله‌ی عملیات نظامی از چه ضرورت‌هایی ناشی می‌شود و عدم توجه به آنها چه تأثیری بر عملکرد هسته دارد؟

جواب: اعضای هسته‌های مقاومت، قبل از اینکه به سمت عمل نظامی گام بردارند و بخصوص قبل از تشکیل هسته‌ی مقاومت، بدلیل محتوای کار و فعالیت قبلی‌شان، عموماً از ارتباطات آزاد و گسترده‌ای برخوردار بوده‌اند. به هر جا می‌توانستند بروند. در هر زمان و به هر شکلی با دوستان آشنایان و فامیل‌هایشان تماس برقرار نمایند و ... خلاصه محدودیت و ضوابط مشخص امنیتی و حفاظتی‌ای که هر واحد نظامی در شرایط دیکتاتوری و خفقان باید رعایت کند، بر ارتباط آن‌ها حاکم نبوده است. ولی همین افراد در شرایطی که به عنوان عضو یک هسته‌ی مقاومت مسلحانه جهت انجام عملیات نظامی دوران آمادگی را طی می‌کنند لازم است که با برخورد جدی و قاطع، ارتباطات خود را بر مبنای ضوابط جدید تنظیم کرده و از هرگونه رفتار لیبرالیستی و بدون ضابطه خودداری کنند. بی‌توجهی به موقعیت خاص "ارتباطات" در یک هسته‌ی نظامی که در واقع نشان‌دهنده‌ی "انسجام"، "تشکل" و "سازمان یافتگی" آن می‌باشد. بطور مستقیم به ضربات نظامی منجر می‌شود. مثلاً برقراری تماس‌های پراکنده و حساب‌نشده و عدم توجه کافی به مسائل امنیتی از جانب عناصر یک هسته‌ی نظامی می‌تواند به درگیری‌های ناخواسته با دشمن منتهی شود. بنابراین لازم است که تیم‌ها و هسته‌هایی که پس از شکل‌گیری اولیه قدم در راه انجام عملیات نظامی می‌گذارند متناسب با شرایط نظامی محیط و شرایط و امکانات خودشان، روابط و تماس‌های بیرونی و درونی خود را با فکر و بحث کافی تنظیم کرده، ساده‌گزینی را کنار گذارده و با پرداختن بهای کافی به لحاظ وقت و انرژی، پیچیدگی لازم را در ارتباطات خود ایجاد نمایند. چرا که محتوای کاری جدید یعنی عملیات نظامی در مقایسه با فعالیت‌های مراحل

آموزشهای ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

قبلی یک تیم، از پیچیدگی بیشتری برخوردار است و طبعاً نیاز به پیچیدگی، تمرکز، وقت و انسجام بیشتری در شکل کار دارد و این انسجام دقیقاً در برقراری "روابط پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تر نظامی" قابل حصول است. برای روشن‌تر شدن این مسئله، یک مثال می‌زنیم: انگشتان یک دست در حالت عادی، رابطی مشخصی با یکدیگر دارند و کارهای فراوانی نیز می‌توانند انجام دهند ولی نمی‌توانند "ضربه"ی سنگین وارد نمایند. برای ضربه وارد کردن باید روابط جدید و "متمرکز" خاصی بین آن‌ها ایجاد کرد. به این مفهوم که انگشتان و کل دست را به شکل "مشت" درآورد، و آنگاه ضربه وارد کرد. اما اگر در حالت معمولی و با همان روابط و مناسبات قبلی بین انگشتان دست، ضربه وارد کنیم، اولاً آسیب چندانی به شئی مورد تهاجم نمی‌رسد و ثانیاً چه بسا بیشترین صدمه و ضربه را خود انگشتان دست ببینند.

بر همین منوال اگر یک تیم یا هسته، بدون ایجاد ارتباطات ویژه مرحله‌ی نظامی قدم در راه انجام عملیات بگذارد، با توجه به حضور و بهره‌برداری دشمن، در درجه‌ی اول بیشترین آسیب را خودش خواهد دید. این ارتباطات نه تنها لازم است که در صحنه‌ی عمل نظامی حاکم باشد، بلکه از همان لحظه‌ای که یک تیم تصمیم بر انجام عمل نظامی می‌گیرد باید روابط ویژه‌ی جدید را بر کل ارتباطات خود حاکم گرداند. زیرا در حقیقت از همان لحظه‌ی ورود، محتوای جدیدی از فعالیت یعنی "جنگ و نبرد رو در رو" شروع می‌شود و در چنین شرایطی خیلی بیشتر از وضعیت فیزیکی اعضای تیم روابط آن‌ها حساس و ضربه‌پذیر گردیده است. این ضربه‌پذیری بخصوص در دوره‌ی گذار از فعالیت‌های قبلی به فعالیت و عمل نظامی بسیار بیشتر نیز می‌باشد.

با این توضیحات، مشخص می‌شود که تیم‌ها و هسته‌های نظامی که تازه تشکیل شده‌اند و یا آن‌هایی که مدتی از ورودشان به مرحله‌ی نظامی گذشته، لازم است که وقت و انرژی مکفی جهت ایجاد و برقراری یک روابط صحیح بگذارند و بهای آن را بپردازند. تهدیدات و نقاط

ضعف ارتباطات خود را بطور همه جانبه بررسی کنند و با پیش‌بینی موارد و مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید، خطوط برخورد و رهنمودهای مشخص و عملی استخراج کرده و هیچ مسئله و ابهامی را بدون پاسخ نگذاشته و به آینده موکول نکنند. زیرا جنبه‌ی مهمی از تکامل و رشد هر سیستم زنده و پویا و در اینجا تیم‌های نظامی - هر چند کوچک و حتی دو نفره در ارتقاء و پیچیدگی روابط آنها انعکاس پیدا می‌کند، بطوری که می‌توان با بررسی روابط یک تیم حد تکامل یافتگی و رشد آنرا دقیقاً تعیین کرد.

سوال سوم: تشدید و یا افت غلظت نظامی دشمن در شهرها در دامنه و محدوده‌ی "ارتباطات" یک هسته‌ی مقاومت مسلحانه چه تأثیری می‌گذارد؟
جواب: ارتباطات برای واحدها و تیم‌های نظامی دارای ضوابط خاصی است که متناسب با تشدید غلظت نظامی محیط، محدودیت‌های آن بیشتر شده و اشکال پیچیده‌تری بخود می‌گیرد. هم‌چنین متناسب با افت فضای نظامی شهر، امکان

و آگاهی نسبت به وضعیت دشمن در برقرار کردن "ارتباطات" دینامیزم و تحرک لازم را کسب کرد. در شرایطی که لازم است ارتباطات را پیچیده‌تر نمود و برعکس هوشیاری و آمادگی نیز داشت تا بخصوص در شرایط و لحظات ویژه‌ای که در مسیر هر انقلاب ممکن است پیش بیاید، یعنی به محض ایجاد مختصر شکافی در حاکمیت

دیکتاتوری و جو خفقان، با گسترش ارتباطات و فعالیت - های نظامی، دشمن را تا نابودی کامل مورد تهاجم مستمر قرار داد. بنابراین داشتن تحلیل مشخص از شرایط و دقت نسبت به تغییرات آن برای همه‌ی هسته‌ها و تیم‌های نظامی و رزمندگان واحدهای عملیاتی بسیار مهم است.
مثلاً در شرایط عادی، افراد

باید به اشکال پیچیده‌تری تبدیل شود. به عنوان نمونه محل قرارها، از خیابان‌ها به کوچه‌های شهر منتقل شود و یا از اماکن عمومی که امکان کنترل آن‌ها کمتر است استفاده گردد. یا در شرایطی که دشمن با تمرکز نیروهایش به کنترل تلفن‌های عمومی می‌پردازد، تا شاید از آن طریق به رزمندگان دسترسی پیدا کند، می‌توان با استفاده از تلفن مغازه‌ها و منازل و شرکت‌ها و یا شیوه‌های جدید و ابتکاری دیگر، تماس‌های تلفنی ضروری را برقرار نمود. و هم‌چنین در صورتی که شدت غلظت نظامی اجازه‌ی تماس‌های متعدد روزانه را نمی‌دهد می‌توان با به حداقل رساندن ارتباطات، پیچیدگی و امنیت بیشتری در آن‌ها ایجاد کرد.

می‌کند و از شدت و ضعف بیشتر یا کمتری برخوردار می‌شود. برای روشن شدن مفهوم قانونمندی ارتباطات در درجه‌ی اول لازم است که بدانیم مقصود از ارتباطات یک هسته چیست؟ مقصود از وجود یک ارتباط صحیح و کامل بین یک تیم، بین تیم و مسئول بالاتر، و بین افراد تیم بانبروهای پائین‌تر، این است که آنها بتوانند ضمن داشتن اطلاع مستمر از سلامتی یکدیگر، در هر زمانی که ضرورت ایجاد کند با یکدیگر تماس برقرار نموده و باهم ملاقات کنند. روشن است که ارتباطات یک تیم متناسب با ازدیاد تعداد آنها پیچیده‌تر و مشکل‌تر می‌شود و هر قدر که تعداد آنها کمتر بشود - مثلاً ۲ نفر که حداقل لازم و در شرایط فعلی

موقعی که محتوای کاریک هسته تغییر می‌کند و از فعالیت‌های غیر نظامی به طرف فعالیت‌های نظامی گام برمی‌دارد، متناسب با تغییری که در محتوای کار آن هسته ایجاد شده است لازم است که در "شکل روابط" و "سازماندهی" خود نیز تغییراتی ایجاد کند. چرا که می‌دانیم هرگونه عدم تطابق بین شکل و محتوا، تأثیرات سوء خود را در عملکرد تیم یا هسته‌ی نظامی باقی خواهد گذاشت.

مکفی برای یک تیم نظامی می‌باشد - امکان برقراری ارتباط بین آنها بیشتر بوده و تماس و ملاقات از پیچیدگی کمتری برخوردار می‌باشد. اما در هر نوع از ارتباط - چه ارتباط گسترده و پیچیده و چه محدود و ساده - و در هر مرحله از مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مخفی، لازم است که با آگاهی به قانونمندی‌های عام، شکل ویژه‌ی ارتباطات هر مقطع را مشخص کرد و در صحنه‌ی عمل با اجرا درآورد.

مهمترین قانونمندی‌های عام ارتباطات را به شکل زیر می‌توان بیان کرد:

- اصل حداقل اطلاعات در ارتباطات

- حفظ و برقراری مستمر ارتباطات ضروری

- دینامیزم و تحرک در ارتباطات

- علامت سلامتی و علامت خطر در سیستم‌های ارتباطی.

سوال پنجم: اصل حداقل اطلاعات در ارتباطات چه مفهومی دارد؟

جواب: "اطلاعات" در یک

مبارزه‌ی مخفی مهم‌ترین عاملی است که ارتباطات را پیچیده و مشکل می‌کند. اگر همه می‌توانستند محل و آدرس خانه‌ها و پایگاه‌های یکدیگر را بدانند و در هنگام ضرورت به محل‌های استقرار یکدیگر مراجعه کنند، ارتباطات اساساً شکل دیگری بخود می‌گرفت. اما در شرایط کنونی

مثلاً می‌توان تماس‌ها را فقط به "ارتباطات داخلی" تیم‌ها محدود نمود و با استفاده از امکاناتی نظیر رادیو و نشریه جهت دریافت خطوط کار و دستورات لازم، ضرورت ارتباطات خارجی را به حداقل ممکن کاهش داد. هم‌چنین می‌توان با افزایش کیفیت نشست‌ها و ملاقات‌ها، فاصله‌ی زمانی بین دو ارتباط را

تیم‌ها و هسته‌های نظامی که تازه تشکیل شده‌اند و یا آن‌هایی که مدتی از ورودشان به مرحله‌ی نظامی گذشته، لازم است که وقت و انرژی مکفی جهت ایجاد و برقراری یک روابط صحیح بگذارند و بهای آن را بپردازند. تهدیدات و نقاط ضعف ارتباطات خود را بطور همه جانبه بررسی کنند و با پیش‌بینی موارد و مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید خطوط برخورد و رهنمودهای مشخص و عملی استخراج کرده و هیچ مسئله و ابهامی را بدون پاسخ نگذاشته و به آینده موکول نکنند. زیرا جنبه‌ی مهمی از تکامل و رشد هر سیستم زنده و پویا و در اینجا تیم‌های نظامی - هر چند کوچک و حتی دو نفره - در ارتقاء و پیچیدگی روابط آنها انعکاس پیدا می‌کند، بطوری که می‌توان با بررسی روابط یک تیم حد تکامل یا رفتگی و رشد آنرا دقیقاً تعیین کرد.

حتی الامکان زیاد نمود.

سوال چهارم: قانونمندی‌های

عام و خاص ارتباطات چیست؟

جواب: "ارتباطات" مانند هر مسأله‌ی دیگری که یک تیم نظامی با آن روبروست و به حل آن می‌پردازد، دارای قانون - مندی‌های شناخته شده‌ایست. بعضی از آنها جنبه‌ی عام دارد و مربوط به تمام شرایط و مراحل یک مبارزه‌ی مسلحانه‌ی مخفی است و برخی دیگر جنبه‌ی خاص دارد و متناسب با شرایط تغییر

می‌توانند برای برقراری تماس و ملاقات با یکدیگر از قرارهای خیابانی و یا تلفن استفاده کنند اما زمانی که دشمن با بسیج مقطعی نیروهای خود و ازدیاد نوره‌های نظامی بازرسی و به حداکثر رساندن گشتی‌های متحرک، کنترل شدیدتری را در سطح شهر اعمال می‌کند و با وحشی‌گری تمام عموم مردم را در خیابان‌ها مورد بازرسی قرار می‌دهد، استفاده از قرارهای خیابانی جهت تماس و ملاقات

گسترده کردن تماس‌ها بیشتر شده و می‌توان اشکال ساده‌تری و بالطبع سریعتری را برگزید و در جهت گسترش منظم و حساب‌شده‌ی ارتباطات قدم برداشت.

به این ترتیب می‌توان گفت که گسترش و یا محدود کردن دامنه‌ی ارتباطات تابعی از شرایط نظامی و جو خفقان و دیکتاتوری و همچنین توان تیم و هسته‌ی نظامی است. از اینرو باید با شناخت شرایط

آموزشهای ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

لازم است که کلیه کسانی که نسبت به یک پایگاه "اطلاعات" دارند، طبق یک برنامه مشخص خبر سلامتی خود را مستمرا به اطلاع افراد پایگاه برسانند. هرگونه اخلال در مساله‌ی اطلاع خبر سلامتی ناچار به تخلیه‌ی پایگاه منجر خواهد شد و این مساله‌ایست که انرژی بسیاری را بخود اختصاص خواهد داد. از اینرو لازم است که جهت حفظ سلامت پایگاهها و ایجاد امکان مستمر استفاده از آنها، حداقل نفرات نسبت به پایگاه استقراری یک تیم، اطلاعات داشته باشند. این موضوع کمک می‌کند تا پیگیری خبر سلامتی آنها حداکثر در طول هر ۲۴ ساعت یک بار نیز امکانپذیر باشد. اصل حداقل اطلاعات در مبارزه‌ی مخفی مسلحانه فقط

اطلاعات غیر ضروری شده و آنها را دریافت می‌کنند، باندازه‌ی همان کسانی مسئول هستند که آگاهانه یا بشکل خودبخودی به دادن اطلاعات اضافه اقدام می‌کنند.

سوال ۶: آیا "اطلاعات" فقط به ردهای مستقیم محدود می‌شود؟
جواب: همانطور که گفتیم دانستن آدرس، شماره‌ی تلفن و هرگونه رد مشخص دیگر در رابطه با یک پایگاه، "اطلاعات" محسوب می‌شود.

اما آنچه که بخصوص باید به آن توجه داشت این است که اطلاعات همیشه شامل ردها و

رعایت اصل حداقل اطلاعات و ممانعت از کسب اطلاعات جدید - چه به وسیله‌ی خودمان و چه دیگران - به هیچ وجه دال بر بی‌اعتمادی نیست، بلکه رعایت یک ضابطه و اصل مهم امنیتی است. از اینرو کسانی که حاضر به شنیدن اطلاعات غیر ضروری شده و آنها را دریافت می‌کنند، به اندازه‌ی همان کسانی مسئول هستند که آگاهانه یا به شکل خود بخودی به دادن اطلاعات اضافی اقدام می‌کنند.

مطالب مشخص مثل آدرس و یا شماره‌ی تلفن یک پایگاه نیست. بلکه نکاتی که بطور غیر مستقیم نیز بتواند بدانستن محل یک پایگاه منجر شود، "اطلاعات" محسوب می‌گردد. اطلاعات غیر مستقیم غالباً بطور ناخودآگاه در صحبت‌های بین افراد رد و بدل می‌شود و پس از مدتی ناگهان مشخص می‌گردد یک فرد یا مجموعه‌ی اطلاعات پراکنده‌ای که دریافت کرده عملاً محل پایگاه را شناخته است. اطلاعات غیر مستقیم و پراکنده بسیار متنوع است و چه بسا بنظر می‌رسد که اصلاً هیچ نکته‌ی اطلاعاتی در آنها وجود ندارد. شاید هر کدام از آنها نیز به تنهایی "اطلاعات" محسوب نشوند ولی جمع شدن تعدادی از آنها معمولاً یکدیگر را تکمیل کرده و با گاهی کامل از محل یک پایگاه منجر می‌شود. مثلاً دانستن اینکه صاحبخانه‌ی یک پایگاه چه شغلی دارد، خیلی مهم نیست. ولی در صورتی که مشخص شود در فلان اداره‌ی دولتی کار می‌کند و منزلش در یک خیابان یک طرفه واقع است و همینطور سن او،

مربوط به کسب اطلاع از محل پایگاه افراد نیست، بلکه به تمام مسائل و مطالب دیگر نیز تعمیم دارد. بطور کلی می‌توان گفت که دادن یا گرفتن هرگونه اطلاعات اعم از محل پایگاه مواضع و وظایف افراد، تعداد نفرات و... فقط در صورتی مجاز است که "ضرورت" داشته باشد. یعنی پیشرفت کار مشروط و منوط به کسب اطلاعات جدید بشود. در این رابطه بهیچ عنوان نباید ساده‌گزینی کرد و صرفاً برای ایجاد سرعت در کارها به دیگران اطلاعات غیر ضروری داد و یا خود اطلاعات جدیدی کسب کرد. تجربه نشان داده است که با مقداری کار فکری و برخورد پیچیده و پذیرش سختی و مشکلات با زهم بیشتر، می‌توان مسائل را بنحوی حل کرد که منجر با افزایش اطلاعات افراد نشود. رعایت اصل حداقل اطلاعات و ممانعت از کسب اطلاعات جدید - چه بوسیله‌ی خودمان و چه دیگران - بهیچ وجه دال بر بی‌اعتمادی نیست، بلکه رعایت یک ضابطه و اصل مهم امنیتی است. از اینرو کسانی که حاضر به شنیدن

آنچه باقی می‌ماند، ارتباطات اعضای تیم برای انجام وظایف محوله می‌باشد.

برای اینکه ارتباطات ضروری قطع نشود، لازم است که تمام شقوق و احتمالاتی که ممکن است بقطع ارتباط منجر شود، پیش‌بینی شده و مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام پاسخ و راه حل مشخص و مطمئنی ارائه گردد.

مثلاً اگر ۲ نفر از طریق قرارهای خیابانی با یکدیگر تماس برقرار می‌کنند، باید پیش‌بینی کنند که اگر یک نفر نتوانست بموقع سرقرار حاضر شود، یا منطقه مشکوک بود و یا بدلیل انجام عملیات در حوالی محل قرار بار نظامی منطقه بالا رفته بود، ارتباط چه می‌شود؟ همچنین اگر ارتباط بین دو نفر از طریق تلفن برقرار می‌شود در صورت خراب شدن تلفن و یا ایجاد مسائل و موارد امنیتی برای محل تلفن، ارتباط چگونه حفظ می‌شود؟ بهمین ترتیب اگر محل ملاقات ۲ نفر، یک پایگاه مشترک می‌باشد، در شرایطی که مسایل امنیتی برای آن ایجاد می‌شود و یا علامت خطر آن زده می‌شود، ارتباط و تماس چگونه ادامه می‌یابد؟ همچنین اگر در فاصله‌ی بین دو ملاقات، ارتباط گرفتن ضرورت پیدا کرد، از چه طریق امکانپذیر است و یا اگر یک نفر دستگیر و یا شهید شد ارتباط افرادی که به او وصل هستند چه می‌شود و چگونه حفظ می‌گردد و یا اگر... به این ترتیب باید احتمالات و شقوق مختلف قطع ارتباط، مورد بررسی قرار گیرد و برای هر کدام پاسخ معینی که حتی المقدور منجر به افزایش اطلاعات نگردد مشخص گردد. این کار مستلزم صرف انرژی و وقت مکفی و شاید بحث‌های مفصل، طولانی و مستمر باشد. و اعضای تیم‌ها

ارتباطات، کهنه شده و کارآیی خود را از دست می‌دهند. بعضی از آنها برای دشمن ساخته می‌شوند و یا دشمن با تمرکز نیروهایش یک نوع از ارتباطات را تحت کنترل ویژه قرار می‌دهد. در چنین شرایطی باید با دینامیزم و تحرک و پیش‌بینی‌های لازم، شیوه‌های جدیدتری برای ارتباطات اتخاذ نمود. هر تاکتیک، عمر مشخصی دارد و در جازدن در یک شیوه‌ی ثابت از برقراری ارتباط و استفاده مستمر و طولانی از آن و همزمان با شرایط به جلو نرفتن، مسلماً بضرر منجر خواهد شد. دینامیزم در ارتباطات را تا آنجا باید پیش برد که حتی برای قطع ارتباطات مقطعی نیز آمادگی داشت. مثلاً در شرایطی که برای برقراری یک ارتباط، اطلاعات لازم از سلامتی طرف مقابل وجود ندارد، باید آگاهانه از گرفتن هر نوع تماس مشکوک خودداری کرد و آگاهانه قطع ارتباط را پذیرفت. برای چنین شرایطی لازم است که پیش‌بینی شیوه‌های درازمدت برقراری مجدد ارتباط حتماً شده باشد. تجربه نشان داده است که بدلیل عدم پیش‌بینی شرایط قطع ارتباط و طبعاً عدم کسب آمادگی‌های لازم، افراد ناچار شده‌اند خود را به آب و آتش زده و به برقراری تماس‌های کاملاً مشکوک نیز اقدام نمایند. از همین طریق نیز تاکنون رزمندگان مجاهد ضربات متعددی دریافت کرده‌اند. در صورتی که اگر پیش‌بینی‌های لازم برای شرایط قطع ارتباط می‌شد، سرانجام رابطه‌ی آنها بگونه‌ای دیگر وصل می‌گردید و آنها ناچار نبودند خطرات و مشکلات زیادی را به منظور حفظ ارتباطات متحمل شوند. با توجه به توضیحات

تعداد فرزندان و مشخصات ظاهری خانه نیز بطور ناخودآگاه در بین صحبت‌ها گفته شود، مجموعاً تفاوت کیفی با دانستن آدرس مستقیم پایگاه ندارد. بنابراین لازم است که در صحبت‌ها اطلاعات پراکنده و بظاهر غیر مهم گفته نشود. برای کنترل بیشتر می‌توان پس از هر مدتی از افراد خواست که اطلاعات متفرقه‌ای را که از یک محل بدست آورده‌اند، نوشته و به مسئول پایگاه ارائه دهند. مسئول مربوطه نیز با جمع‌بندی و بررسی نوشته‌ها مشخص کند که آیا با آن مجموعه‌ی اطلاعات می‌توان به پایگاه دسترسی پیدا کرد یا نه. در صورتی که جواب مثبت بود، لازم است که افراد مستقر در پایگاه، مستمرا از سلامت فرد مذکور اطلاع داشته باشند. باین ترتیب اطلاعات افراد مختلف در یک پایگاه مستمرا مورد بررسی و کنترل قرار می‌گیرد و افراد مستقر در آنجا اشراف لازم را نسبت به وضعیت اطلاعاتی پایگاه خود پیدا می‌نمایند.

سوال ۷: مفهوم حفظ و برقراری ارتباطات ضروری چیست؟

جواب: تیم برای اجرای کارها و وظایف خود نیاز به یک سری ارتباطات ضروری دارد که بهیچ عنوان نباید قطع شود. در صورت قطع این ارتباطات، تیم ناچار است برای ادامه‌ی

وظائفش، کار درجه‌ی اول خود را وصل مجدد روابط قطع شده، قرار دهد. ضروری‌ترین ارتباطات یک تیم، روابط اعضای تیم با یکدیگر و سپس رابطه‌ی آنها با مسئول بالاتر بمنظور گرفتن خطوط و برنامه‌ی کار و دیگر آموزش‌های لازم می‌باشد ولی در شرایطی که خط کار مشخص باشد و یا از طرق دیگر منجمله رادیو و نشریه امکان دریافت آنها وجود داشته باشد، ضرورت تماس مستمر با بالا نیز کاهش می‌یابد.

باید با درک اهمیت ارتباطات بهای کافی برای آن قائل شده و با پیدا کردن سیستم‌های متعدد "زاپاس" ارتباطات ضروری خود را محفوظ نگاه دارند.

سوال ۸: "دینامیزم و تحرک در ارتباطات" چه مفهومی دارد؟
ج: پیدا کردن شیوه‌های جدید و ابتکاری و تغییر مستمر تاکتیک‌های برقراری ارتباطات، لازمه‌ی یک سیستم پویا، متحرک و زنده است. زیرا شرایط، مستمرا تغییر می‌کند و تاکتیک‌های

فوق، کلیه افراد موظف هستند که در جهت تغییر مستمر تاکتیک‌های ارتباط و کسب دینامیزم کافی اقدام نمایند. در ضمن باید توجه داشت که حد و اندازه‌ی ارتباطات، متناسب با محتوای کار و ضرورت‌های آن نیز کم و زیاد می‌شود. مثلاً اگر در حال تدارک برای عملیات هستیم، به یک مقدار معین از ارتباطات نیاز هست ولی در شرایط اجرای عمل نظامی بار ارتباطات بالا خواهد بقیه در صفحه‌ی ۱۴

مصاحبه برادر مجاهد مسعود رجوی با مجله "کل العرب"



متن گزارش "کل العرب" را که خبرنگاران آن همراه با تعدادی دیگر از خبرنگاران عربی با برادر مجاهد مسعود رجوی بدنیال ملاقات نایب نخست‌وزیر عراق با برادر مجاهدان مصاحبه کرده‌اند، ذیلاً ملاحظه می‌کنید. توضیحات مندرج در مجله مختصری کوتاه شده است:

کشتار مردم لبنان و فلسطین با نفت او پرمی‌گردد؟

— ولی شما از موقع آمدنتان

به پاریس گفته‌اید که بزودی به

تهران باز خواهید گشت؛ حال

آنکه نزدیک یکسال ونیم است که

شما در اینجا بسر می‌برید و

رژیم هنوز برقرار است؟ این امر

را چگونه تفسیر می‌کنید؟

* بقای حاکمیت (و سقوط

نکردن) خمینی به دو امر برمی—

گردد: اختناق (غیرقابل تصور)

داخلی و جنگ با عراق (و

کمکهای خارجی). رژیم از نظر

مردمی سقوط کرده و مجبور به

ادامه و افزایش سرکوب و اختناق

برای طولانی نمودن عمر خود

است. ولی این سرکوب

نمی‌تواند ادامه یابد و در نتیجه

اگر جبهه‌ی جنگ عراق و ایران

شعله‌ور نباشد رژیم مشکل بتواند

باقی بماند. در اینجا نقش

مجاهدین مطرح می‌شود که با

مقاومت داخلی خود سعی در

نابودی نهادهای سرکوبگر رژیم

نموده و با خون خود پیوسته

بهای آن را می‌پردازند. رهبری

رژیم به از بین رفتن سه‌هزار عنصر

سرکوبگر، منجمله عناصر رهبری

کننده‌اش اعتراف نموده‌است.

یکسال پس از آغاز مقاومت،

مرحله‌ی اول آن در ژوئن گذشته

پایان یافته‌است. در این مرحله

پنج هدف مشخص تحقق یافته و

عبارتند از:

اول: افشای چهره‌ی حقیقی

خمینی به عنوان طغیانگری مستبد

دوم: از بین رفتن مشروعیت و

آینده‌ی خمینی، سوم: به‌لرزه

درآوردن رژیم پس از نابودی

۶۰ درصد از عناصر رهبری کننده‌ی

آن، بطوریکه در برابرش هیچ

چشم‌اندازی جز بالابردن

سرکوب قرار ندارد. چهارم:

تثبیت نظامی مجاهدین پس از

آنکه قبلاً در سطح اجتماعی و

سیاسی پروسه‌ی تثبیت خود را

بپایان رسانده‌بودند. پنجم:

معرفی نمودن آلترناتیو دمکراتیک

یعنی شورای ملی مقاومت. از

ژوئن ۱۹۸۲ مرحله‌ی استراتژیک

دوم مبارزه جهت سرنگونی رژیم

بقیه در صفحه‌ی ۱۶

ستون پنجم در حالیکه جنگ

ادامه دارد قرار نمی‌گیرد؟

* (حرف من را قطع کرده

با تبسم گفت): اخیراً عده‌ی

دیگری نیز در این مورد، احتیاط

(وغمخواری) شان را به من ابراز

داشتند. به آنها جواب دادم

آینده‌ی من بخشی از آینده‌ی

مجاهدین است. من فرزند این

جنبش انقلابی هستم. مردم

ایران می‌دانند که خمینی و

مجاهدین که هستند. این مردم

و تمام جهان شاهد فداکاریهای

مجاهدین در برابر حاکمیت

شاهنشاهی و طغیانگری خمینی

بوده و هستند. امروز ما به

مردمان دست آوردی را که

می‌تواند در پایان دادن به

جنگ عراق و ایران نقش داشته

باشد، تقدیم می‌نمائیم تا

(بالمال) مردم ایران از این

حکومت جاهلان خلاص شوند.

— آیا پرزیدنت بنی‌صدر نیز

از جمله دوستانی بوده که به شما

در مورد دیدار با عراقیها

هشدار داده‌است؟

* نه

(سپس رجوی از من پرسید:)

بنظر شما چه کسی مانع صلح

است؟

— آنکس که در این جنگ

منافعی دارد.

* (او — رجوی — به تند

گفت:) خمینی خواهان پایان

دادن به جنگ نیست. پرزیدنت

بنی‌صدر شاهد است که در ماه

سوم سال ۱۹۸۱ شرایط مناسب

برای تحقق صلح شرافتمندانه

کاملاً آماده شده بود ولی خمینی

آنرا رد کرده بوده‌است.

— کشورهای غیرمتعهد، کشورهای

کنگره اسلامی، سازمان ملل و

کشورهای دیگری چون الجزایر به

کوششهایی جهت برقراری صلح

پرداختند، ولی خمینی که

خواستار برقراری جمهوری

اسلامی از نوع جمهوری خودش

در عراق است، کلیه‌ی این

کوششها را به شکست کشانده

است. تهمت "ستون پنجم" به

مجاهدین نمی‌چسبد، آنها

بایستی از خمینی بپرسند که چرا

تانکها و هواپیماهای شارون برای



رجوی: نحن في مرحلة مقاومة القمع

و خطری که ممکن است برای منطقه پدید آورد، پرداخته و درک این موضوع را از سوی رژیم زیر سوال می‌برد.

او (رجوی) یک نسخه از

بیانیه‌ی مشترک را که پس

از دیدار با طارق عزیز

معاون نخست وزیر عراق

به هنگام دیدارش از پاریس

در اوائل ماه جاری

صادر شده بود به من نشان

داده و گفت: آیا این را

خوانده‌اید؟

— بله

* این امر (درهم شکستن

سیاست جنگ طلبانه‌ی خمینی)

مرا بیش از هر وقت دیگر خوشبین

می‌کند.

— از صحبتتان چنین فهمیده

می‌شود که به بغداد

می‌روید؟

* هنگامیکه شرایط اجازه

دهد...

— ولی آیا این نزدیکی با

عراقیها مورد بهره‌برداری رژیم

ایران و متهم نمودن شما به

هستند، متمرکز نموده‌اند. منابع رجوی می‌گویند که (سازمان مجاهدین) هزارتن از پاسداران انقلاب را در نیمه دوم سال گذشته به هلاکت رسانده

است. همچنین او می‌گوید

مرحله‌ی قیام عمومی

پس از آنکه مردم بر ضد

رژیم به حرکت درآیند

فراخواهد رسید.

رجوی مخالف با جنگ

است و ایمان دارد که ایجاد

روابط سالم با عراق بر

اساس حسن همجواری و

عدم دخالت در امور یکدیگر

و احترام به حاکمیت

و تمامیت ارضی خواهد بود

و این امر زیربنای مناسب

برای حل شرافتمندانه

و عادلانه‌ی جنگی است

که در هر خانسه‌ی ایرانی

باعث اندوه و خون گردیده

است.

بعد از این مقدمات، او به

احتمال شروع جنگ داخلی و

شرکت ابرقدرتها در این جنگ

این مجله ابتدا تحت عنوان "رژیم، سقوط نموده ولی به پایان راه بن‌بست رسیده‌است"

به تحلیل شرایط ایران

پرداخته است. در این

تحلیل به مخالفت شدید

طبقه‌ی متوسط که نماینده‌ی

آن بزعم نویسنده‌ی مقاله

بازرگان است اشاره کرده

و بخشی از نامه‌ی او را به

هاشمی رفسنجانی نقل

نموده‌است. سپس به مساله‌ی

حقوق بشر و نقض آن و جانسینی

خمینی پرداخته و می‌نویسد:

"مجاهدین خلق

ضربات شدیدی که بدنه‌ی

سازمان مخفی آنان را

هدف قرار داده بود،

تحمل نموده‌اند ولی آنها

نیز توانستند مشروعیت رژیم را

از بین ببرند و در این مرحله

آنها (مجاهدین) می‌گویند که

ضربات خود را بر سیستم

سرکوب، یعنی سپاه پاسداران و

سایر نهادهای رژیم که مسبب

"تروریسم رسمی" بر علیه مردم

سؤال روزنامه عربی زبان "الوطن" از برادر مجاهد مسعود رجوی

الوطن

۱۰۰ فلس

۲۴ صفحه

التین ۱۹ ربيع اول ۱۴۰۳ هـ يناير ۱۹۸۲ العدد ۲۸۲۱ السنة ۲۱

این روزنامه به مناسبت سال جدید مصاحبه‌هایی با شخصیت‌های مختلف عربی و ایرانی انجام داده، تا نقطه‌نظرات آنها را در مورد مسائل خاورمیانه، جنگ ایران و عراق و مسائل داخلی ایران منعکس نماید.



• مسعود رجوی

سؤال "الوطن" اینست: در سال ۱۹۸۳ انتظار چه جنگ و یا صلحی در خاورمیانه دارید؟ مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق ایران و رئیس شورای ملی مقاومت ایران می‌گوید: با پیش‌بینی آینده‌ی سال ۱۹۸۳، مسالهی صلح در منطقه کاملاً روشن بنظر نمی‌آید. زیرا عواملی که باعث شعله‌ور شدن بحرانها و جنگها شده‌اند همچنان وجود دارند. در غرب منطقه‌ی خاورمیانه با مشکل لبنان و فلسطین روبرو هستیم که پس از تجاوز اخیر اسرائیل تشنج بیشتری یافته و می‌رود که به مرکز دائمی و فعال تنش، تحول یابد و این وضع تا وقتی که مردم فلسطین به حقوق مشروع خود نرسند و لبنان بطور کامل از نیروهای صهیونیستی تخلیه نگردد، ادامه خواهد یافت. همچنین در شرق این منطقه با بحران اساسی که جنگ ایران و عراق است روبرو هستیم. این جنگ تا وقتی که خمینی در قدرت است، انتظار می‌رود ادامه یابد. مساله در اینجا، بحرانی است که وبای رژیم کنونی ایران و دشمنی‌اش با کشورهای دیگر منطقه بوجود آورده و صلح و استقرار در منطقه را بخطر انداخته است. بطور مثال جنگ ایران و عراق باعث انشعاب و بحران در قلب سازمان اوپک شده است. عدم احترام رژیم ایران به مصوبات اوپک، منافع کشورهای نفتی منطقه را مورد تهدید قرار داده است و این تهدید نیز ادامه خواهد یافت. کافیت در اینجا به آنچه که هفت تن از متخصصین برجسته‌ی امور نفتی مطرح نموده‌اند اشاره‌ی ناگفته که دوتن از این متخصصین قبلاً دبیر کل سازمان اوپک بوده‌اند. آنها در اظهارات خود که بطور وسیع در اروپا منتشر شد، گفته‌اند که کم شدن هر دلار از قیمت هر بشکه، سالانه ۷/۵ میلیارد دلار به کشورهای اوپک ضرر زده است.

است این امر به اختلاف جدید و خطرناکی بینجامد. بدین ترتیب، آینده‌ی صلح، روشن نیست مگر آنکه کلیه‌ی کشورهای مسئول در منطقه به راه‌حل‌های سریعی، چه برای پایان دادن به جنگ ایران و عراق و چه برای بازگرداندن حقوق مشروع مردم فلسطین و لبنان به آنها، دست یابند. اینها یک پاسخ کلی بود؛ ولی بهتر است مفصلاً به سوال شما که معتمد با یکدیگر ارتباط دارد، پاسخ گویم. در ابتدا می‌خواهم اشاره بکنم که پیش‌بینی تحولات آینده ضرورتاً به وضع کنونی منطقه باز می‌گردد. وضعی که با مشکلات کشور من و جنگ ایران و عراق متمایز می‌گردد. جنگ ایران و عراق برای ما به منزله‌ی میزان الحراره‌یست که نمی‌توان آنرا نادیده گرفت. در این چهارچوب، تحولات سیاسی در آینده‌ی منطقه اساساً بر موقعیت استراتژیک ایران و جنگش با عراق - که در منطقه‌ی نفتی جریان دارد - و تأثیرات این امر، بر کشورهای منطقه تکیه دارد. روشن است رویدادهایی که در منطقه در دو سال گذشته و بخصوص سال قبل، پیش آمده‌اند این امر را قبلاً ثابت کرده است. در این رابطه در نامه‌ای که به روسای جمهور کشورهای پایداری نوشته شده بود هشدار داده و در آن از نقش این جنگ و آثار آن در جهان عرب و مشکل لبنان و فلسطین مفصلاً صحبت کرده

بگین به لبنان آماده می‌کند. امروز پس از آنچه که در طول امسال روی داده است، تعداد کسانی که از ابتدا بروشنی هموائی اعمال رژیم ایران و بگین را نمی‌فهمیدند، کمتر از گذشته است. رژیم ایران پس از شروع حمله‌ی ارتش اسرائیل به لبنان، درها را بروی هر کوششی در جهت تحقق صلح، مسدود کرد. خمینی اعلام داشت که: "قبل از رفتن بسمت اسرائیل باید به کربلا حمله کنیم." چه کسی این ادعاها را باور می‌کند؟ چگونه ممکن است پس از حمله به بغداد و عمان، خمینی بر ضد اسرائیل پیش رود؟! روشن است که فقط بگین و شارون کسانی بودند که از این اظهار نظرها خوشحال شدند. تازه اینها علاوه بر افتضاح خرید اسلحه توسط رژیم ایران از بگین می‌باشد. و عجیب‌تر از این، فروش نفت به اسرائیل به قیمت‌های خیلی نازل می‌باشد. این رژیم ممکن نیست بر ضد ذات خودش عمل کند. آری همچنانکه در گذشته بوده، در آینده نیز تأثیر آن از طریق جنگ ایران و عراق بر تشنجات لبنان و انقلاب فلسطین و وحدت جهان عرب و بحران نفت، ادامه خواهد یافت. به اعتقاد من تا زمانی که خمینی زنده است، توسعه‌طلبی‌هایش را جهت تاسیس امپراطوری ارتجاعی تحت نام اسلام ادامه خواهد داد. بهمین جهت او

در حقیقت کلید پایان جنگ پس از عقب نشینی عراق و قبول نمودن مرزهای بین‌المللی در قرارداد ۱۹۷۵ دیگر دست رژیم کنونی ایران نیست، بلکه بدست آلترناتیو دمکراتیکی در سطح ملی است که توسط شورای ملی مقاومت نمایندگی می‌شود و صلح را در صدر برنامه‌ی خود قرار داده است. در مورد سیاست‌های محافظه‌کارانه‌ای که بعضی از رژیم‌های عربی در آنجا اتخاذ نموده‌اند باید در اینجا تأکید کنم که نقطه‌نظرهایی که معتقد است پرداخت غرامت به خمینی به آرام کردن گرایش‌های خصمانه‌ی او می‌انجامد، کاملاً غلط است.

صلح و برادری بخود نخواهد دید. این وضعیت به ماهیت فاسد و ارتجاعی این رژیم که قادر به اداره‌ی اوضاع اقتصادی - اجتماعی رو به اضمحلال خود نیست، مربوط می‌گردد. این رژیم قادر به پیشرفت، تکامل و رشد نبوده و نمی‌تواند زندگی کند؛ مگر در جوی پر از بحران و ماجراجویی. امر جدیدی که نشان دهنده‌ی ابعاد نوینی از سیاست خصمانه‌ی رژیم است در اظهار نظرهای نخست‌وزیر ایران که علناً کویت را به "مجازات به علت مواضع شیطانیش" تهدید نمود، می‌باشد. بعد از آن خبر انفجار بمبی در برابر ساختمان (سفارت) کویت در یونان را شنیدیم. همچنین برپائی پایگاه‌های نظامی به هدف سرنگون کردن رژیم عراق تحت نام "مجلس اعلاي انقلاب اسلامي عراق" و بیش از آن اینکه منتظری که پس از خمینی قدرت مذهبی را بدست دارد خودش امر صدور تروریست‌ها بخصوص به کشورهای عربی و اسلامی را بعهده دارد و خبرهایی به ما رسیده که نشان می‌دهد او مشخصاً بریک اردوگاه جنگی که اخیراً در جنوب غربی ایران برای این امر ایجاد شده و مبالغ زیاد و پاسپورت‌های جعلی بسیاری در اختیار آن گذارده شده، نظارت می‌نماید. بنابراین چطور ممکن است کسی در چنین جوی آرزوی صلح در منطقه را با وجود این رژیم ارتجاعی و غیر مسئول، عملی بداند. در حقیقت کلید پایان جنگ پس از عقب نشینی عراق و قبول نمودن مرزهای بین‌المللی در قرارداد ۱۹۷۵ دیگر دست رژیم کنونی ایران نیست، بلکه بدست آلترناتیو دمکراتیکی در سطح ملی است که توسط شورای ملی مقاومت نمایندگی می‌شود. و صلح را در صدر برنامه‌ی خود قرار داده است. در مورد سیاست‌های محافظه‌کارانه‌ای که بعضی از رژیم‌های عربی در آنجا اتخاذ نموده‌اند باید در اینجا تأکید کنم که نقطه‌نظرهایی که معتقد است پرداخت غرامت به خمینی به آرام کردن گرایش‌های خصمانه‌ی او می‌انجامد، کاملاً غلط است؛ بلکه برعکس، خمینی از آن در داخل ایران برای توجیه خود و تقویت حاکمیتش استفاده می‌کند. در

دائماً احتیاج به بحران و جنگ دارد، برای آنکه قبل از هر چیز بحران‌های داخلی‌اش را بیوشاند. شیوه‌ی ماجراجویی و بحران زائی سیاست خصمانه‌ی رژیم ایران را نباید پدیده‌ای زودگذر تلقی نمود، بلکه این امر تا وقتی رژیم موجود است ادامه خواهد یافت و در نتیجه، این منطقه (تا وقتی رژیم خمینی سقوط نکرده)

بودم. در این نامه تأکید شده بود که برنده‌ی حقیقی در رابطه با سیاست خصمانه‌ی رژیم کنونی ایران در منطقه اسرائیل خواهد بود و بغیر از مردم ایران و عراق که در این جنگ قربانی می‌شوند، خلق فلسطین نیز بهای گزافی پرداخت خواهند کرد. همچنین از موقع آمدن به پاریس مکرراً هشدار داده بودم که این جنگ، زمینه را برای حمله‌ی

بحران اوپک شده؛ بطوری که توازن اجتماعی - اقتصادی منطقه را در اثر خساراتی که به منافع کشورهای عربی و ایران وارد آورده، مورد تهدید قرار داده است و این کشورهای را به بازگشت به دوران قبل از بوجود آمدن سازمان اوپک تهدید می‌کند. انتظار می‌رود تکامل اقتصادی - اجتماعی کشورهای ذینفع، ضربات شدیدی خورده و ممکن

مصاحبه مجله "کل العرب" با...

بقیه/صفحه ۱۴

آغاز گردید. مسعود رجوی این مرحله را به تفصیل شرح داده و می‌گوید هدف مرحله دوم "شکستن شبکه"ی سرکوب و آماده نمودن مردم جهت مرحله آینده می‌باشد. ولی رژیم خمینی از ادامه جنگ برای توجیه سرکوب اجتماعی، سیاسی اقتصادی که بر مردم تحمیل نموده سود برده، میهن پرستان ارتش را در مرزها مشغول نگه داشته، تضادهای داخلی را پوشانده و سعی دارد سپاه پاسداران را به ارتش جدیدی تبدیل کند.

این امور، "مجاهدین" را برآن داشته تا این استراتژی رژیم را با ایجاد شکاف در جبهه جنگ افروزان خارجی و برقراری زیربنای روابط آینده سالم بین عراق و ایران، پاسخ گویند. این بخشی از طرح جایگزینی است که شورای ملی مقاومت برای مردم ایران مطرح نموده است و این بهانه‌ی اساسی را از رژیم می‌گیرد.

رهبر مجاهدین ابعاد مختلف بیانیه‌ی مشترکی را که با طارق عزیز امضاء نموده این چنین جمع بندی می‌کند: "این دیدار و بیانیه‌ای که بدنبال آن صادر گردید، موازنه‌ی سیاسی‌ای را که بعثت سیاست جنگ طلبانه‌ی خمینی برقرار بود، تغییر داده است و به تضادهای درونی رژیم در مورد جنگ دامن خواهد زد. ایران تا بحال حدود ۳۰۰ هزار کشته و مجروح در این جنگ

داده است باضافه نیم میلیون مجروح و معلول و حدود سه میلیون آواره‌ی بی‌پناه و بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار خسارت مادی، یعنی باندازه‌ی ۱۰ سال درآمد نفتی ایران..."

انگاس این امر در درون ارتش و در منطقه چه بوده است؟
* عناصر ملی ارتش بزودی با اقدامات خود بر ضد خمینی خواهند افزود؛ در مورد منطقه ما سنت صلح پایدار بین دو

ملت را در آینده ایجاد نموده‌ایم. با توجه به اینکه این منطقه یکی از حساسترین مناطق جهان است. دستاوردی که با عراقیها به تحقق درآورده‌ایم دارای ابعاد دراز مدت و تاریخی نیز هست که می‌تواند در نجات منطقه از چنگال بازی-گران بین‌المللی مشارکت نموده و امکانات آنرا در جهت رشد اقتصادی و اجتماعی بکار گیرد. رجوی فراموش نمی‌کند اشاره

دست داده‌اند.
- ولی من از اپوزیسیونهای دیگر (سلطنت طلب و غیر سلطنت-طلب) شنیده‌ام که ارتش ایران دست به اقدامی خواهد زد و این امر منفع شما نخواهد بود آیا در این خوش بینی‌تان مبالغه نمی‌کنید؟
* نه دوست من، ما ایدا مبالغه نمی‌کنیم. من معتقدم که شما روزنامه‌ها را خوانده و تعداد

روبه افزایش افراد نیروهای مسلح را، که مجاهدین را تأیید نموده و به آنها و به شورای ملی مقاومت پیوسته‌اند، ملاحظه نموده‌اید. همچنین تعداد دیپلماتهایی که پستهای خود را

نمایند که اعلامیه‌ی ایران و عراق صادره در حومه‌ی پاریس در بالابردن الترنا تیو دمکراتیک رژیم خمینی از نظر داخلی و خارجی نقش داشته، بطوریکه بقیه‌ی الترنا تیوها شانس خود را از



ترک کرده و بما پیوسته‌اند. حتی روزنامه‌های خارجی، اینها را منعکس کرده‌اند. بیاد می‌آورید که در اولین مصاحبه‌ای که پس از آمدن به پاریس انجام دادم، گفتم که در کوتاه مدت، امکان کودتای ارتشی اصلا وجود ندارد. بدنه‌ی ارتش به نسبت آنچه که در زمان شاه بوده کاملاً تغییر کرده است.

سؤال روزنامه عربی زبان "الوطن" از...

همچنانکه ابوعمار در گذشته گفته است: "این ضربات، ضرباتی هستند که گم‌م را نشکسته و مرا نمی‌کشند بلکه زنده‌ام می‌کنند" هم اکنون انقلاب فلسطین دست آورده‌های سیاسی فوق العاده مهمی بدست آورده است. آنها بخوبی مقاومت کرده‌اند، تمام جهان و بخصوص اروپا این امر را فهمیده و واقعیت آرمان فلسطین و سازمان آزادی بخش فلسطین را برسمیت شناخته‌اند. در جریان آنچه که در این سال در لبنان فلسطین اتفاق افتاد برای همه روشن است که رژیم ایران نه تنها به توسعه‌ی جنگ ایران و عراق پرداخته بلکه به تجاوز سیاسی و عملی بر ضد انقلاب فلسطین پرداخته و بار دیگر همدستی خود را با بگین ثابت نموده

است. رهبران فلسطین نقش منفی و ادعاهای احمقانه و غیر جدی رژیم کنونی ایران را محکوم کرده و کم و بیش مورد انتقاد قرار داده‌اند. آنچه که می‌توان در مورد آینده‌ی آرمان فلسطین انتظار داشت، امری است که وابسته به وحدت و همکاری کشورهای عربی با مقاومت فلسطین و سرنوشت جنگ ایران و عراق می‌باشد. این دو مساله بدون شک بر آینده‌ی منطقه بطور کلی تأثیر خواهند داشت و آرزو می‌کنم با روشن نگری رهبران فلسطین و وحدت جهان عرب، آنها در سال جدید پیروزی‌های جدیدی برای خلق فلسطین بدست آورند.

باز هم اعدام در انظار عمومی مردم

هرچند رژیم جنایت‌پیشه‌ی خمینی با توسل به چنین شیوه‌ی هائی قصد ایجاد وحشت در میان مردم را دارد ولی از آنجا که می‌دانند چنین وحشی‌گری‌هایی جز به نفرت و انزجار خلق از رژیم نمی‌افزاید، از خشم و عصیان احتمالی مردم نیز بشدت وحشت دارد.

لازم به توضیح است که مجاهد شهید محمد پورا براهیمی برادر مجاهد شهید مقدس خلق علی پورا براهیمی است که اوایل سال جاری در جریان اعدام انقلابی احسانبخش جنایتکار نماینده‌ی قدرتمند خمینی در گیلان از طریق عملیات مقدس انتخاری به شهادت رسید.

ساعت ۹/۱۰ دقیقه‌ی صبح روز پنجشنبه پنجم اسفندماه جاری مجاهد خلق محمد پورا-ابراهیمی بدست دژخیمان خمینی خون‌آشام در میدان فرهنگ رشت و در میان بهت و حیرت و انزجار مردم رشت به شهادت رسید. پاسداران مزدور و سایر عوامل اختناق خمینی از یک روز قبل در مساجد و مراکز انجمن‌های ضد اسلامی به تبلیغ پیرامون این جنایت رژیم که قرار بود روز بعد انجام گیرد، پرداخته بودند، در روز حادثه با بستن خیابان‌های اطراف میدان و ایجاد حکومت نظامی، سعی در کنترل شهر داشتند، چرا که

آموزشهای ویژه تیم‌ها و هسته‌های مقاومت مسلحانه (۱)

بقیه از صفحه ۱۳

ارتباطات

رفت و پس از اجرای عمل تا کسب آمادگی برای عمل بعدی، اکت قابل ملاحظه‌ای پیدا خواهد کرد. تصور این مساله که میزان ارتباطات باید همیشه در یک حد ثابت باقی بماند، غلط است و ناقض اصل دینامیزم در ارتباطات می‌باشد. بنابراین همانطور که برای تغییر تاکتیک ارتباطات باید آمادگی‌های لازم را داشت، جهت ازدیاد و یا تقلیل ارتباطات و مدت آن نیز باید آمادگی داشت. همچنین لازم است که برای قطع ارتباطات مقطعی و "فعالیت مستقل" نیز پیش‌بینی‌های لازم شده باشد. داشتن آمادگی‌های کافی ذهنی برای برخورد با چنین مسائلی کمک بسیار زیادی خواهد کرد.

سوال ۹: علامت سلامتی و علامت خطر در سیستم ارتباطاتی چیست و چه نقشی دارد؟

جواب: قبل از برقراری هرگونه تماس لازم است که از سلامتی طرف مقابل، اطلاع حاصل کرد و آنگاه ارتباط را برقرار نمود. علامت سلامتی و علامت خطر در رابطه با انواع تماس‌ها - که در شرایط کنونی عمدتاً از طریق قرارهای خیابانی تماس تلفنی و یا مراجعه به یک پایگاه است - مصداق دارد و باید در رابطه با تمام آنها رعایت گردد.

مثلاً وقتی می‌خواهیم به یک پایگاه مراجعه کنیم اولاً لازم است که از منطقه‌های خارج از پایگاه و از طریق تلفن، از سلامتی پایگاه مطمئن شویم. در صورتی که تلفن وجود نداشته باشد، می‌توان با ایجاد یک تغییر مشخص و عادی در نمای ظاهری پایگاه، سلامت بودن آن را مشخص کرد. و پس از اطمینان از سلامت پایگاه به آنجا مراجعه کرد و زنگ درب را با رمز مشخص بصدا درآورد و وارد پایگاه شد. در رابطه با تماس‌های تلفنی نیز می‌توان با تعیین کلمات و جملات خاصی که بیان آنها در پشت تلفن، عادی است، سلامتی و یا خطر را اطلاع داد. برای اجرای قرارهای خیابانی هم باید با تعیین سیستم‌های مناسب، سلامت طرف مقابل را دریافت کرد. بخصوص در شرایطی که می‌خواهیم برای اولین بار با فردی که او را نمی‌شناسیم، قرار اجرا کنیم.

به همین ترتیب در کنار هر علامت سلامتی، علامت خطر را نیز باید تعیین کرد. بعنوان مثال برای بیان خطرات مشخص

یک پایگاه، از قبیل مشکوک بودن منطقه و یا عدم اطلاع از سلامت دیگر افرادی که محل پایگاه را می‌شناسند، از طریق تلفن می‌توان جملات یا کلماتی را تعیین کرد که هرکدام مفهوم خاصی برای طرف مقابل داشته باشد.

سیستم علامت سلامتی و علامت خطر، موارد استفاده‌ی دیگری نیز دارد. مثلاً زمانی که برای فردی خطری پیش می‌آید و معلوم نیست که دستگیر شده و یا شهید شده و یا ... لازم است که کلیه‌ی اطلاعات اوتوسط افراد دیگر پاک شود. برای این کار می‌توان از علامت‌ها و رمزهای خطر استفاده کرد و در اسرع وقت کلیه‌ی کسانی را که بنحوی تحت پوشش اطلاعات نفر دستگیر شده قرار دارند از موضوع آگاه کرده تا اقدامات مقتضی را بعمل آورند. هرسystemی که بتواند در حداقل زمان سلامتی و یا خطرات یک قسمت را به کل سیستم اطلاع دهد، از ارتباطات پیچیده‌تر و تکامل یافته‌تری برخوردار است.

اعضای تیم‌ها و هسته‌های نظامی موظفند، همانطور که برای برقراری ارتباطات برنامه‌ریزی می‌کنند، برای دادن و گرفتن

تازه‌کار و پائین‌تر که آشنائی کافی با مساله‌ی ارتباطات ندارند باید هوشیاری و دقت بیشتری اعمال نمایند.

سوال ۱۱ - قرار چیست و مهمترین نکات آن چه می‌باشد؟

جواب: قرار خیابانی یکی از شیوه‌هایی است که افراد جهت ملاقات یکدیگر می‌توانند مورد استفاده قرار دهند. در مورد قرار مختصراً به چند نکته اشاره می‌کنیم و بحث مفصل آنرا به آینده موکول می‌کنیم. اولین نکته در مورد قرار، "زمان" اجرای آن است. بطور کلی زمانی را برای اجرای قرار باید انتخاب کرد که با زمان تردد عمومی مردم در خیابانها هماهنگی بیشتری داشته باشد. این مسئله در نقاط مختلف شهر تفاوت

قانونمندیهای عام ارتباطات در شرایط کنونی، از چه شیوه‌هایی جهت ارتباط می‌توان بیشتر استفاده کرد؟

جواب: اشکال مختلف ارتباط برای شرایط کنونی، علی‌العموم عبارتند از: قرار، ارتباط تلفنی، سرپل تلفنی، جایگاه مشترک و ارتباط مکاتبه‌ای. شیوه‌های فوق برای کسانی که

هرناکتیک، عمر مشخصی دارد و در جازدن دریک شیوه‌ی ثابت از برقراری ارتباط و استفاده مستمر و طولانی از آن و همزمان با شرایط به جلونرفتن، مسلماً به ضربه منجر خواهد شد. دینامیزم در ارتباطات را تا آنجا باید پیش برد که حتی برای قطع ارتباطات مقطعی نیز آمادگی داشت.

در یک مبارزه مسلحانه و مخفی درگیر هستند - اعم از افراد علنی و شناخته‌شده و یا افراد مخفی و شناخته‌شده - بنحو یکسانی قابل استفاده است. اما ارتباطاتی که بین افراد علنی برقرار می‌شود بمراتب ساده‌تر از تماس افراد مخفی با یکدیگر یا با افراد علنی می‌باشد. زیرا تحرک افراد علنی خیلی بیشتر و سهل‌تر از افراد مخفی است. اما این تفاوتها در محتوای بر-

دارد. بعضی مناطق، روزها خلوت هستند در حالیکه برخی دیگر از مناطق ممکنست شبها خلوت باشند ولی علی‌العموم صبحها و عصرها که مردم به محل کاررفته و یا بازمی‌گردند، بار تردد در خیابانها از اوقات دیگر بیشتر است.

دومین نکته، "مکان" قرار است. مکان قرار نیز علی‌العموم بهتر است که شلوغ باشد. می‌توان متناسب با زمان قرار،

اعضای تیم‌ها و هسته‌های نظامی موظفند، همانطور که برای برقراری ارتباطات برنامه‌ریزی می‌کنند، برای دادن و گرفتن علامت سلامتی و خطر و تعیین فاصله‌های زمانی مناسب بین هر بار کسب اطلاع - متناسب با شرایط - نیز برنامه‌ریزی کنند و با گذاردن انرژی و وقت کافی و بررسی شقوق و احتمالات مختلف، سیستم‌های "زاپاس" را نیز برقرار نمایند.

قرار ارتباط تاثیر اساسی نمی‌گذارد. چرا که ارتباطات همه‌ی آنها در بستر یک مبارزه‌ی مخفی و مسلحانه انجام می‌شود و لازم است که قانونمندیهای عام ارتباطات را رعایت کنند. ولی بهرحال دست افراد علنی در رابطه با اشکال برقراری ارتباط کمی بازر است، اما تفاوت کیفی با شیوه‌ی برقراری ارتباط توسط افراد مخفی، ندارد.

بطور کلی می‌توان گفت که شیوه‌های برقراری ارتباط توسط افراد علنی یا مخفی، مبتدی یا با تجربه، یکسان است. اما لازم به تذکر است که چه افراد علنی و چه مخفی در تماس با نیروهای

قرار ارتباط تاثیر اساسی نمی‌گذارد. چرا که ارتباطات همه‌ی آنها در بستر یک مبارزه‌ی مخفی و مسلحانه انجام می‌شود و لازم است که قانونمندیهای عام ارتباطات را رعایت کنند. ولی بهرحال دست افراد علنی در رابطه با اشکال برقراری ارتباط کمی بازر است، اما تفاوت کیفی با شیوه‌ی برقراری ارتباط توسط افراد مخفی، ندارد.

بطور کلی می‌توان گفت که شیوه‌های برقراری ارتباط توسط افراد علنی یا مخفی، مبتدی یا با تجربه، یکسان است. اما لازم به تذکر است که چه افراد علنی و چه مخفی در تماس با نیروهای

به مکانهای عمومی شهر مثل سینما، اداره، بیمارستان، حمام و یک روز به ... افراد باید متناسب با شرایط بهترین مکان را انتخاب کنند.

سومین نکته در مورد اجرای قرار، داشتن سلامتی طرف مقابل بر طبق ضوابط تعیین شده، می‌باشد. نکته‌ی دیگری که در مورد اجرای قرار، لازم است رعایت شود، تسلط و آشنائی کامل افراد به محل قرار است. چراکه در هنگام اجرای قرار، افراد نباید نسبت به محل قرار شک کرده و دچار سردرگمی شوند. در غیر اینصورت نمی‌توانند به راحتی به یکدیگر "چفت" شوند. ساعت اجرای قرار نیز لازم است که بین افراد دقیقاً تعیین و به وضوح بیان شده باشد. هم‌چنین رعایت کامل آن نیز ضروری است. چرا که افراد نباید در محل قرار بیش از حد منتظر بمانند. برای اینکه افراد، زیادتر از حد لازم در خیابان با یکدیگر همراه نباشند، بهتر است پیرامون موضوعاتی که قرار است صحبت شود از قبل فکر کرده و آنها را دسته‌بندی نمود. این کار باعث می‌شود که موضوعات نیز فراموش نشوند.

برای اجرای یک قرار صحیح و کامل می‌توان "چکلیست" زیر را پرنمود و با اطمینان خاطر جهت اجرای قرار از پایگاه خارج شد.

- چکلیست اجرای قرار:**
- ۱ - آیا زمان و مکان قرار کاملاً مشخص است؟
 - ۲ - آیا زمان خروج از منزل را متناسب با فاصله‌ی زمانی پایگاه تا محل قرار تنظیم کرده‌اید؟
 - ۳ - آیا هدف از قرار مشخص است؟
 - ۴ - نسبت به مطالبی که باید گفته شود فکر کرده و آنها را دسته‌بندی نموده‌اید؟
 - ۵ - آیا عادیسازی لازم را رعایت کرده‌اید؟
 - ۶ - در صورتی که غیر مسلح حرکت می‌کنید محل مناسب مشخص کرده‌اید؟

سوال ۱۲: موارد استفاده از تلفن و نقاط ضعف و قوت آن چیست؟

جواب: تلفن یکی از شیوه‌های ارتباط سریع است و کارآئی بسیار زیادی دارد. اما تهدیدات ویژه‌ی خود را که عمدتاً کنترل مخفی تلفن و هم‌چنین مشکلات تلفن‌زدن می‌باشد نیز به‌همراه دارد. با توجه به همین تهدید باید شکل استفاده از تلفن را تنظیم نمود. مثلاً مطالب را در قالب مسائل عادی روزمره بیان کرد. زمان صحبت کردن، کوتاه‌باشد، از گفتن مسائل "اطلاعاتی" جدا

مکانهای مختلفی را انتخاب کرد. مثلاً خیابانهای فرعی، روزها عمدتاً خلوت هستند و فقط صبحها و عصرها کمی شلوغ می‌شوند. در حالیکه در حوالی بازار، تردد مردم در روز به حد اکثر خود می‌رسد. مکان قرار باید به‌گونه‌ای انتخاب شود که حضور افراد در آنجا عادی باشد. ضمناً عادی‌سازیهای لازم از قبیل لباس و تیپ ظاهری متناسب با محل قرار نیز باید رعایت گردد. در مراحل مختلف مبارزه و متناسب با حساسیت دشمن، مکان قرار تفاوت پیدا می‌کند. یک روز از خیابانها به کوچه‌ها منتقل می‌شود، یک روز

اوضاع بحرانی و فلاکت بار اقتصادی رژیم از زبان نخست وزیر

به چه معناست؟ بدین معناست که اگر ظرفیت فروش نفت عربستان به ۴/۵ میلیون بشکه رسیده بازهم به ۱۰ میلیون بشکه می‌رسد تا سهم ایران پائین‌تر آید، خوب در یک بازار بین‌المللی همه دنبال جنس ارزان می‌گردند و ما اگر بخواهیم قیمت‌ها را از قیمت آنها پائین‌تر بیاوریم، نتیجه چه خواهد شد؟ خوب همین بودجه‌ی ما به یک نحو موثری به درآمدهای نفتی وابسته است.

آیا ما می‌توانیم خلاء ناشی از پائین آمدن قیمت را با زیاد صادر کردن نفت پرکنیم و آیا این مسأله به چاههای نفت ما آسیب نخواهد زد؟

یک فشار سیاسی عمیقی در پشت سر یک تصمیم ساده‌ی اقتصادی نهفته است، فشاری که برای آن ۶ ماه مقدمه‌چینی می‌شود.

الان وزرای همین کشورهای ارتجاعی که نفت هم دارند از سوی عربستان یک جلسه مشترک دارند و گویت حتی هنوز آن جلسه تشکیل نشده، نفت ارزان را وارد میدان کرده است و من اصطلاح روزنامه‌های ژاپنی را در این مورد بگویم: "سیل نفت ارزان گویت وارد بازارهای جهان شد." حال آیا عربستان که فقط ۲۰۰ میلیون دلار ذخیره‌ی ارزی آن در آمریکا است، نیازی به این مسئله دارد یا اینکه یک مسأله سیاسی مطرح است؟

برای درهم شکستن کدام قدرت و نیرویی در منطقه این عمل انجام می‌شود؟ آیا عربستان برای گویت این کار را می‌کند یا برای عراق؟ برای کدام کشور انجام می‌دهد؟

توطئه‌های اقتصادی تا این اندازه در سطح جهان بر علیه ما گسترده است و شما برادران این مسأله را خوب احساس می‌کنید. ولی با ابتکار این مردم ایثارگر و با تحرکی که ملت ما داشته است و با کمکی که همه‌ی ملت به دولت کرده‌اند که در حقیقت نظام را مردم نگه - داشته‌اند و ما جز خدمتگزاران کوچک و حقیر چیزی نیستیم و دائماً هم همین احساس را داریم کارها به یاری خداوند اصلاح می‌شود.

من وقتی که به بافق رفتم و

آن جمعیت را دیدم همین احساس را داشتم و در هر جا که باشیم همین احساس را داریم و مملکت را اراده‌ی مردم و عشق مردم به انقلاب است که می‌چرخاند.

با حضور همین مردم و با علاقه و کمک همین مردم ما تمام توطئه‌ها را درهم شکستیم با تکیه‌ای که ملت ما به شعار "نه شرقی، نه غربی جمهوری اسلامی" داشته است، ما توانسته‌ایم این اعتماد به نفس را داشته باشیم که در سخت‌ترین شرایط بدون آنکه دستمان را به طرف شرق و غرب دراز کنیم، روی پای خودمان بایستیم. ولی طبیعتاً این ایستادگی بعضی وقتها سختی‌هایی هم دارد و برخی از این سختی‌ها ممکن است منتقل به خود بازار هم بشود.

من یکبار خدمت برادران در مدرسه‌ی رفاه عرض کردم که سال گذشته در زمستان در دی ماه وقتی ذخائر ارزی خود را

می‌دیدیم و می‌دیدیم فروش نفت ما تقریباً یک حالت تحریم شده‌ای در سطح جهان دارد و دارد پائین می‌آید و هزینه‌های

جنگی را هم می‌دیدیم که در حالی که برای مان از اولویت برخوردار است و خود شما و همه‌ی ملت می‌گوئید "جنگ، جنگ تا پیروزی" و ما مجبوریم از این درآمدهای محدود ارزی یک قسمت عمده‌ای را در اختیار جنگ قرار دهیم و همان موقع

بنده خدمت امام عرض کردم با این مقدار ارزی که دست ماست و ما مجبوریم قطره‌قطره آنرا مصرف کنیم و بر اساس اولویت‌ها مصرف کنیم، مسلماً ممکن است که روزی برسد که ما بجز گندم

نتوانیم چیزی وارد کنیم، اگرچه همه‌ی کارخانه‌های ما بخوابد و اگرچه همه‌ی بازار ما بخوابد و ما یقین داشتیم از این مسأله که

اگر می‌آمدیم به ملت می‌گفتیم، ملت استقبال می‌کرد و در این زمینه هیچ شکی نداشتیم، گفتیم که ما با این برنامه پیش می‌رویم ولی انشاءالله با این تحرکی که

دولت دارد، در برخورد با کشورهای خارجی و در برخورد با بازارهای بین‌المللی که بحث بسیار طولانی دارد ما یقین داریم که به این مرحله حاد

نخواهیم رسید و بعداً خدمتان

عرض کردم که ما با این کم وارد کردن کالا، بازارهای مان خالی خواهد شد و دست مردم تنگ خواهد شد و اتفاقاً همان موقع مسأله‌ی حاجب‌الدوله را مثال زدم و خدمت امام عرض کردم ممکن است بازارهای ما خالی از بشقاب‌ها و چینی‌آلات هم بشود و کالاها مصرفی هم نداشته باشیم. ما این کار را کردیم و ملت مقاومت کرد و با این تنگی‌ها ساخت و با این تنگدستی‌ها ساخت و تحرک هم نشان دادیم و وضعیت ما بهتر شد.

بعضی چیزها هست که بطور علنی نمی‌توانیم بگوئیم گرچه منجر به آن شود که این نگفتن‌ها یک نوع ظنی هم در مورد دولت بوجود آورد.

پس از حمله‌ای که منجر به خرمشهر شدن خونین شهر شد یک هجومی به خوزستان و مناطق گرمسیر آغاز شد، که از نظر سیاسی نیز برای ما بسیار اهمیت

داشت و می‌خواستیم که آنجا را راه اندازیم و در آن گرمای

سوستگرد به ما خبر دادند که بعضی از بچه‌ها از گرما فلج شده‌اند و هیچ وسیله‌ای نیست و همه چیز مردم از بین رفته است. ما آمدیم تمام واردات یخچال و پنکه و تمام چیزهایی را که بنحوی برودت ایجاد می‌کند و همچنین سردخانه‌ها را تخصیص دادیم به خوزستان و خواستیم که به جای دیگری فرستاده نشود و نداشتن این کار صورت گرفت بلکه وزارت بازرگانی موظف شد که در سطح تهران بدون آنکه گفته شود همین یخچال‌های موجود را هم که در انبارها هست به خوزستان بفرستد. ما یقین داریم که اگر این مسأله را می‌آمدیم به ملت می‌گفتیم و به شماها می‌گفتیم و در وسایل ارتباط جمعی منعکس می‌کردیم، همه پشتیبانی می‌کردند ولی در عین حال وضعیت آن دستگاهها در آن گرما از نظر قیمت بسیار بدتر می‌شد. ما تحمل کردیم و فقط با آقای موسوی جزایری‌امام

انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی ...

بقیه از صفحه ۲۶ یادبود شهادت "خیابانی" و "اشرف ربیعی"

در هفته‌ی گذشته اپوزیسیون ایرانی در خارج کشور بمناسبت نخستین سالگرد شهادت ۲۰ تن از فرماندهان سازمان مجاهدین خلق در ۸ فوریه سال ۱۹۸۲ مراسمی را برپا کرد.

پس از آنکه محل اقامت رزمندگان سازمان در داخل ایران کشف شد، با بیش از ۲۰۰ پاسدار به محل حمله کردند که منجر به شهادت چند تن از فرماندهان مجاهدین خلق منجمله موسی خیابانی، فرماندهی نظامی سازمان و همسرش آذر رضائی، خانم اشرف ربیعی همسر مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین شد. طی همان حمله در حدود ۴۰ تن از پاسداران خمینی نیز متقابلاً کشته شدند. در مراسم بزرگ - داشتی که در لندن برگزار شد علاوه بر شرکت صدها تن از ایرانیان تعدادی از شخصیت‌های انگلیسی منجمله نمایندگان و روسای اتحادیه‌های کارگری و نویسندگان نیز حضور داشتند.

جمعه اهواز که از خوزستان تشریف آورده بودند، صحبت کردیم و با استاندار خوزستان و وزارت بازرگانی در مورد این عمل هماهنگی کردیم تا این عمل انجام گیرد و الان که نزدیک هفت هشت ماه از موضوع می‌گذرد بما فرصت می‌دهد که آن مسأله را عنوان کنیم. ما در حالی که دستمان تنگ است، مجبوریم که حساب شده کار کنیم و کالاهای را به آنجائی بفرستیم که نیاز بیشتری هست و مجبوریم بخاطر همین شرایط جنگی و بخاطر نفوذ پیام انقلاب اسلامی و بخاطر عظمت این انقلاب که کم‌کم بصورت یک قدرت شاخص و یک فریاد بلند از سوی محرومان درجهان مطرح می‌شود، تنگناها را بپذیریم. شما برادران می‌دانید که همه‌ی مسأله‌ها را در ارتباط با امور اقتصادی نمی‌شود که آمد توضیح داد و شما در ارتباط با مسأله‌های خاصی یک راه‌هایی دارید، وقتی که مسأله منتقل می‌شود به یک باعد اقتصادی در سطح کشور و حتی در سطح جهان ما مجبوریم راه‌هایی داشته باشیم و ما مجبوریم محتاط تر عمل کنیم"

الدستور

الاثنين ۱۴ شباط
فبراير ۱۹۸۳ العدد (لندن ۲۷۳)




خیابانی بعد استشهد

ذکری استشهداد « خیابانی » و « اشرف ربیعی »

اقامت المعارضة الإيرانية في الخارج حفل تأبين في الأسبوع الماضي بمناسبة مرور عام على استشهاده ۲۰ من قيادات منظمة مجاهدي خلق في الثامن من شباط/فبراير عام ۱۹۸۳.

كان حرس الخميني قد اكتشف موقعا لمقاتلي المنظمة داخل إيران، وقام اكثر من ۲۰۰ من حرس النظام بمهاجمة الموقع واسفر الاشتباك عن استشهاده بعض قيادات « مجاهدي خلق » ومن بينهم « موسی خیابانی » القائد العسكري للمنظمة وزوجه آذر رضائي والسيدة اشرف ربیعی زوجه مسعود رجوي زعيم المنظمة. وفي المقابل اسفر الهجوم عن مقتل ما يقرب من اربعين من حرس الخميني

اشرف ربیعی

برای تحقق صلح و آزادی همهٔ سلاحها را بجانب رژیم ضد بشری خمینی نشانه رویم!

اوضاع بحرانی و فلاکت بار اقتصادی رژیم از زبان نخست وزیر

این روزها، رژیم روبه زوال خمینی یکی از بدترین و فلاکت - بارترین شرایط اقتصادی خود را می گذراند. بویژه اینکه کاهش قابل توجه قیمت نفت در بازارهای جهانی، رژیم را برای حل موقت مشکلات اقتصادی - اجتماعی، در تنگنای بیشتری قرار داده است. کاهش بهای نفت از آن نظر نیز حائز اهمیت است که اقتصاد ورشکسته و لرزان رژیم خمینی، با توجه به مشکلات عدیده اقتصادی - اجتماعی و در رأس آنها مخارج سرسام آور جنگ با عراق، بیش از همه به فروش بی وقفه نفت متکی است. همچنین از سوی دیگر، بحران اقتصادی موجود، بر دامنه‌ی اختلافات و تضادهای درونی رژیم نیز افزوده است.

موسوی نخست وزیر خائن رژیم در سخنانی که بهمین منظور در تاریخ ۱۶ بهمن ۶۱ برای اصناف و بازاریان تهران ایراد نمود ضمن تشریح وضعیت بحرانی کشور در سال گذشته، گوشه‌هایی از این اوضاع رقت بار اقتصادی و اجتماعی رژیم را بیان نمود. (جمهوری یکشنبه ۱۷/۱۱/۶۱) او ابتدا به اختلافات و تضادهایی که بین دولت و بازار بروز نموده، اشاره کرد و سپس در تشریح اوضاع نابسامان و فلاکت بار اقتصادی کشور در بخشی از سخنانش چنین گفت:

(تاکیدات زیر خطوط از ماست)

"... تلاش زیادی می شود که بصورت مرموزانه‌ای بین دولت و بازار را اختلاف بیندازند من فکر می کنم برای آنکه بفهمیم که چرا این فعالیتها مرموزانه صورت می گیرد، همین قدر شما توجه داشته باشید که بازار اگر بصورت سوپرمارکتی بود (بطور تمثیلی خدمت برادران عرض می کنم) طبیعتا هرنوع تلاشی برای اختلاف انداختن بین دولت و یک سوپرمارکت بسیار خنده دار و مضحک بنظر می رسد، پس این جا نقشی هست و اهمیتی دارد که این همه سرمایه گذاری بروی آن می شود. دیدی که الان در دولت وجود دارد نسبت به اصناف

"... تلاش زیادی می شود

محترم از طرف دشمنان، تلاش می شود که وارونه جلوه داده شود یا محدود نشان داده شود ولی قضیه این است که اگر به دولت های خط امام خواه دولت شهید رجائی و خواه این دولت که خودش را خدمتگزار مردم می داند و راهی که در پیش گرفته است انشاء الله همان ادامه راهی باشد که آن شهید بزرگوار در کنار شهدای دیگر در پیش گرفتند) و این صحبتها که در دولت شده نگاه کنیم و تجزیه و تحلیل کنیم و بصورت آگاهانه و صحیح نظر افکنیم، ما زمینه‌ای برای این بدبینی نخواهیم یافت و اگر این باشد ما باید برگردیم و در بیابیم که این

وجود دارد نسبت به اصناف

بدبینی‌ها از کجاها می تواند نشأت بگیرد.

"... توطئه برای درهم

شکستن نظام جمهوری اسلامی از طریق اقتصادی بسیار گسترده بود و هنوز هم ادامه دارد کنفرانس اوپک را نگاه کنید در آنجا عربستان و چند کشور ارتجاعی آمده اند و این بحث را می کنند و به بهانه های مختلفی می گویند که سطح تولید کشورها باید پائین بیاید و تکیه می کنند روی کشور ما کشور ما که روزی ۶ میلیون بشکه نفت می فروخته است و الان که می خواهد حدود دو میلیون ونیم نفت صادر کند برای عربستان مساله شده و می گوید که ما قیمت نفت را می شکنیم.

"قیمت نفت را می شکنیم"

نهدید بعدی که بسیار قابل توجه است، شرایطی است که ضربه وارد می شود. ارتباطات در شرایط عادی، روال منظم خود را دارند. اما وقتی ضربه وارد می شود و مثلا چند نفر بدست دشمن اسیر می گردند، علیرغم اینکه بخش مهمی از "ارتباط"، بالقوه مورد تهدید دشمن واقع شده است، لازم است که برای دادن علامت خطر و خارج کردن افراد از تهدید دستگیری و... ارتباطات را فعال کرد. در چنین شرایطی "ارتباطات"، محاسبه و دقت مضاعفی را طلب می کند و لازم است که با افزایش هوشیاری و حفظ آرامش اساسا بر روی "احتمالات" حساب باز نکرد. حتی به بهای پذیرفتن قطع ارتباط از برقراری هر نوع تماس مشکوک خودداری کرد. در این مورد، تجربه نشان داده است که به دلیل گرفتن ارتباطات حساب نشده، نه فقط ضربه، مهار نشده بلکه دامنه‌ی آن گسترش نیز یافته است. در صورتی که جلوگیری از گسترش ضربه کاملا امکان پذیر بوده است. در انتها با توجه به اهمیت ارتباطات بازهم تاکید می کنیم که باید بهای آنرا با صرف انرژی و دقت مکفی پرداخت و از کنار کوچکترین مساله نیز نباید بی توجه گذشت.

گذشت.

بطور عام ارتباطات یک تیم را مورد تهدید قرار می دهند. توجه به این مسائل، بسیار ضروری است. مساله‌ی اول، زمانها و نقاط انفصال ارتباطات است که حتی علیرغم وجود علامت سلامتی و داشتن سیستم های زاپاس، می تواند موجب قطع کامل ارتباط بشود؛ بخصوص اگر زمان انفصال، طولانی باشد و امکان پیش بینی کامل مسائلی که ممکن است رخ دهد، وجود نداشته باشد. بنابراین هنگامی که می دانیم زمان انفصال، طولانی است، باید تماس بعدی را با رعایت مسائل امنیتی کاملا حساب شده و دقیق تنظیم نمود.

تهدید بعدی ارتباطات، قرار گرفتن ناگاهانه در محیط و محدوده‌ی تمرکز دشمن است. مثلا در حالیکه اساس ارتباطات ۲ نفر، تلفن می باشد، ممکن است که به دلایلی دشمن با تمرکز نیروهایش کنترل ویژه‌ای بروی تلفن ها اعمال نماید. به این ترتیب افراد بطور ناخود - آگاه وارد تور دشمن می شوند. بر همین منوال ناگهان ممکن است قرارهای خیابانی و یا... مورد تهدید واقع شود... برای دور ماندن از چنین تهدیداتی لازم است که با هوشیاری و جمع بندی اخبار و اطلاعات مربوط به دشمن و تاکتیک هائی که در هر مقطع، اتخاذ می کند؛ مستمرا آگاهی و تسلط داشت. و به محض بدست آوردن هرگونه اطلاع جدیدی از تاکتیکهای دشمن در اولین فرصت آنرا به دیگران نیز اطلاع داد.

آموزشهای ویژه تیم ها و هسته های مقاومت مسلحانه (۱)

ارتباطات

افراد یک تیم می توانند بعضی مطالب خود را بر روی کاغذ منعکس کرده و به شیوه های مناسب منجمله گذاشتن در یک محل تعیین شده از قبل برای یکدیگر ارسال نمایند. برای دریافت و یا ارسال دستورات و خطوط کلی کار نیز شیوه‌ی مکاتبه، بسیار مفید و عملی است. در این رابطه بخصوص می توان از جوهر نامرئی بطور گسترده استفاده نمود. پیرامون شیوه‌ی فوق و دیگر شیوه‌هایی که برای برقراری ارتباط گفتیم، مطالب بسیار زیادی هست که فعلا به همین مختصر اکتفا می کنیم. در ضمن یادآور می شویم که شیوه‌های مختلف دیگری مثل بی سیم و... برای برقراری ارتباط نیز وجود دارد که فعلا جای طرح آنها نیست. توضیحات بیشتر در زمینه‌ی شیوه‌های ارتباط را به آینده موکول می کنیم.

سوال ۱۴: "ارتباطات" بطور عام از جانب چه عواملی تهدید می شوند؟
جواب: مواردی هستند که

ب: سرپل تلفنی سرپل، محلی است که از پایگاه استقرار افراد تیم جدا می باشد. سرپل موارد استفاده‌ی بسیار زیادی دارد و بطور کلی افراد یک تیم می توانند بوسیله‌ی آن مستمرا با هم رابطه داشته باشند. می توان به آنجا تلفن زد و خبر سلامتی داد و یا گرفت. همچنین مطالب لازم دیگر را می توان از آن طریق به دیگر افراد انتقال داد. داشتن یک سرپل تلفنی، باعث می شود که افراد حتی در صورت الزام از تلفن پایگاههای یکدیگر نیز اطلاع نداشته باشند؛ چراکه دانستن تلفن یک پایگاه تفاوتی با دانستن آدرس آن ندارد. تجربه نشان داده است که سرپل تلفنی و پایگاه مشترک، از بهترین شیوه‌های برقراری ارتباطات در شرایط کنونی است. ولی مثل هر شیوه‌ی دیگر، تهدیدات خاص خود را هم دارد که باید با تعیین ضوابط و استفاده صحیح از آن، خطرات آن را به حداقل کاهش داد.

ج: ارتباط مکاتبه‌ای

خودداری گردد. استفاده‌های مختلفی از تلفن امکان پذیر است مثل دادن و گرفتن خبر سلامتی، و یا علامت خطر، احضار افراد برای فرار و... مهمی این استفاده‌ها باید با توجه به تلفن انجام شود در غیر این صورت تلفن به یک وسیله‌ی ضربه زنده تبدیل می شود.
سوال ۱۳: - اشکال دیگر برقراری ارتباط چه می باشد؟
جواب: برای برقراری ارتباط شیوه‌های متعدد دیگری وجود دارد که ما در اینجا فقط به ۳ شیوه‌ی آن اشاره می کنیم.
الف: پایگاه مشترک یکی دیگر از شیوه‌های ارتباط، استفاده از پایگاههای مشترک است. بدین ترتیب که افراد، هر کدام یک پایگاه جداگانه دارند که در آن مستقر هستند. و فقط برای ملاقات یکدیگر در محل مشترکی جمع می شوند. داشتن محل مشترک بخصوص برای نشستها و بحثهای مفصل طولانی ضروری است، حتی وقتی که تعداد نفرات نشست ۲ نفر باشد. کیفیت نشست در حالت استقرار، خیلی بالاتر است و می توان با استفاده از قلم و کاغذ، تمرکز بیشتری ایجاد کرد و راندمان بالاتری گرفت.

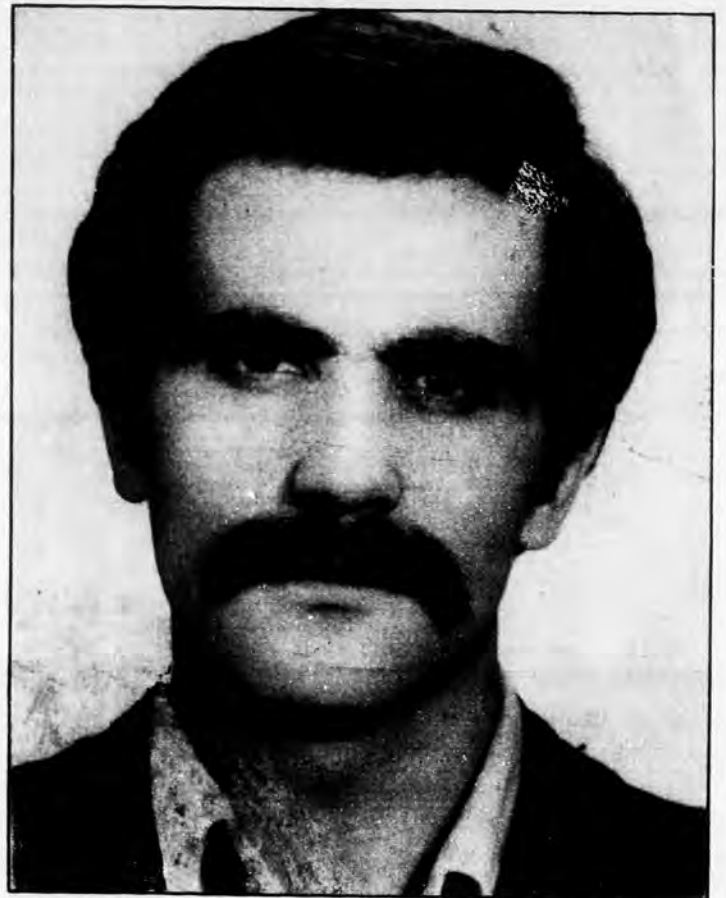
افشاء بسیج ضد خلقی و درهم شکستن سیاست جنگ طلبانه و ضد میهنی خمینی با بکار گرفتن همه اشکال

مبارزه منفی و مثبت، یک وظیفه مبرم انقلابی در مسیر ارتقاء مقاومت و تدارک قیام عمومی است.

فرازهائی از زندگی انقلابی

مجاهد شهید عباس عطاپور (حمید علوی)

فَضَّلَ اللهُ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِينَ بِجَوَائِزِهِمَا ★



مجاهد شهید عباس عطاپور در سال ۱۳۳۴ در خانواده‌ای متوسط در تهران بدنیا آمد. عباس تحصیلات ابتدائی و متوسطی خود را در تهران پایان رساند. او از سال چهارم دبیرستان، با شرکت در جلسات سیاسی - مذهبی که در آن شرایط تشکیل می‌شد، اولین گام‌ها را در جهت کسب آگاهی - های سیاسی و شروع فعالیت‌های انقلابی‌اش برداشت. مجاهد شهید عباس عطاپور در سال ۵۳ وارد دانشگاه شد و در

قرار گرفت. عباس در تمامی مدتی که در زندان بود در ارتباط با مجاهدین فعالیت می‌کرد و بخوبی توانست با فراگرفتن آموزش‌های سیاسی - ایدئولوژیک و هماهنگ ساختن خود با مناسبات انقلابی و تشکیلاتی، پروسه‌ی رشد و ارتقاء را سریعاً طی کند و صلاحیت و شایستگی خود را بخوبی نشان دهد.

در کنار برخوردهای قاطع او با مزدوران شاه و نیز مرزبندی صریح و روشن او در پرتو آموزش‌های سازمان با جریانات انحرافی - اعم از راست ارتجاعی و اپورتونیست‌های چپ‌نما - باید از روحیه‌ی پرشور و شاداب عباس در زندان یاد کرد که در سخت‌ترین شرایط و زیر فشار طاقت‌فرسای دوران شکنجه و بازجوئی نیز در او به وضوح به چشم می‌خورد.

پس از آزادی از زندان در سال ۵۷، برادر مجاهد عباس عطاپور همگام با دیگر خواهران و برادران مجاهدش، فعالانه در جریان قیام یکپارچه‌ی خلق بر علیه رژیم دیکتاتوری شاه شرکت جست و پس از پیروزی قیام، در بخش کارگری سازمان به فعالیت پرداخت. او در این دوران با رفتن به کارخانجات و ایجاد ارتباط با کارگران محروم، آنان را با آرمان‌های رهائی‌بخش مجاهدین آشنا می‌نمود و به افشاء ماهیت ارتجاعی و ضد کارگری مرتجعین حاکم می‌پرداخت و به سهم خود در جهت پیاده کردن خطوط سازمان در زمینه‌ی آگاهی و تشکل انقلابی کارگران، فعالانه تلاش می‌کرد.

مجاهد شهید عباس عطاپور که از حل‌شدگی تشکیلاتی، قاطعیت انقلابی و جدیت و

عباس در بسیاری از مراسم و تظاهرات سازمان، فرماندهی واحدهائی از میلیشیا را به عهده داشت. منجمله در جریان میتینگ عظیم امجدیه در خرداد ۵۹، فرماندهی حفاظت از درب ورودی استاد یوم و دفع تهاجمات چماق‌داران و پاسداران مزدور را عهده‌دار بود و بنحو درخشانی مسئولیتش را به انجام رساند.

پشتکار در انجام مسئولیت‌های محوله بنحو چشمگیری برخوردار بود، بخوبی توانست صلاحیت‌های لازم جهت ارتقاء به مدارج بالاتر تشکیلاتی را احراز کند. وی در سال ۵۹ پس از ارتقاء به "شورای نهاد کارگری سازمان"، ابتدا مسئولیت چند شاخه‌ی بقیه در صفحه‌ی ۲۳

در ادامه‌ی همین فعالیت‌های سیاسی بود که، در اردیبهشت ۵۵ توسط مزدوران رژیم شاه دستگیر شد و پس از تحمل شکنجه‌های زیاد به ۲ سال زندان محکوم گردید. او در زندان توانست با مجاهدین خلق ارتباط برقرار کند و از آن پس در رابطه‌ی نزدیک با سازمان

رشته‌ی مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی (شریف) تحصیلاتش را ادامه داد و در عین حال با استفاده از امکانات موجود در محیط دانشگاه، به برقراری ارتباط و تماس با سایر دانشجویان مبارز پرداخته و در کلیه‌ی فعالیت‌های دانشجویی و حرکات اعتراضی آنان بر علیه رژیم شاه

فرازهائی از زندگی انقلابی

مجاهد شهید محمد مصباح

فَضَّلَ اللهُ الْجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِينَ بِجَوَائِزِهِمَا ★



مجاهد شهید سید محمد مصباح در سال ۱۳۱۲ در شهرستان یزد و در خانواده‌ای محروم و زحمتکش بدنیا آمد. او که از کودکی ناگزیر بود برای تأمین مخارج خانواده به کارگری و کار بافندگی بپردازد بالاخره با تحمل مشکلات فراوان و با پشتکار و جدیت موفق شد دوران ابتدائی را پایان برساند. ۲۰ ساله بود که به تهران آمد و تا مدت‌ها با جامه‌داری حمام و شاگردی بازار ارتزاق می‌نمود. مجاهد شهید محمد مصباح از روحیه‌ی ضدظلم و مبارزه جو برخوردار بود که نمی‌توانست در برابر تبعیضات و نابرابری‌های اجتماعی و فشارها و تحقیرهای ناشی از آن بر محرومان و ستم‌کشان، ساکت بماند و منفعلانه تسلیم شرایط موجود شود. ذهن فعال و جستجوگر او در پی یافتن علل این نابرابریها و یافتن راهی برای پایان بخشیدن بدان‌ها بود و لذا پس از سالها شرکت در محافل و مجالس "سیاسی - مذهبی" آن زمان، سرانجام موفق شد آنچه را که به دنبالش بود ولی هرگز نیافته بود، با دسترسی یافتن به سازمان مجاهدین خلق ایران و ارتباط با آن بیابد. وی در سازمان ابتدا در بخش مربوط به بازار به انجام فعالیت‌های انقلابی مشغول گردید و برای مدتی نیز بطور مستقیم از آموزش‌های شهید بنیانگذار، مجاهد کبیر محمد

حنیف‌نژاد بهره‌های فراوان برد. پس از ضربه‌ی ۵۰ او نیز به همراه بسیاری دیگر از برادران مجاهدش دستگیر شد و تحت شکنجه‌های وحشیانه‌ی مزدوران شاه خائن قرار گرفت. در همین حال سرپرستی ۶ فرزند خرد - سالش که بزرگترین آنها ۱۱ ساله بود بعهده‌ی همسر مقاوم و صبورش (مجاهد شهیدرقیه مصباح) قرار گرفت. همسری که در دوران اسارت شوهرش، در منتهای تنگدستی، باروئی بازوگشاده - که از عمق آگاهی او نسبت به راه پرافتخار همسر مجاهدش برمی‌خاست - همه‌ی شداوند و سختی‌ها را تحمل کرد. مجاهد شهید محمد مصباح بلافاصله پس از آزادی از زندان در سال ۵۳، با برادران مجاهد خود ارتباط برقرار نمود. اما مدتی بعد مجدداً توسط مزدوران شاه خائن دستگیر شد و دو سال و نیم دیگر را در زندان بسر برد. این بار نیز پس از آزادی از زندان، مجدداً ضمن برقراری ارتباط با سازمان به فعالیت انقلابی خود در صفوف مجاهدین خلق ادامه داد. پس از سقوط رژیم شاه و آغاز دوران جدید فعالیت سازمان مجاهدین خلق، مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مجاهد شهید محمد مصباح نیز ابعاد وسیعتر و گسترده‌تری یافت. در این زمان بخشی از فعالیت‌های او در ارتباط با شهرستان یزد بود. یعنی شهری که در زیر حاکمیت بقیه در صفحه‌ی ۵

جنگ، بودجه و تورم

شیوه‌های ضد خلقی خمینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی ناشی از جنگ و تأمین کسر بودجه‌های مربوط به آن

رژیم چپ‌اولگر خمینی برای مقابله با مشکلات اقتصادی و تأمین هزینه‌های سرسام‌آور جنگ و کسر بودجه‌های ناشی از آن بناچار به تاراج نفت، افزایش بی‌رویه مالیات‌ها و غارت و چپاول مستقیم مردم، چاپ اسکناس بدون پشتوانه و... روی می‌آورد و ناچائی که بتواند سرمایه‌های خلق و میهن را به تباهی می‌کشد و به انهدام تولید و حرث و نسل ایران می‌پردازد.

رژیم خمینی مدتهاست که به تاراج نفت ایران پرداخته‌است بخصوص در ماه‌های اخیر جهت تأمین هزینه‌های تسلیحاتی خود بی‌محابا به حراج نفت کشور دست زده و در این راه از هیچ خیانتی فروگذار نکرده‌است. افزایش بی‌رویهی صدور نفت، موجب افزایش شدید تورم در جامعه شده و اقتصاد ایران را با مشکلات جدی روبرو ساخته است (اگر به لویح بودجه طی سال‌های گذشته نگاه کنیم، می‌بینیم که اولین منبع تأمین کسر بودجه، درآمد حاصل از صدور نفت است.)

اما خمینی برای ارضای مطامع جنگ‌افروزانه‌اش به حراج نفت اکتفا نکرده و با افزایش بی‌رویه مالیات‌ها و عوارض و... به غارت مستقیم و بی‌واسطه‌ی مردم نیز دست می‌زند. رژیم از آن جهت که افزایش مالیات‌ها، حجم پول در گردش را پائین می‌آورد، دست خود را در استفاده از این شیوه باز می‌بیند (دومین منبع تأمین کسری بودجه و افزایش درآمد دولت، افزایش مالیات‌هاست - این افزایش در لویح بودجه ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ کاملاً مشهود است.)

با افزایش مالیات‌ها با توجه به اقتصاد ورشکسته‌ی رژیم، قیمت‌ها بالا می‌رود، کالاهای مورد نیاز مردم کمیاب می‌شود و بازار سیاه رواج بیشتری می‌گیرد. یکی دیگر از شیوه‌های تأمین

هزینه‌های دولت و جبران کسری بودجه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه است. این شیوه یکی از ضد خلقی‌ترین شیوه‌های تأمین درآمد است که آثار وسیعاً مخرب آن مستقیماً بر دوش مردم زحمتکش ما فشار می‌آورد (۸) از اینروست که وقتی رژیم خمینی اسکناس بدون پشتوانه چاپ می‌کند و در جامعه به جریان می‌اندازد، ارزش پولی که در دست مردم است پائین می‌آید، تورم افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید طبقات محروم و متوسط بشدت کاهش می‌یابد.

البته این مسئله که رژیم برای مقابله با مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی به کدامیک از شیوه‌های فوق بیشتر متکی است و از طریق آن در ابعاد وسیع‌تری بهره‌برداری می‌کند، به عوامل و شرایط مختلفی بستگی دارد. ولی با وجود اینکه نفت اساسی‌ترین سرچشمه‌ی موجودیت و حیات اقتصادی رژیم خمینی است، اما در شرایط حاضر دست خمینی برای آنکه تمامی نیازهای ارزی جبهه‌های جنگ را از طریق نفت تأمین نماید کاملاً باز نیست. چراکه از یکطرف خمینی با تاراج نفت ایران بقیمت‌های نازل موجب شکستن قیمت نفت در بازارهای جهانی شده که به تبع آن کشورهای دیگر نیز ناگزیر به پائین آوردن قیمت نفت خود می‌شوند، در آن صورت بازار جهانی نفت دیگر مانند گذشته برای خمینی داغ نیست. و از طرف دیگر تاکنون افزایش بی‌رویهی صدور نفت، افزایش شدید تورم را در اقتصاد کشور بار آورده و رژیم را با مشکلات فراوانی روبرو کرده‌است.

التیبه بررسی دقیق این مسئله که آیا رژیم برای مقابله با مشکلات جدی اقتصادی و اجتماعی‌اش به کدامیک از شیوه‌های فوق بیشتر متکی است به آمار و ارقام دقیق‌تری نیازمند است. ولی آنچه مسلم است، چاپ اسکناس بدون پشتوانه یکی از سهل‌ترین شیوه‌های ضد خلقی تأمین هزینه‌های رژیم است که با توجه به سیاست‌های خائنانه‌ی رژیم خمینی، اقدام به بهره‌برداری از این شیوه برای او امریست کاملاً طبیعی!

تورم، گرانی بازار سیاه و...

پس از شروع جنگ در آخر

شهریور ۵۹، رژیم که سیاست‌های جنگ‌افروزانه و توسعه طلبانه‌اش با ادامه‌ی آن همخوانی و همسوئی داشت، تمامی امکانات و سرمایه‌های ملی را بکار گرفت تا آتش جنگ را روشن نگاهدارد. از طرف دیگر در ماه‌های اول جنگ خسارات فراوانی بر تولید و صنعت کشور وارد آمد. مجموعی

از آن پس روند افزایش تورم نه تنها متوقف نشد بلکه با ادامه و گسترش جنگ و سیاست‌های چپ‌اولگرانه و مخرب رژیم هم - چنان به سیر صعودی خود ادامه داد و در مسیر خود کمبود شدید کالا و رواج بازار سیاه را نیز به همراه آورد. ادامه و گسترش جنگ در سال‌های ۶۰ و ۶۱ به تدریج امکانات و سرمایه‌های میهنان را آنچنان به کام خود کشید که تورم، بازار سیاه، کمبود، بیکاری و... از مهمترین مسائل مبتلا به مردم شد. بطوریکه هم‌اکنون همه‌ی مردم و

به مجلس). اما بعضی از مقامات رژیم بطور غیر صریح به میزان بیشتری (حتی تا صد درصد) افزایش تورم اعتراف کرده‌اند. بانکی خائن وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه‌ی رژیم طی برشمردن ویژگی‌های لایحه‌ی بودجه ۶۲ می‌گوید (اطلاعات ۴/ بهمن/۶۱):

"... مثلاً بطور تقریباً اعتبارات وزارت کشاورزی دو برابر شده است. لازم می‌دانم که توضیح بدهم که اعتبارات بر اساس تقویم برنامه‌هاست و وزارت کشاورزی در سال گذشته

یکی دیگر از شیوه‌های تأمین هزینه‌های دولت و جبران کسری بودجه، چاپ اسکناس بدون پشتوانه است. این شیوه یکی از ضد خلقی‌ترین شیوه‌های تأمین درآمد است که آثار وسیعاً مخرب آن مستقیماً بر دوش مردم زحمتکش ما فشار می‌آورد. از این روست که وقتی رژیم خمینی اسکناس بدون پشتوانه چاپ می‌کند و در جامعه به جریان می‌اندازد ارزش پولی که در دست مردم است پائین می‌آید، تورم افزایش پیدا می‌کند و قدرت خرید طبقات محروم و متوسط بشدت کاهش می‌یابد.

با ارائه‌ی فکرها و طرح‌های زیر - بنائی و بسیار اصیل در جهت رشد و شکوفائی کشاورزی اقدامات سازنده‌ای انجام داد و به همین دلیل می‌بینیم که پیش از دوبرابر، بودجه‌ی عمرانی پاورقی:

(۸): برای روشن شدن آن یک مثال ساده می‌زنیم: فرض کنید اگر کل پول در گردش در دست مردم ۱۰۰ تومان باشد (همانطور که گفتیم این فقط یک مثال ساده است) مردم کل کالاها و تولیدات موجود در جامعه (که طبعاً ارزش کل آن‌ها معادل همان ۱۰۰ تومان است) را قادرند با همین ۱۰۰ تومان خریداری کنند. اما وقتی رژیم فی‌المثل اقدام به چاپ ۵۰ تومان اسکناس بدون پشتوانه می‌کند و آنرا در بازار به گردش درمی‌آورد مجموع پول در گردش در بازار ۱۵۰ تومان می‌شود در حالیکه میزان تولید موجود و درآمد مردم افزایش پیدا نکرده است. در اینصورت مردم با ۱۰۰ تومان خود قادرند فقط دوسوم کالاها و تولیدات موجود را تهیه کنند و یک سوم باقیمانده را در حقیقت رژیم به یغما برده است. چرا که قدرت خرید مردم را به میزان یک سوم کاهش داده است. اینرا در اصطلاح علمی "تورم" و "پائین آمدن ارزش پول" می‌گویند. بهبودی نیست که هیچکدام از کشورهای بانک‌ها در سطح جهان، حاضر به قبول و تبدیل پول ایران نیستند. چون می‌دانند که پول ایران ثبات ندارد و ارزش آن بطور مداوم کاهش پیدا می‌کند.

هموطنان ما در سراسر کشور هر روز و هر شب در حال تجربه‌ی آن هستند. هرچند رژیم خمینی چند سال است که یا نرخ افزایش تورم را رسماً اعلام نکرده و یا هرگاه اعلام کرده بصورت غیر واقعی آنرا تا حد ۱۵ الی ۲۵ درصد وانمود کرده است (کیهان ۵/ بهمن/۶۱، گزارش نخست‌وزیر

این عوامل موجب شد که در عرض چند ماه قیمت‌ها بطور بی‌سابقه‌ای بالا رفته و تورم افزایش پیدا کند. مقایسه‌ی قیمت برخی از کالاها و مایحتاج اولیه‌ی زندگی مردم پیش از آغاز جنگ و سه ماه پس از آن رشد بی‌سابقه‌ی قیمت‌ها حتی در مواردی تا صد درصد را نشان می‌دهد.

جنس	قیمت قبل از جنگ	قیمت بعد از جنگ
سبب زمینی	۳۰ ریال	۴۰ ریال
پیاز	۲۰	۳۵
عدس	۶۰	۱۸۰
ماش	۱۰۰	۱۸۰
برنج معمولی	۱۶۵	۲۴۰
لوبیا	۱۰۰	۱۳۵
لوبیا چیتی	۹۰	۱۶۰
نخود	۵۶	۸۰
قند	۳۵	۹۰
شکر	۳۰	۷۰
روغن ۵ کیلوئی	۲۳۵	۲۷۰
مغز گردو	۸۵۰	۱۱۰۰
رب ۵ گرمی	۱۲	۱۵
پنیر معمولی	۱۲۰	۱۸۰
پنیر تیریز	۱۸۰	۳۰۰
کبریت	۲۰	۵۰
گوشت گوساله	۲۲۰	۴۳۰
گوشت گوسفند	۱۳۰	۳۲۰
مرغ	۱۷۵	۲۴۰
تخم مرغ دولتی	۱۳۵	۱۵۵
تخم مرغ آزاد	۱۳۵	۱۷۵
پرتقال	۴۵	۸۰
سیب درختی	۶۵	۱۰۰
ناید متوسط	۱۴	۱۶
صابون یاس	۲۰	۲۵
دفتزه ۱۰ برگ مرغوب	۶۰	۹۰
خود کاربیک	۱۵	۲۰
باطری بزرگ	۲۰	۲۵
جوراب	۵۰	۸۰

جنگ، بودجه و تورم

کشاورزی بالا رفته است که به تبع آن بودجه‌های جاری این وزارتخانه نیز فزونی یافته است. سلامتی وزیر کشاورزی رژیم در همانجا اعلام می‌دارد: "در مورد کشاورزی بطور اخص بودجه‌ی سال ۶۲ نسبت به سال ۶۱ تفاوت زیادی خواهد داشت... منتهی وقتی تورم را در نظر بگیریم می‌بینیم که در همان حدود بودجه سال جاری است و این مبین این است که با وجود تحرک و حرکت قابل تحسین برادران و آمادگی ارگانها و با در نظر گرفتن کل بودجه‌ای که به ما اختصاص داده شده است نتوان نسبت به سال جاری تحرک فوق العاده‌ای را بوجود آورد." (تاکید از ماست) ملاحظه می‌کنید اعتبارات کشاورزی در بودجه ۶۲ نسبت به بودجه ۶۱، ۲۶ برابر شده یعنی صد درصد افزایش داشته است - ولی طبق اظهارات سلامتی رشدی در بودجه کشاورزی مشاهده نمی‌شود. این نشان - دهنده‌ی اینست که تورم صد درصد افزایش داشته تا توانسته است رشد صد درصد اعتبارات را خنثی سازد. این مسئله آنقدر اجتماعی شده است که ارگانهای رسمی رژیم هم بارها این مسئله را اعلام کرده‌اند. روزنامه‌ی اطلاعات بیست و دوم آبانماه امسال افزایش قیمت برخی از کالاهای اجناس ضروری مردم از سال ۶۰ تا سال ۶۱ را در جدولی به شرح زیر آورده است که البته روند افزایش قیمتها از این هم بیشتر است.

سیاه) تهیه کنند. بطور نمونه در حالیکه قیمت رسمی روغن نباتی کیلوئی ۶۵ ریال اعلام شده، در بازار آزاد کمتر از ۶۰ ریال (یعنی ۹ برابر قیمت رسمی) در دسترس نیست. و یا در حالیکه نرخ رسمی شکر ۲۴ ریال است، در بازار آزاد، کمتر از ۲۵۰ ریال (یعنی بیش از ۱۰ برابر قیمت رسمی) بفروش نمی‌رسد. در همین زمینه روزنامه‌ی اطلاعات ۲۲ آبانماه جاری قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد پاره‌ای از اجناس را با هم مقایسه کرده است:

شنبه ۲۲ آبانماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۶۶

نوع جنس	قیمت رسمی	بازار آزاد
کیسه فربز ۱۲۰ تائی	۶۰ ریال	۲۰۰ ریال
روغن نباتی کیلوئی	۶۵ ریال	۶۰۰ ریال
کره کیلوئی	۳۰۰ ریال	۸۰۰ ریال
خرما کیلوئی	۲۰۰ ریال	۲۴۰ ریال
برنج ایرانی کیلوئی	۲۲۰ ریال	۳۵۰ ریال
بیسکویت و بیسکویت	۴۰ ریال	۸۰ ریال
مازولا یکسگال	۵۲۰ ریال	۲۰۰۰ ریال
روغن نباتی ۱۷ کیلوئی	۱۰۲۰ ریال	۷۰۰۰ ریال
شکر	۲۴ ریال	۲۵۰ ریال
قند	۲۹ ریال	۲۸۰ تا ۲۸۰ ریال
ناید کوچک	۱۵ ریال	۹۰ ریال
شوما معمولی	۶۴ ریال	۲۸۰ ریال
شامپو داروگر	۵۵ ریال	۱۵۰ ریال
صابون زنبون	۲۰ ریال	۱۵۰ ریال
بخچال ۱۲ فوت	۴۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰ ریال
چرخ گوشت	۴۰۰۰ ریال	۱۲۰۰۰ ریال
قرش ماشینی	۲۲۰۰۰ ریال	۹۰۰۰۰ ریال
تلو بزبون قلدیس ۲۴ اینچ	۹۰۰۰۰ ریال	۳۰۰۰۰ ریال
تلو بزبون ۲۴ اینچ رنگی	۶۰۰۰ تا ۸۰۰۰	۳۰۰۰۰ ریال
آبمیو مگبری	۵۰۰۰ ریال	۲۶۰۰۰ ریال
پلو بیز ۶ نفره	۷۰۰۰ ریال	۲۶۰۰۰ ریال
پلو بیز ۱۲ نفره	۱۲۰۰۰ ریال	۵۰۰۰۰ ریال
باطری قلمی	۱۰ ریال	۴۰ ریال
باطری متوسط	۲۰ ریال	۵۵ ریال
باطری بزرگ	۲۵ ریال	۷۵ ریال
چادر مشکلی متری	۴۰۰ ریال	۱۰۰۰۰ ریال
لامپ خواب	۵۰ ریال	۱۵۰ ریال

نوع جنس	قیمت در تعاونی	بازار آزاد
دفتر ۶۰ برگ	۲۸ ریال	۴۰ ریال
دفتر ۱۰۰ برگ	۴۵ ریال	۷۰ ریال
شامپو ساغز	۱۰۵ ریال	۲۱۰ ریال
خمیر دندان	۸۱ ریال	۱۵۰ ریال
شامپو کنت	۹۰ ریال	۲۱۰ ریال
شامپو صدر صحت	۵۰ ریال	—
سیم ظرفشویی	۴۲ ریال	۸۵ ریال
شامپو بام	۱۱۰ ریال	۲۲۰ ریال
خمیر دندان لاکي	۹۵ ریال	۱۵۰ ریال

فرازهائی از زندگی انقلابی مجاهد شهید عباس عطاپور

درستی درک کرده بود، با تمام قوا و با پشتکار و جدیت، به انجام مسئولیت‌های محوله پرداخت. بویژه آنکه پس از ۳۰ خرداد و شروع نبرد انقلابی مسلحانه بر علیه رژیم ضدبشری خمینی، مسئولیت او در این بخش، دقت، هوشیاری، قاطعیت و نیز فداکاری خاصی را نیاز داشت. عباس در کنار تمام وظائف و مسئولیت‌هایی که به عهده داشت، با احساس مسئولیت و تیزبینی خاص خود، در جهت ارتقاء روابط درونی پایگاه و بخصوص افراد تحت مسئولیتش تلاش می‌کرد و حتی اوقات مشخصی را برای رسیدگی و سرپرستی کودکان خردسال پایگاه صرف می‌نمود. او در حل و فصل کارهای مختلف پایگاه - از مسائل اخص نظامی و امنیتی گرفته تا مسائل تشکیلاتی افراد تحت مسئولش و حتی مسائل صنفی پایگاه - نقش ویژه‌ای داشت و روحیه‌ی شاداب و پرنشاطش تاثیرات بسیار مثبتی بر سایر همزمانش می‌گذاشت. مجاهد شهید عباس عطاپور در بخش حفاظت نیز همچون مسئولیت‌های قبلیش، بخوبی قابلیت‌ها و ویژگی‌های انقلابی خود را آشکار ساخت و بزودی بعنوان یکی از فرماندهان لایق بخش حفاظت، مسئولیت‌های متعددی را عهده‌دار گردید. و سرانجام در ۱۳ اسفندماه ۶۰ پس از نبردی نابرابر با پاسداران ظلمت و تبااهی خمینی قهرمانانه جان باخت و در مسیر رهایی خلق و تحقق اهداف انقلابی و توحیدی مجاهدین و همراه تنی چند از همزمانش منجمه ۲ تن از اعضای خانواده‌ی شهید مصباح (مجاهدین شهید محمد و رقیه مصباح) بشهادت رسید. یادش گرامی باد.

مردم ماست. اما روشن است که مشکلات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موجود و منجمه اختناق و سرکوب بی سابقه و جنگ طلبی و تباہ کردن حرث و نسل از حاکمیت رژیم ضدبشری خمینی سرچشمه می‌گیرد و بی‌تردید تا رژیم خمینی و سیاست‌های ارتجاعی و جنگ طلبانه‌ی او باقی است، تمامی گرفتاری‌ها نیز باقی خواهد ماند. تنها با درهم شکستن این رژیم ارتجاعی و دیکتاتوری قرون وسطائی، بساط ظلم و ستم و جنگ افروزی‌اش فرو خواهد پاشید و ریاچهی صلح و آزادی و آبادانی در میهن ما وزیدن خواهد گرفت.

کارگری به او واگذار شد و پس از مدتی بابت برخورداری از کارآیی بالای نظامی، مسئولیت نظامی نهاد کارگری به عهده‌ی او قرار گرفت. در زمستان سال ۵۹ عباس به نهاد "محللات" منتقل شد و در آنجا نیز ابتدا مسئول نظامی در "شورای نهاد" بود و سپس به "مرکزیت نهاد" محللات ارتقاء یافت. عباس در بسیاری از مراسم و تظاهرات سازمان، فرماندهی واحدهائی از میلیشیا را به عهده داشت، منجمه در جریان میتینگ عظیم امجدیه در خرداد ۵۹، فرماندهی حفاظت از درب ورودی استادیوم و دفع تهاجمات چماقداران و پاسداران مزدور را عهده‌دار بود، و بنحو درخشانی مسئولیتش را انجام رساند. پس از انتقال به بخش حفاظت در اواخر سال ۵۹، برادر مجاهد عباس عطاپور که عمق و سنگینی مسئولیت خود را در این بخش حساس سازمان به

بازار سیاه نسبت به نرخ رسمی - باید در تفاوت بین قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد طی همان دوره جستجو نمود. از طرف دیگر، در بررسی قیمت کالاهای مختلف درمی‌یابیم که قیمت کالاهای ضروری و پر- مصرف بیشتر از سایر کالاها افزایش پیدا کرده است و مصرف کنندگان اصلی این کالاها را اکثریت عظیم جامعه یعنی طبقات محروم و متوسط تشکیل می‌دهند. بنابراین، این توده‌های محروم و زحمتکش میهنمان هستند که بیش از همه بار تورم را به دوش می‌کشند و هزینه‌ی گرانی را می‌پردازند. در حالیکه به دستمزدها و درآمدهایشان افزوده نشده است. در واقع با چنین وضعیتی آنها بیش از

شنبه ۲۲ آبانماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۶۶

نوع سیگار	نرخ اصلی	بازار آزاد
پهمن	۸۵	۴۵۰
آزادی	۷۰	۳۲۰
شیراز	۵۵	۲۵۰
زر	۴۰	۲۲۰
هما فیلتر دار	۳۰	۱۵۰
اشنو	۲۰	۱۳۰
هما پنجاه تائی	۵۰	۱۸۰
هما بیسی	۵۵	۲۰۰
زرین	۵۰	۲۰۰
ویستون	۲۰	۵۵۰

نیمی از قدرت خرید خود را از دست داده‌اند و مابازا آنرا خمینی برای ارضای جاه طلبی‌ها و جنگ افروزی‌هایش به یغما برده است. آنچه در این مقاله بررسی کردیم تنها بخشی از گرفتاری‌های

همچنین روزنامه‌ی اطلاعات ۲۰ آبان با ارائه‌ی قیمت رسمی و قیمت بازار آزاد در مورد انواع سیگار، نرخ تورم را در این مورد تا ۴۰۰ درصد برآورد کرده است:

بمنظور پی بردن به میزان واقعی افزایش قیمتها و نرخ تورم برای مردم، نباید صرفا به مقایسه‌ی نرخهای رسمی طی یک دوره اکتفا کرده، بلکه نرخ تورم را - با توجه به رواج گسترده‌تر

شنبه ۲۲ آبانماه
۱۳۶۱ - شماره ۱۶۸۶۶

نوع جنس	قیمت در آبان ۶۱	قیمت سال ۶۰
عسد هرکیلو	۲۱۰ تا ۲۵۰	۴۰ تا ۱۵۰
لوبیا چیتی هرکیلو	۲۴۰	۱۵۰
لوبیا قرمز هرکیلو	۲۴۰	۱۵۰ تا ۱۷۰
لپه هرکیلو	۲۶۰	۱۵۰
لوبیا سفید هرکیلو	۲۰۰	۱۰۰
آلبیموی یک شیشه	۱۲۰ تا ۱۴۰	۱۰۰
نمک خوبان	۹۰	۷۵
نمک آشپزخانه	۱۵	۱۰
دستمال کاغذی	۴۹	۴۹
انواع کیموتها	تغییری نکرده	—
اسکاج	۳۰	۱۰
سیم ظرفشویی یکصدگرمی	۵۰	۴۰
رب گوجه فرنگی	۲۴۰	۱۸۰
چین چینی (یک کیلوئی)	۱۴۰	۱۲۰
ماست سطل کوچک	۳۰	۲۵
کبریت یک بسته ده عددی	۷۰	۵۰
وایتکس	۱۱۰	۹۰
مایع ظرفشویی	۷۰	۵۰
کنسرو دلمه	۲۰۰	۲۰۰
پنیر	۹۰	۹۰
کره ۲۵۰ گرمی	—	—

مصدق

پیر بزرگ احمدآباد

از: م-سحر

خورشید بالا بلند جاودانگی غرور تاریخی کشورم
ای آبروی همواری مردم میهنم
مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد

می خواستم بیاد تو مشب ، خوشه‌ی شعری را ، به منظر دفترم بنشانم
و آتش یادت را ، بر گلبرگ‌های ارغوانی‌اش فرو ریزم
آنچنان که بر باغچه‌ی بی‌بهار گفتم ، نهالی از دلیرترین و دلاویزترین
گلیوته‌های تاریخ بروید

نهالی که پایداری و فضیلت ، کوچک‌ترین غنچه‌ها باشند که بر کوچکترین شاخسار
آن پدیدار خواهند شد .
می خواستم که خاطره‌ات را ، به شور آتشین رنگ مشعلی ریزم که بر تاریک‌ترین
صحیفه‌ی تاریخ کشورم تابان شود ،
و چشم‌ها را بر آینه‌ای بزرگوار خیره سازد ، که کمترین انعکاس آن تصویری تابناک
و بلند از نام خونین آزادی است .
بر آینه‌ای که از شرف خشم تو ، در بیدادگاه بی‌شرم تر دلالگان زمان صیقل
خورده باشد .

آئینه‌ای به صافی فریادت که فریاد نسل‌هاست
و فریاد ستم‌دگان کشورم ایران است .

رنج بزرگ شعله‌ور آسمان میهن من
مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد
می خواستم از ستیغ قلعه‌ی نامت
با تیشه‌ی تبلور احساس در کلام
رخشان و آبدیده شمیر بر آورم ، که آفتاب را بر آسمان سوگوار البرز ، طالع کند
و آرامش سیاه قبیلگی خفاش را درهم ریزد .
تا هجوم پتیارگان پریشان گردد
و مفاک و سیاهچال و تباهی از ایشان اشباع شود
و پلید مکان پلیدی گزیند
و در خورترین جایگاه و سزاوارترین مقام را ، دریابد
و خانه‌ی ملت از خراب خالی شود .

مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد
می خواستم نامت را آنچنان بلند و شعله‌وار ، بر آسمانه‌ی میهن بگویم ،
که دیوتر زشت مسلکان زمانه

آنان که به امامت یک ننگ ملت خواره‌ی فرهنگ سوز تاریخ گداز گردن نهاده‌اند
همانند ستون‌های یک ارگ باستانی پوسیده ، که از عظیم‌ترین لرزه‌های زمین به خود
می‌پیچد در خویشتن فرو ریزند

و "امام خمینی"

انبیانه‌ی خیانت تاریخ زشت گیشی و تزویر و غدر
به مهیب‌ترین اعماق در افتد

با میراث هزاران هزار ساله‌ی دروغ و بیداد و جهل
که گوله‌بار عظیم تر پلشتی تاریخ ، بر شانه‌های فرتوت او استوار است
که تکیه‌گاه تمامی شبهاست .

مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد
می خواستم از تو چنان بگویم ، که غرور گریختن استعمار از دریچه‌ی میهن
و امید آزادی در قلمرو مشرق

و حضور یک تنه‌ی انسانی به بزرگی نامت به دفترم ریزد
و بدینسان از پاکتر فرزند کشورم

که فرزند تمامی ستم‌دگان زمین است خاری آتشین سازم و در چاله‌های چشم
سیاهروی تر پلید زمانه‌ام

بت اعظم ، "امام خمینی" فرو گویم

تا نهایت شب ، دود وار از شیشه‌ی شکسته‌ی عمر دیو برخیزد
و همراه تمامی غباران دوردست به اعماق تاریخ فرو رود
به آنجا که منزلگاه بایسته و بازگشت ناپذیر اوست .

مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد
می خواستم از تو چنان بگویم

که پایبوسان رنگ‌رنگ دروغین تو در تنگنای مصلحت‌اندیشی و فرصت‌خواهی فرومانند
و پای در جای فرو گویند .

از تو چنان بگویم که

سیاست گران تهی‌منش ،

آنانکه بر جای پای تو نماز عاریه می‌خوانند حلقوم به غلظت
قیر بیانبارند

و این طبل‌های آویخته بر درختان بی‌بر در معرض بادهای هرجائی
با گزند سپهره و دارکوب از رپ‌رپه‌های کاذب تهی‌گردند

تا ملت از نام تو خنجری آبدیده بیافریند

و بر پیشانی دزدان دریائی نشانه رود

و نام مصدق ، مصداق راستین و امروزینش را

در آتشی که بر خرمن ارتجاع و استعمار زبانه می‌گشاید باز یابد .

از تو چنان بگویم

که مصداق راستین نام مصدق

بر سرخ بوته‌های سینه‌ی یک نسل

در صبح تیرباران‌ها

در عصر سیانورها و شبانه‌ی سنگرها شکوفا گردد

و خاشاک و خار بر هرزه‌گردی هر گرد باد دل بندد

بی‌که هوای این بوستان خون به دل گیرد

که خار را ، شوره زاران سوخته باید

و نام مصدق همزاد انقلاب ایران است .

بدانگونه که نام مجاهدان

و نام مبارزان

و انقلاب آتشی است فریاد وار

که سیاوش نسل‌ها از آن عبور می‌کند

و اینانند فرزندان تطهیر یافته و پاک

که مصدق وار می‌سوزند و در سوختن گل می‌دهند و باغ می‌کارند

اینانند فرزندان غرور تلخ تاریخ

که بهار را بر شانه‌های پریشان خویش می‌نشانند

و کلاله‌ی گل‌ها را برای زنبورهای عسل هدیه می‌آورند

تا آزادی را و بهار را اثبات کنند

و اینانند مصداق نام آزادی .

مصدق ، پیر بزرگ احمدآباد

می خواستم از تو گفتن را ،

اما صلا‌ی نام ترا حنجره‌ای بوسعت دریا‌های وطنم بایسته است

و طوفانی به غرش تمامی رعد‌های جهان

پیر بزرگ احمدآباد

نام ترا گلوگاه خلق ایران

و خلق‌های خاور بایسته است

و آنها ترا فریاد خواهند کرد

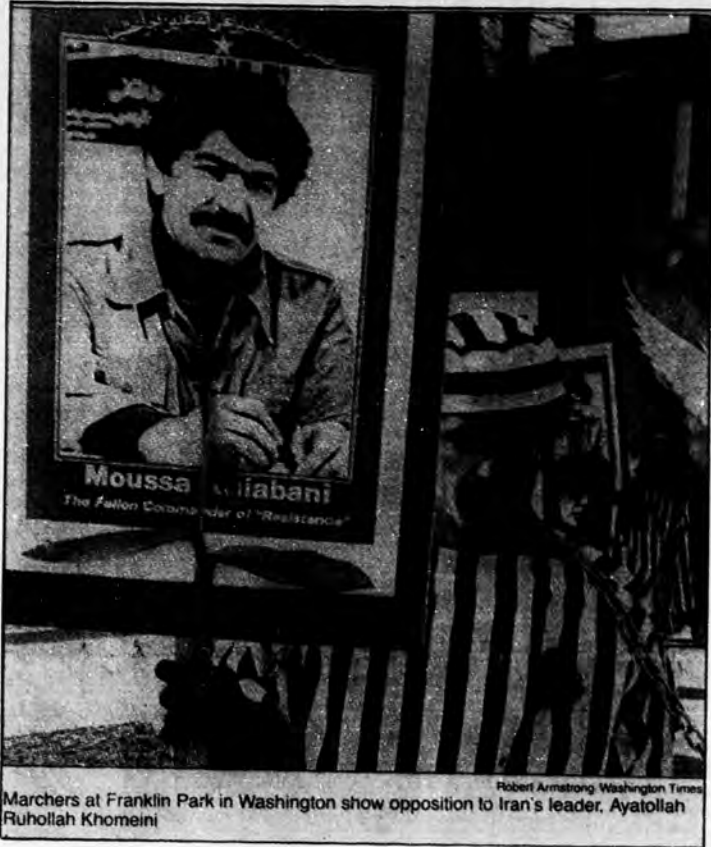
آزادی را فریاد خواهند کرد .

انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور

بمناسبت "عاشورای مجاهدین"

PA:R BA The Washington Times WEDNESDAY, FEBRUARY 9, 1983

METRO



خیابانها ادامه یافتند. عکسهای کشته شدگان در روزنامهها چاپ شدند و اگر شما میخواستید جسد آنها را بگیرید بایستی بهازاء کلولهها پول میپرداختید. آن نقطه برگشت بود. حالا ما یک دولت دمکراتیک منتخب مردم می خواهیم.

دیروز در حالیکه تظاهرات ۳ ساعته به اتمام می رسید، ۲۰ کیبوتر سپید بیاد بود مرگ آزادیخواهان شهید که در سال گذشته کشته شدند، آزاد گردیدند.

"سرنگون باد خمینی، سرنگون باد خمینی،" جمعیت او را مورد تشویق قرار داد.

نقطه عطف حکومت خمینی در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۱ بود وقتی که بنا بر گفته تظاهرات کنندگان نیم میلیون نفر آخرین تظاهرات صلح آمیز خود را در ایران برپا کردند.

آزادگفت: "خمینی به مامورین خود دستور داد که بر روی مردم آتش گشایند. ۵۰ نفر در آن جا دردم کشته شدند بسیاری زخمی گشته و اعدامها در ادامه شب در خانهها و

دیروز به یاد بود اولین سالگرد شهادت ۲۰ تن از آزادیخواهان که دقیقاً یکسال پیش در ایران کشته شدند. تظاهر کنندگان ضد خمینی در واشنگتن دست به راهپیمائی زدند و ضمناً خواستار پایان جنگ با عراق گشتند.

بیش از ۲۵۰ تن از هواداران سازمان مجاهدین خلق ایران، در حالی که بسیاری از آنها لباس سمبلیک سیاه و سفید راهراه زندانیان را پوشیده بودند، خواستار آزادی سریع ۶۰۰۰۰ تن زندانی سیاسی در ایران شدند و خمینی را برای آنچه که آنان اعدام ۲۵۰۰۰ تن ایرانیان بی گناه در عرض ۱۸ ماه گذشته خواندند، محکوم نمودند.

در حالیکه یک طبل به یاد بود آنها (شهادت ۱۹ بهمن) بصدا درآمد، تظاهر کنندگان یک حلقه دوبله ای را در دور فواره ای میدان تشکیل دادند و به سخنرانی هائی گوش دادند که در یاد بود اولین سالگرد شهادت موسی خیابانی، فرماندهی مقاومت که همراه با ۱۹ تن دیگر در ۸ فوریه ۸۲، کشته شد، انجام می گردید.

آزاد از شورای ملی مقاومت در آمریکا با صدای بلند گفت که: "این روز برای همیشه در یاد خواهد ماند، و ما بخاطر شهادت موسی خیابانی و اشرف ربیعی و ۱۸ تن دیگر که توسط ماموران امنیتی خمینی وقتی که مخفی-گاه آنان در سال گذشته در تهران مورد حمله قرار گرفت، در عزم خود قوی تر شدیم".

سخنران تمامی دیکتاتورها را محکوم کرد و فریاد زد:

تظاهرات و راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان کشورهای مختلف جهان که بمناسبت سالگرد شهادت سردار کبیر خلق "موسی خیابانی" و سمبل زن انقلابی مجاهد "اشرف ربیعی" برگزار گردید. ما بخشی از این تظاهرات و راهپیمائی ها را در مجاهد شماره ۱۴۱ و ۱۴۰ آورده بودیم. در اکثر رسانه های گروهی سراسر جهان بازتابی وسیع و گسترده به همراه داشت. اکثر خبرگزاری ها، گزارشاتی از راهپیمائی و سخنرانی هائی که در مراسم انجام گرفته بود همچنین، تصاویری از راهپیمائی و تظاهرات را در مطبوعات خودشان منعکس کرده بودند.

در زیر انعکاس تظاهرات و راهپیمائی عظیم ۱۹ بهمن را در بخشی از مطبوعات جهان ملاحظه می کنید.

THE WASHINGTON POST
Wednesday, February 9, 1983 ... R2 C5

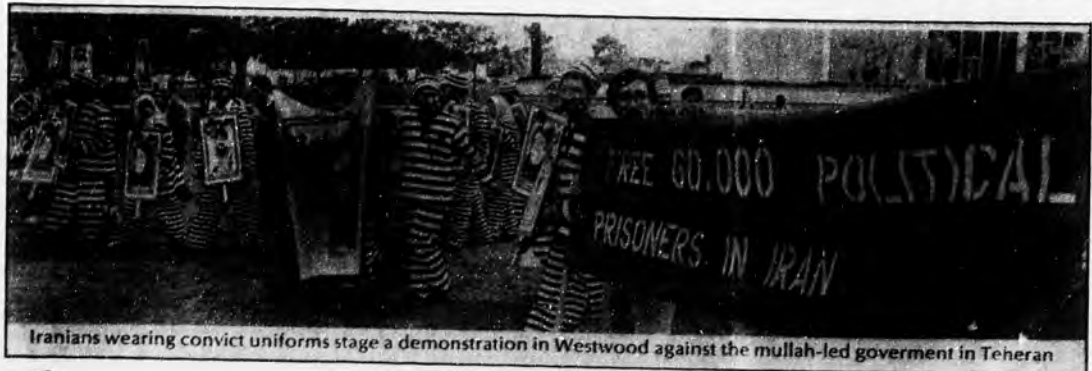


لباسهای راهراه زندانیان و زنجیرها قسمتی از تظاهرات دیروز ۲۰۰ نفره ایرانیان مخالف رژیم خمینی در مرکز واشنگتن بود که بر علیه جنگ ایران و عراق و کشتار سال گذشته ۲۰ تن از مخالفان رژیم خمینی در تهران، برگزار گشت.

EVENING OUTLOOK

Sanita Monica, CA 90404, Wednesday, Feb. 9, 1983

200 protest Khomeini rule

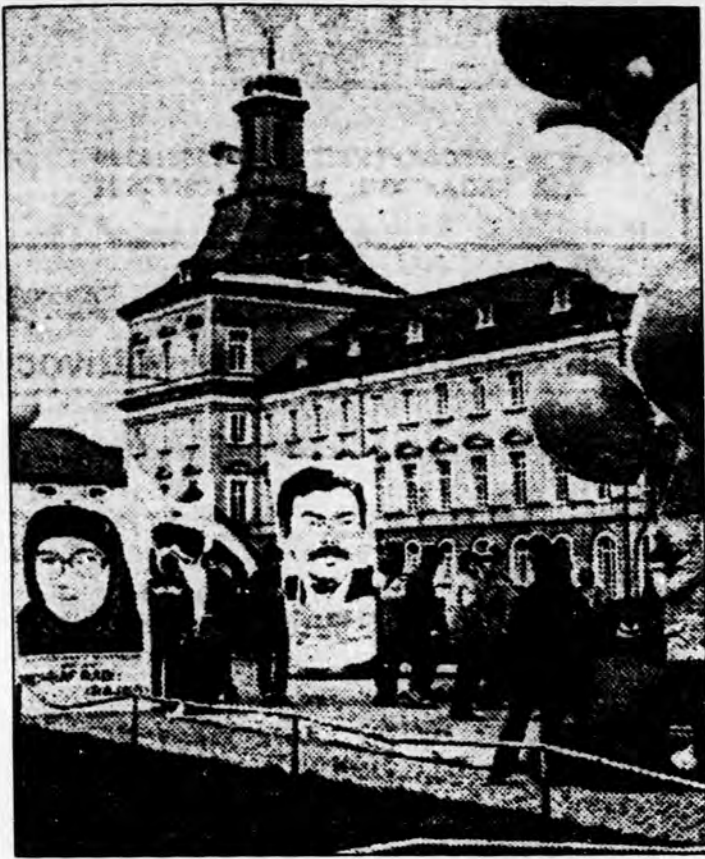


۲۰۰ نفر به حکومت خمینی اعتراض می کنند

وستوود: بیش از ۲۰۰ ایرانی در حالیکه میخکهای سرخ بر لباسهای خود زده بودند و پلاکاردهای حامل عکسهای دونفر از شهدائی که به دست خمینی شهید شده بودند را حمل می کردند به طرف ساختمان فدرال در وستوود، در حالیکه بر علیه دولت ملاهای ایران تظاهرات می کردند براه افتادند. راه -

پیمائی که توسط سازمان مجاهدین ایران ترتیب یافته بود، ایرانیان را نه فقط از اطراف لوس آنجلس بلکه از تمامی کالیفرنیا بسیج نموده بود، افرادی که غالباً از مملکت خود تبعید شده اند. در طول تظاهرات، تظاهر کنندگان توفقی کوتاه برای رها کردن ۲۰ کیبوتر به سمبل ۲۰ مجاهد و رهبران سازمانشان داشتند.

انعکاس مطبوعاتی راهپیمائی اتحادیه انجمن های دانشجویان مسلمان خارج از کشور بمناسبت "عاشورای مجاهدین"



Aachener Volkszeitung

AVZ / Nr. 33 -

Mittwoch, 9. Februar 1983

علیه خمینی

در تظاهرات بزرگی که روز سه شنبه بخاطر چهارمین سالگرد انقلاب (که ضمناً این انقلاب برای مخالفین خمینی آغاز سرکوب و مورد تعقیب قرار گرفتن بود) در بن برپا شده بود هزاران مخالف خمینی شرکت کردند. این مخالفین قبلاً نیز علیه شاه مبارزه می کردند، شاهی که سرانجام راه خمینی را می بایستی هموار می کرد.

Bonner General Anzeige

بعد از ظهر سه شنبه حدود ۷۰۰ دانشجوی ایرانی بر علیه رژیم ایران تحت رهبری آیت الله خمینی در مرکز شهر بن تظاهرات کردند. دو یادبود علت این تظاهرات بود. روی دوپلاکارد پارچه ای نوشته شده بود: زنده باد سازمان مجاهدین و مرگ بر رژیم ضد بشری خمینی. این پلاکاردها بوسیله ی یادکنک به هوا فرستاده شدند. تظاهر کنندگان با صدای بلند چند بار تکرار می کردند: مرگ بر رژیم خمینی، زنده باد آزادی و دموکراسی. در پایان تظاهرات چند تظاهرکننده که لباسهای سفید و قرمز داشتند کیوترهای صلح به هوا فرستادند.

اعتراض... علیه رژیم ایران



Es lebe die Organisation der Volksmoedjahedinen 1987



taz Donnerstag, 10.2.83

تظاهرات ایران در بن

بعد از ظهر سه شنبه حدود ۵۰۰ زن و مرد ایرانی و تعداد انگشت شماری آلمانی تظاهراتی بر علیه رژیم خمینی در بن برپا کردند. علت تظاهرات اولین سالگرد شهادت "موسی خیابانی بزرگ و قهرمان" فرماندهی سیاسی - نظامی مجاهدین در ایران، "زن قهرمان مجاهد اشرف رجوی" و ۱۸ نفر دیگر زنان و مردان کشته شده این سازمان بود. یکسال پیش آنها در نبرد با پاسداران انقلاب خمینی کشته شدند. قبل از آغاز تظاهرات ۲۰ یادکنک بزرگ در سه رنگ سبز و سفید و قرمز بنشانه ی ۲۰ شهید به هوا فرستاده شدند. ۲۰ زن و مرد سفید پوش، کشنه شدگان را بنمایش گذاشتند.

الانباء ۱۰ / ۲ / ۱۹۸۳

مظاهرات ایرانیه معارضة



● نساء ایرانیات تظاهرن فی نیویورک امس

نیودلہی - ۹ - واخ - نظمت مجموعة من الطلاب الایرانیین الدارسین فی الجامعات الہندیة مظاہرة بنیودلہی الیوم بمناسبة الذکری الأولى علی استشہاد القائد العام لقوات المعارضة المسلحة فی ایران - موسی کیانی - . وهبل المتظاهرون الذین طافوا فی شوارع العاصمة الہندیة المدید من الشعارات والصور التي تدین ما وصفوه بمیلیات القمع والارهاب التي یمارسها النظام الایرانی . وكان عدد کبیر من الایرانیین المناصرین لمنظمة مجاہدی خلق الایرانیة المعارضة قد نظموا مظاہرة فی نیویورک امس احتجاجا علی ما وصفوه بالسیاسة التعسفیة والارهابیة التي یتبعها النظام الایرانی ضد الشعب داخل وخارج ایران . وجرت كذلك مظاہرات مماثلة فی روما وبن ولندن وباریس .

تظاهرات اپوزیسیون ایرانی

محکوم می کرد، حمل می نمودند. تعداد بسیاری از ایرانیان هوادار سازمان اپوزیسیون مجاهدین خلق ایران دیروز در نیویورک به منظور اعتراض به سیاستهای استبدادی و تروریستی رژیم ایران بر علیه مردم داخل و خارج کشور، تظاهراتی برگزار کردند. تظاهرات مشابهی نیز در رم، بن، لندن و پاریس برگزار گردید.

دهلی نو: گروهی از دانشجویان ایرانی که در دانشگاه های هند تحصیل می کنند، امروز بمناسبت نخستین سالگرد شهادت موسی خیابانی فرماندهی کل نیروهای مقاومت مسلحانه در ایران، تظاهراتی در دهلی نو ترتیب دادند. تظاهرکنندگان که در تعداد زیادی از خیابانهای پایتخت هند راهپیمائی کردند، عکسها و شعارهایی که اعمال سرکوبگرانه و ترور و اختناق رژیم ایران را



اخبار الخليج

۱۱ فبرایر ۱۹۸۳

دانشجویان ایرانی در رم دو روز پیش جهت اعتراض به سرکوب و ترور رژیم بر علیه اقشار مردم کشورشان تظاهراتی برپا کردند. این ابتکار شگفت انگیز بود.

خانواده‌های مجاهدین در نبرد قهرمانانه بر علیه خمینی ضد بشر

بقیه از صفحه ۱۰

شهدای مجاهد خانواده کبیری

- ۱- مجاهد شهید مادربکبیری (معصومه شادمانی) شهادت در زیر شکنجه
 - ۲- مجاهد شهید حسن کبیری شهادت ۲۶ مهر ۶۰ درگیری در پایگاه
 - ۳- مجاهد شهید هانا ربوبی (کبیری) همسر حسن شهادت ۲۶ مهر ۶۰ درگیری در پایگاه
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده تدین

- ۱- مجاهد شهید فضل الله تدین ۲۲ ساله شهادت ۱۲ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه
 - ۲- مجاهد شهید فاطمه تاجی مهدوی (تدین) همسر فضل الله ۲۶ ساله شهادت ۱۲ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه
 - ۳- مجاهد شهید زهرا تدین ۲۳ ساله شهادت پائیز ۶۰ درگیری در پایگاه
 - ۴- مجاهد شهید محمد تدین ۲۶ ساله دستگیری مهر ۶۰ شهادت در زیر شکنجه
 - ۵- مجاهد شهید حسینعلی ایزدی همسر زهرا تدین پائیز ۶۰ درگیری در پایگاه
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده ترابی

- ۱- مجاهد شهید علی محمد ترابی شهادت ۲۴ مرداد ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید محمدرضا ترابی شهادت ۲۴ مرداد ۶۰ تیرباران
 - ۳- مجاهد شهید حسین ترابی تیرباران
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده زائران مقدم

- ۱- مجاهد شهید علی زائران مقدم متولد ۱۳۲۷ شهادت ۲۷ شهریور ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید مهدی زائران مقدم متولد ۱۳۳۶ شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
 - ۳- مجاهد شهید فائزه زائران مقدم متولد ۱۳۴۰ شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
 - ۴- مجاهد شهید مصطفی موسوی (همسرفائزه) ۲۷ ساله شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده شایسته

مادرسایسته که به همراه دختر نوجوانش در مشهد بدار آویخته شد. فرزند دیگر وی قبلا بشهادت رسیده بود.

★ ★ ★

چندن از بدران مجاهد که در رابطه با فعالیت‌های انقلابی خود بوسیله رژیم سفاک خمینی تیرباران شده اند

- ۱- مجاهد شهید حاج علی اصغر زهتابچی تاریخ شهادت ۳۱ خرداد ۶۰ تیرباران
- ۲- مجاهد شهید حاج صفائی تیرباران
- ۳- مجاهد شهید حاج عطا محمودیان تیرباران
- ۴- مجاهد شهید درویش علی قادیکلای که پسر او نیز بوسیله رژیم سفاک و ضدبشری خمینی به شهادت رسیده است.

شهدای مجاهد خانواده ابراهیم پور

- ۱- مجاهد شهید کلثوم اسلامی (خاله ابوالفضل ابراهیم پور) ۶۰ ساله شهادت ۱۰ مرداد ۶۱ درگیری با مزدوران
 - ۲- مجاهد شهید ابوالفضل ابراهیم پور متولد ۱۳۲۴ شهادت ۲۵ شهریور ۶۰ درگیری با مزدوران
 - ۳- مجاهد شهید آسیه ابراهیم پور متولد ۱۳۳۹ شهادت ۲۳ آذر ۶۱ درگیری در پایگاه
 - ۴- مجاهد شهید مهدی ابراهیم پور متولد ۱۳۴۱ شهادت ۲۶ آبان ۶۰ تیرباران
 - ۵- مجاهد شهید محمد محسن اسلامی (فرزند مادر کلثوم اسلامی) شهادت ۶ شهریور ۶۰ تیرباران
 - ۶- مجاهد شهید عباس رخشانی همسر آسیه
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده مرتضائی

- ۱- مجاهد شهید طاهر مرتضائی (پدر) تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید عبدالله مرتضائی (برادرزاده طاهر) تیرباران
 - ۳- ۴۰۳ - خواهرزادگان طاهر، مجاهدین شهید: - عفت خراسانی مطلق - محمدتقی خراسانی مطلق - محمود جعفری (همسر عفت) تیرباران
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده خسروی

- ۱- مجاهد شهید نسرین خسروی متولد ۱۳۴۱ دستگیری ۳۰ خرداد ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید زرین خسروی متولد ۱۳۳۵ شهادت دی ۶۰ درگیری در پایگاه
 - ۳- مجاهد شهید نیره خسروی متولد ۱۳۳۵ شهادت پائیز ۶۱ درگیری در پایگاه
 - ۴- مجاهد شهید پروین خسروی متولد ۱۳۴۲ شهادت ۸ اردیبهشت ۶۱ درگیری در پایگاه
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده امامی

- ۱- مجاهد شهید علی امامی متولد ۱۳۳۹ مرداد ۶۰ دستگیر و ۱۲ شهریور ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید مرتضی امامی متولد ۱۳۳۰ شهادت ۵ مهر ۶۰ تیرباران
 - ۳- مجاهد شهید محمد امامی متولد ۱۳۳۸ شهادت ۲۳ خرداد ۶۱ درگیری درگیری
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده ابراهیمیان

- ۱- مجاهد شهید علی ابراهیمیان
 - ۲- مجاهد شهید زهرا ابراهیمیان
 - ۳- مجاهد شهید کبری ابراهیمیان
 - ۴- مجاهد شهید غلامحسین ابراهیمیان
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده شگری

- ۱- مجاهد شهید حسن شگری ۲۵ ساله شهادت شهریور ۶۰ حین درگیری با مزدوران در ساری
- ۲- مجاهد شهید قاسم شگری شهادت سال ۶۰ تیرباران در قائم شهر
- ۳- مجاهد شهید حسین شگری شهادت سال ۶۰ تیرباران در قائم شهر

شهدای مجاهد خانواده حریری

- ۱- مجاهد شهید مسعود حریری متولد ۱۳۳۳ شهادت مهر ۶۰ در جریان درگیری
 - ۲- مجاهد شهید مهی حریری متولد ۱۳۳۷ شهادت آذر ۶۰ در جریان درگیری
 - ۳- مجاهد شهید فرح حریری متولد ۱۳۳۵ شهادت تیر ۶۱ در جریان درگیری
 - ۴- مجاهد شهید ناصر موسوی (همسر مهی) شهادت آذر ۶۰ در جریان درگیری
 - ۵- مجاهد شهید عزت الله اشتری (همسرفرح) شهادت تیر ۶۱ در جریان درگیری
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده الهی

- ۱- مجاهد شهید نورعلی الهی متولد ۱۳۳۹ شهادت ۲۸ رمضان ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید حیدرعلی الهی متولد ۱۳۳۴ شهادت دی ماه ۶۰ درگیری در پایگاه
 - ۳- مجاهد شهید علی اصغر الهی ۱۹ ساله
 - ۴- مجاهد شهید فاطمه مهدی زاده (الهی) همسر حیدرعلی الهی
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده حسینی برزی

- ۱- مجاهد شهید مریم حسینی برزی متولد ۱۳۳۷ شهادت ۶۱/۶/۸ درگیری در جاده کرج
 - ۲- مجاهد شهید غنچه حسینی برزی متولد ۱۳۳۶ شهادت ۶۱/۳/۲۳ درگیری با مزدوران رژیم
 - ۳- مجاهد شهید شهاب حسینی برزی ۱۶ ساله شهادت سال ۶۰ تیرباران
 - ۴- مجاهد شهید سعید حسینی برزی ۲۰ ساله شهادت زیر شکنجه
 - ۵- مجاهد شهید محمود آرمین همسر مریم ۲۷ ساله شهادت سال ۶۰ تیرباران
 - ۶- مجاهد شهید محمد قربانی (همسر غنچه) شهادت ۲۳ خرداد ۶۱ درگیری در پایگاه
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده بقائی

- ۱- مجاهد شهید سودابه بقائی متولد ۱۳۴۳ شهادت ۹ آذر ۶۰ تیرباران
 - ۲- مجاهد شهید امیرحسین بقائی متولد ۱۳۳۸ شهادت ۶ مرداد ۶۰ حین یک ماموریت سازمانی
 - ۳- مجاهد شهید محمد بقائی متولد ۱۳۳۱ شهادت ۱۳ مهر ۶۰ حین یک ماموریت بوسیله انفجار نارنجک خود در ماشین پاسداران به شهادت رسید.
- ★ ★ ★

شهدای مجاهد خانواده بزرگان فر

- ۱- مجاهد شهید آراسته قلیوند (بزرگان فر) ۵۷ ساله دستگیری و تیرباران ۲۸ آذر ۶۰
 - ۲- مجاهد شهید صغری بزرگان فر دستگیری و تیرباران ۲۸ آذر ۶۰
 - ۳- مجاهد شهید امیر بزرگان فر شهادت مرداد ۶۱
- ★ ★ ★

ملاقات نماینده دیرکل جبهه ملی لبنان و مسئول روابط خارجی سازمان عمل کمونیستی مستقل با برادر مجاهد مسعود رجوی و اعلام همبستگی با سازمان مجاهدین خلق و حمایت از صلح و دموکراسی برای ایران



یکدیگر از استقرار صلح عادلانه مابین ایران و عراق حمایت می‌کنیم
سازمان عمل کمونیستی لبنان از تشکیل دهندگان جبهه ملی لبنان بشمار می‌رود که رهبر آن آقای محسن ابراهیم دیرکل جبهه ملی لبنان است.
ریاست این جبهه را آقای ولید جنیلاط بعهده دارد.
در خاتمه این دیدار

تقدیم نموده و ضمن اعلام همبستگی با سازمان مجاهدین خلق ایران مواضع سازمان خود در حمایت از صلح و دموکراسی برای ایران را بیان کرد.
آقای نصیرالاسد همچنین با آرزوی اتحاد همه نیروهای ترقیخواه ایران و اتحاد نیروهای ترقیخواه منطقه اظهار داشت که ما با اعتقاد به اصل عدم مداخله کشورها در امور داخلی

چهارشنبه ۴ اسفند آقای نصیرالاسد نماینده دیرکل جبهه ملی لبنان و عضو دفتر سیاسی و مسئول روابط خارجی سازمان عمل کمونیستی مستقل لبنان، با برادر مجاهد مسعود رجوی دیدار و پیرامون اوضاع منطقه تبادل نظر نمود.
در این دیدار آقای نصیرالاسد سلام‌های آقای محسن ابراهیم دیرکل جبهه ملی لبنان را

روزنامه "عکاظ" چاپ عربستان سعودی:
مسعود رجوی بر ترمز ارتش ایران
علیه رژیم خمینی تاکید می‌کند

عکاظ

□ مسعود رجوی بؤکد :

تَمَرِد بِالْجَيْشِ الْإِيرَانِيِّ صَدَّ نِظَامَ خَمِينِي
در صفحه ۲

روزنامه لبنانی "الحوادث":

عراق، مجاهدین را مجاز شناخت
که از اسرای ایرانی دیدار کنند

الحوادث

جمعة ۲۱ كانون الثاني (يناير) ۱۹۸۳

العراق يسمح لمجاهدي خلق بزيارة الاسرى الايرانيين
در صفحه ۲

اطلاعیه سازمان مجاهدین خلق ایران - مرکز کردستان
درباره

تهاجم سنگین پیشمرگه‌های مجاهد خلق به یکی
از مهمترین پایگاههای منطقه سردشت (حمران)
و بهلاکت رسانیدن بیش از ۵۰ تن از پاسداران
و مزدوران بسیج ضد خلقی مستقر در این پایگاه
در صفحه ۵

برادر مجاهد مسعود رجوی ضمن تشریح نقطه‌نظرهای مقاومت ایران درباره صلح و آزادی متقابلا سلام‌ها و تشکرات مجاهدین خلق ایران و مقاومت عادلانه‌ی مردم ایران را به همه‌ی نیروهای دموکراتیک و ترقیخواه لبنان تقدیم نمود.

★ ★ ★

نامه‌های خود را برای "مجاهد" و هم‌چنین رادیو "صدای مجاهد" به آدرس‌های زیر ارسال دارید:

انگلستان

BM BOX 9090
LONDON
WCIN 3XX
ENGLAND

اتریش

Pf:6
1110 WIEN
AUSTRIA

آلمان

Pf.: 800552
5_Köln 80
W_Germany

فرانسه

B.P 214
92108 BOULOGNE
BILLANCOURT
CEDEX
PARIS FRANCE

کمک‌های مالی خود را به حساب‌های زیر واریز نموده و
حواله‌های آن را به یکی از آدرس‌های مقابل ارسال دارید:

انگلستان
Midland Bank plc
281 Chiswick High Road
London W4 4HJ
England
A-Khodabandeh
N. 91082078

از خارج فرانسه
BANK SOCIETE GENERAL
N°: 58133126 Mr. EBRAHIM AG. CENTRALE ETRA
(PARIS FRANCE) code guichet 03002
در داخل فرانسه
B.N.P. PONTOISE 1269652

تصحیح و پوزش:

تاریخ مربوط به نشریه ۱۴۱ در صفحه ۵ اول آن اشتباها بجای ۵ اسفند ماه، ۵ بهمن ماه چاپ شده بود ضمن تصحیح تاریخ فوق‌ار خوانندگان عزیز نشریه مجاهد بابت این غلط چاپی پوزش می‌طلبیم.

باز هم اعدام

در انظار

عمومی مردم

در صفحه ۱۶

دستور محوری روز: گسترش هسته‌های مقاومت مسلحانه در سراسر کشور برای انهدام پاسداران سرکوبگر ارتجاع، شکستن طلسم اختناق و تدارک قیام‌رهائی بخش عمومی